



سر مقاله	یادداشت‌ها	گفت‌وگو
پول مال دولت است	هدف از معدنکاری چیست؟	ثبات ارزی نیازمند اجرای سیاست منسجم پولی و مالی
تامین مالی و جریان تولید خودرو	بازار، همیشه تشنه کالا است	استفاده از ابزار صادرات برای کنترل نرخ ارز

## سیاست‌های ناکارآمد تامین نقدینگی



- ۱ رد پای «طلای سیاه» در ارزش ریال
- ۲ سیاست‌هایی که تولید را زمینگیر می‌کند
- ۳ معدن روبه‌زوال می‌رود؟
- ۴ رکود تورمی، درد دیرینه اقتصاد ایران
- ۵ این قفل شکسته می‌شود؟
- ۶ جلوی استهلاک اقتصاد را چگونه باید گرفت؟
- ۷ کفگیر بازار مسکن به ته دیگ خورد!
- ۸ توسعه اقتصاد، نیازمند دیپلماسی فعال است
- ۹ تامین نقدینگی و نرخ ارز سد راه تولید است
- ۱۰ ارز چندنرخ، آفت اقتصاد دانش بنیان



**جناب آقای مهندس محمدرضا موثقی نیا**

انتصاب شایسته جنابعالی به‌عنوان سرپرست سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) از سوی وزیر محترم را تبریک عرض می‌نمایم. از خداوند بمان توفیقات و بشارت روز افزون را برای جنابعالی آرزو می‌کنیم.

توس مسیر  
TOOS MASIR

**مناقشه عمومی**

ساخت، نصب و راه‌اندازی غبارگیر برای هاپرهای داخل سالن تولید کارخانه کنسالتره سنگ آهن

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظر دارد ساخت، نصب و راه‌اندازی غبارگیر برای هاپرهای داخل سالن تولید کارخانه کنسالتره سنگ آهن برای کارخانه خود، واقع در استان همدان را به تامین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا تامین‌کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۲۷۶۴۵۳۲۵ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی [www.sabanour.com](http://www.sabanour.com) قسمت فراخوان - مناقسه مراجعه نمایند و پاکت خود را مطابق شرایط مناقسه با ورود به سامانه تامین‌کنندگان صبانور بصورت در بسته مهر و موم شده، از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ به آدرس سعادت آباد نرسیده به خروجی هاشمی رفسنجانی شرق - خیابان ۲۶ (حلقه غربی) پلاک ۴۹ - طبقه سوم (بخش دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقسه‌گذار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقسه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

**« آگهی افزایش سرمایه و استفاده از حق تقدم سهام »**

شرکت معدن کار باختر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۵۷۳ و شناسه ملی به شماره ۱۰۸۶۱۶۷۰۰۱۶

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران این شرکت می‌رساند در راستای مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ مبنی بر افزایش سرمایه و رعایت مواد ۱۶۶ لغایت ۱۷۰ قانون تجارت و تفویض اختیار عملی نمودن افزایش سرمایه به هیاتمدیره، مطابق جلسه هیاتمدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸، در این مرحله مقرر گردید سرمایه شرکت از مبلغ ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۸,۰۰۰,۰۰۰ سهم یک‌هزار ریالی با نام به مبلغ ۱۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۱۴,۰۰۰,۰۰۰ سهم یک‌هزار ریالی با نام به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از محل مطالبات حال شده و آورده نقدی افزایش یابد. لذا هر یک از سهامداران محترم شرکت که تمایل به حضور در افزایش سرمایه را دارند می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ نشتر این آگهی از حق تقدم منقطع استفاده نموده و اعلامیه قبولی خود (ضمن تأیید استفاده از مطالبات و واریز وجه نقدی بابت سهم‌الشرکه) به منظور شرکت در افزایش سرمایه مذکور را به دفتر شرکت واقع در: همدان، کیلومتر ۲۵ جاده سنج، روستای باباعلی، معدن سنگ آهن باباعلی تسلیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی مقرر، هیاتمدیره مجاز خواهد بود حق تقدم‌های استفاده نشده بابت افزایش سرمایه و باره سهم‌های ایجاد شده را به سایر منقضیان اعم از حقیقی یا حقوقی واگذار و این انصراف بمنزله سلب حق تقدم خویش در استفاده ناشی از این افزایش سرمایه می‌باشد.

هیاتمدیره شرکت معدن کار باختر (سهامی خاص)

**چشنواره تابستان**

تبلیغات با قیمت استثنایی

- درج ۲ نوبت آگهی ۴ کادری در پر تیراژ ترین روزنامه صنعتی کشور
- تولید ۲ عدد محتوای ۸۰۰ کلمه ای و انتشار در پایگاه خبری گسترش نیوز
- باز نشر ۲ عدد محتوای ۸۰۰ کلمه ای در روزنامه صمت
- درج بنر سی روزه در پایگاه خبری گسترش نیوز
- درج یک صفحه پوستر در اولین ویژه نامه صمت
- درج بنر در سایت صمت و روزگار معدن و روزگار ما

سایت‌ها  
WWW.SMTNEWS.IR  
WWW.GOSTARESH.NEWS  
WWW.ROUZEGAREMADAN.COM

ایمیل  
ADS.SMTNEWS@GMAIL.COM

شماره بازرگانی  
۰۲۱-۸۸۷۶۶۷۳۳۳-۳۳

**« مناقشه عمومی »**

شرکت معدن کار باختر در نظر دارد روانکارهای صنعتی مصرفی ماشین‌آلات مورد نیاز خود را از طریق مناقسه عمومی خریداری نماید. از متقاضیان محترم دعوت به عمل می‌آید پس از مراجعه به سایت [www.madankarbakhtar.ir](http://www.madankarbakhtar.ir) نسبت به دانلود اسناد مناقسه، تکمیل و تحویل آن حداکثر تا ۷ روز کاری بعد از تاریخ درج آگهی به آدرس همدان - خیابان مهدیه - خیابان توحید - بن‌بست کبابیان - درب اول سمت راست - واحد پشتیبانی آقای بابایی به شماره ۰۹۱۸۳۱۸۹۸۲۳ (تلفن ۰۸۱۳۳۷۰۲۳۵ داخلی ۵) اقدام فرمایند.

شرکت معدن کار باختر (سهامی خاص)



## پول مال دولت است

ناصر بزرگمهر  
nbozorgmehr@yahoo.com  
به نام او که هر چه بخواهد همان بی شود

در دزدی از یک بانک، یکی از دزدها فریاد می‌زند: به نفع تان است که هیچ حرکتی نکنید، بی خودی مقاومت نکنید و جان تان را به خطر نیندازید، چون پول مال دولت است و تمام آن بیمه شده، پس نگران سلامتی خودتان باشید و به زن و بچه‌هایتان فکر کنید.

با این حرف، همه به آرامی روی زمین دراز می‌کشند و فکر می‌کنند، چرا برای پولی که مال آنها نیست، مقاومت و ریسک کنند و جان‌شان را به خطر بیندازند.

ظاهراً جامعه‌شناسان به این وضعیت «شیوه جایگزین تفکر» می‌گویند که توسط دزدها در ذهن مخاطبان یعنی کارکنان و مشتریان بانک، جایگزین تفکر واقعی و اصلی شد.

در ادامه این قصه گفته می‌شود وقتی دزدها به مخفیگاهشان می‌رسند، یکی از آنها که جوان تر است و ظاهراً لیسانس اقتصاد با نمره نوزده و خورده‌ای از یکی از دانشگاه‌های دارقوزآباد داشته، به رئیس دزدها که از همه پیر تر بوده، اما سواد و مدرکی نداشته، می‌گوید: بیایید پول‌ها را بشماریم.

جامعه‌شناسان این وضعیت را «عجله جوانی» می‌گویند که همه از جوانی به یاد دارند.

رئیس دزدها می‌گوید: شمردن پول‌ها وقت زیادی می‌برد، بهتر است سریع‌تر بروید و مخفی شوید، خود بانک تا چند ساعت دیگر مبلغ دزدی را از طریق رادیو و تلویزیون اعلام می‌کند.

جامعه‌شناسان به این وضعیت «تجربه» می‌گویند چیزی که رئیس دزدها به اندازه کافی داشته است.

بعد از رفتن دزدها، معاون بانک به رئیسش می‌گوید: بهتر است فوری به پلیس اطلاع دهیم و اژیر را بزنیم، اما رئیس بانک می‌گوید، دزدها راست می‌گفتند، پول‌ها که مال دولت و بیمه شده است، پس کمی مهلت بده خودمان هم مقداری برداریم تا به برداشت دزدها اضافه و با رقم دزدی، یکجا اعلام کنیم. جامعه‌شناسان این وضعیت را با «موج شنا کردن» می‌گویند که مدیر بانک در طول سال‌ها خدمت صادقانه، خوب بلد شده بود.

بالاخره رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها، با تأخیر یکی دو روزه، با رقم پول دزدیده شده را مثلاً ۳۰ میلیون دلار اعلام می‌کنند.

جامعه‌شناسان به این وضعیت «بی‌توجهی به افکار عمومی» می‌گویند که معمولاً رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها آن را خوب بلد هستند تا اخبار را دیرتر از همیشه به اطلاع مردم برسانند. وقتی رسانه‌ها مبلغ دزدی را اعلام می‌کنند، دزدها که در این مدت پول را شمرده‌اند، از رقم اعلام شده بسیار عصبانی می‌شوند و می‌گویند: ما زندگی مان را به خطر انداختیم و فقط ۲۰ میلیون دلار گیرمان آمد، اما رئیس بانک در یک لحظه و بدون خطر ۱۰ میلیون دلار به جیب زده و به دروغ ۲۰ میلیون دلار را ۳۰ میلیون دلار اعلام کرده است.

جامعه‌شناسان این وضعیت را «وضع پیش آمده» می‌دانند. همه هم این را می‌گویند که حتماً اتفاقی بوده یا شانس انجام شده است.

پلیسی که به این ماجرا رسیدگی می‌کرده، متوجه دستکاری رئیس و معاون بانک می‌شود برای لو ندادن موضوع، در خواست سهم می‌کند و رئیس بانک هم می‌پذیرد.

جامعه‌شناسان این وضعیت را «شراکت جدید» می‌نامند. در این مرحله همه می‌گویند از بدشانسی رئیس بانک بوده است. وقتی دزدی بانک به بیمه اعلام می‌شود، از آنجایی که بیمه هم متعلق به بانک است، متوجه می‌شوند که هیچ پولی بیمه نبوده، مسئولان بیمه، به خودشان پیشنهاد پاداش خاص می‌دهند که بتوانند به راست و ریس کردن این پرونده کمک کنند.

جامعه‌شناسان به این وضعیت «استفاده بیشتر از موقعیت» می‌گویند که نوعی از این جیب به آن جیب کردن است. وقتی ماجرا تمام می‌شود اسناد و مدارکی از فرد ناشناسی به دست یک خبرنگار می‌رسد. خبرنگار هم به افشای ماجرا و نوشتن یک یادداشت اقدام می‌کند و در نهایت بانک و بیمه و پلیس و دزدها از آن خبرنگار شکایت می‌کنند.

جامعه‌شناسان به این وضعیت «قربانی کردن یک بنده خدا به جای واقعیت» می‌گویند.

که البته تمام این قصه، بخشی از یک حقیقت دیگر است. هر چیزی که به نظر واقعی می‌آید، می‌تواند حقیقی نباشد. یک تصادف ساده بین دو اتومبیل را اگر در سینما ببینیم، یک تصویر غیرواقعی، مونتاژی و با حق‌های سینمایی و توسط تکنولوژی دیده شده است. همان تصادف را اگر از نزدیک ببینیم، به ما یک تصویر واقعی ارائه می‌دهد. اما همین تصویر واقعی هم، تمام حقیقت نیست. بخشی از حقیقت در ذهن رانندگان، در ذهن دزدهای بانک، در ذهن پلیس، رئیس بانک، مسئولان بیمه، خبرنگار و جامعه همیشه پنهان می‌ماند.

این روزها مشکلات تأمین مالی بخش تولید، نوسان قیمت‌ها، افزایش نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی، تفکرات جامعه، مقاومت دولت، ضعف اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم، فشار سازمان‌های مالیاتی، زورگویی سازمان تأمین اجتماعی، دست بردن در جیب مشتریان، حضور مدیرت‌های کوتوله، تقسیم‌بندی سودی و نخودی، سوءاستفاده نهادها، شرکت‌ها، اتاق‌ها و اتحادیه‌ها از شرایط موجود به نفع خود و کاسبانی که دیگر حبیب خدا نیستند و بی‌توجهی کامل به منافع ملی و ده‌ها عامل دیگر، بخشی از واقعیت‌های دیده‌شده در حقیقتی است که خود کامل نیست.

پول مال دولت است، اما برای رفع مشکلات و ایجاد بازار کار و کاهش نرخ ارز و بالارفتن ارزش پول ملی و مبارزه با گرانفروشی و کاهش قیمت‌ها و کنترل مسکن و اتومبیل و خورد و خوراک و پوشاک مردم باید در اختیار تولید قرار گیرد.

پول در اختیار دولت است، اما قرار نیست کسی به بیت‌المال دستبرد بزند.

پول در واقعیت مال دولت است، اما در حقیقت متعلق به ملت است، متعلق به من و شما و نسل‌های آینده است.

## سیاست‌های ناکارآمد تأمین نقدینگی

نرخ بالاتر از نرخ رشد اقتصادی درگیر تورم مزمن دورقمی است و از سوی دیگر بخش واقعی اقتصاد از کمبود نقدینگی و مشکل تأمین مالی رنج می‌برد. این پارادوکس در سایه مشکلات ساختاری اقتصاد ایران ممکن شده و با این همه راهکارهای آرایه شده برای حل معمای نقدینگی و تأمین مالی تولید به نتایج قابل‌انتکایی نرسیده است. با این‌همه کنترل رشد پایه پولی و نقدینگی به عنوان موتور محرک تورم از اصلی‌ترین برنامه‌های بانک مرکزی در راستای کنترل تورم فزاینده است که در سال‌های اخیر در صدر برنامه‌ها قرار دارد. **سنت** در این پرونده با بررسی دلایل و آثار «مشکل تأمین مالی تولید» به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصاد، به رابطه نرخ ارز و سیاست‌گذاری‌های کلان در ایجاد معمای نقدینگی و تأمین مالی در ایران رسیده است.

باین پرونده **سنت** همراه باشید.

پدیده متوجه حوزه بالادستی و حکمرانی نظام بانکی است.

بحث نقدینگی در اقتصاد ایران به یک معما تبدیل شده و تا امروز نیز کارشناسان و تحلیل‌گران بسیاری از دلایل بروز این پدیده و راهکارهای کنترل آن سخن گفته‌اند.

از سوی دیگر رشد بالای نقدینگی ناشی از رشد پایه پولی و اعتبارات بانک‌ها، در چند دهه گذشته منجر به استمرار تورم بالا در کشور شده و نکته قابل توجه آنکه بسیاری از ناگامی‌های رشد اقتصادی به عدم تأمین نقدینگی بازمی‌گردد. بخش تولید نیز یکی از اصلی‌ترین مشکلات خود را کمبود نقدینگی و دسترسی سخت و محدود به اعتبارات بانک‌ها عنوان می‌کند. در این وضعیت، شرایط حاکم بر اقتصاد ایران نیز باعث جذاب‌تر شدن فعالیت سفته‌بازی نسبت به فعالیت‌های مولد شده است.

با توجه به موارد یاد شده از یک سو کشور به دلیل رشد نقدینگی با

نرخ رشد اقتصادی در کشور در ۶ دهه گذشته بسیار پرنوسان بوده، برای مثال میانگین رشد اقتصادی در دهه ۴۰ که ۱۰ سال طلایی اقتصاد ایران به حساب می‌آید بالغ بر ۱۱ درصد برآورد شده، این درحالی‌است که میانگین رشد اقتصادی در سال‌های از دست رفته ۹۰ تا ۱۴۰۱ حدود ۱.۲ درصد بوده است. همچنین بررسی رشد نقدینگی از سال ۵۷ تاکنون نشان می‌دهد حجم نقدینگی در هر دولت به صورت میانگین ۸ برابر افزایش یافته است.

«معادله نقدینگی»، «معادله دارایی و تعهدات» و «معادله سود زیان» سه معادله اصلی بانکداری است که اگر بانک‌ها در این سه معادله به درستی عمل نکنند، به بانک مخرب یا همان زامبی بانک تبدیل می‌شوند. در ادبیات جهانی اقتصادی، بانک‌های مخرب یا همان زامبی بانک‌ها، زمانی عمل می‌کنند که بانک‌ها دچار ناترازی شوند و آسیب‌های این

**تأمین مالی یکی از اجزای مهم و حیاتی زنجیره خلق ارزش در اقتصاد است. مطالعات بسیاری بر رابطه متقابل بخش مالی و بخش واقعی اقتصاد تأکید می‌کنند و در نتیجه هرگونه نقص در کارکرد این بخش می‌تواند کل اقتصاد را با مشکل مواجه کند.**

**این در حالی است که یکی از معضلات همیشگی فعالان اقتصادی، کمبود نقدینگی و تأمین اعتبار برای حفظ یا گسترش ظرفیت تولید است.**

**از سوی دیگر رشد بالای نقدینگی به یکی از اساسی‌ترین معضلات اقتصاد کلان کشور تبدیل شده که تورمی مزمن را به اقتصاد تحمیل کرده است. این چنین است که اقتصاد ایران در پارادوکس تأمین مالی و حجم نقدینگی گرفتار شده و برون رفت از این شرایط تا امروز میسر نبوده است. شاید برای حل مشکل ابتدا باید به شناخت عوامل مؤثر در بروز مشکل رسید.**

براساس گزارش‌های منتشر شده، رشد نقدینگی ناشی از عوامل گوناگونی است که بخشی از این رشد مربوط به افزایش پایه پولی و بخش دیگر ناشی از فعالیت بانکی است. همچنین رشد تسهیلات و ترازنامه آنها می‌شود.

از سوی دیگر تحریم‌های بین‌المللی ریسک سرمایه‌گذاری و تولید در

## دلایل رشد نقدینگی در اقتصاد ایران

موجب افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی می‌شود. ناترازی ترازنامه بانک‌های کشور از دیگر دلایل رشد نقدینگی و پایه پولی به شمار می‌رود که از کانال استقراض یا اضافه‌برداشت صورت می‌گیرد.

تبدیل درآمدهای ارزی دولت به ریال نیز از جمله کانال‌های افزایش نقدینگی در کشور است. همچنین نیاز بنگاه‌های بزرگ و ناکارآمد به تسهیلات ارزان قیمت برای پوشش شکاف نقدینگی یکی دیگر از دلایل تداوم نرخ بالای رشد نقدینگی در کشور عنوان می‌شود.

علاوه بر موارد یادشده، نرخ سود بانکی و نرخ تسعیر دارایی‌های خارجی بانک‌مرکزی؛ از دیگر عوامل تأثیرگذار بر سرعت رشد نقدینگی هستند.

## نسبت نقدینگی به تولید در اقتصاد ایران

دهه ۱۳۹۰ که همراه با ثبات نسبت پول به تولید و افزایش شدید نسبت شبه‌پول به پول بوده، بیانگر آن است که نقدینگی افزایش‌یافته، کیفیت مناسبی برای پوشش فعالیت‌های بخش حقیقی اقتصاد نداشته و به همین جهت بخش اعظم آن به شبه‌پول تبدیل شده است. در چنین شرایطی، افزایش نسبت نقدینگی به تولید در اقتصاد ایران نه تنها نشان‌دهنده توسعه مالی نیست، بلکه نشان‌دهنده رشد بیش از اندازه موسسات پولی و بانکی فراتر از ظرفیت‌های ساختاری اقتصاد و ظرفیت‌های نظارتی سیاست‌گذار پولی بوده است. نتیجه این ساختار نیز منجر به بروز التهابات شدید در بازارهای دارایی و تورم‌های شتابان در بخش کلایی شده است. براساس گزارش پژوهشکده پولی و مالی، تجربه اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد نسبت نقدینگی به تولید در کشورهای مختلف تنها یک وضعیت از ابعاد مختلف توسعه مالی آن کشورهاست. بنابراین باید به سایر مشخصات نظام مالی از جمله دسترسی و کارایی بخش مالی نیز توجه کرد.

بررسی‌های تجربی نیز بیانگر آن است که نظام‌های مالی هر چند بزرگ در صورتی که برای بخش زیادی از افراد با شرکت‌ها در دسترس نباشد، یا نتوانند منابع مالی را به صورت کارآمد بین فعالیت‌های مولد تخصیص دهند، نظام مالی توسعه‌یافته قلمداد نمی‌شود. علاوه بر این، توسعه مالی اساساً فرآیندی پویا و زمان‌بر است و عوامل متعددی در این فرآیند نقش دارند. به همین جهت است که توصیه می‌شود پژوهشگران برای دستیابی به نتایج درست، شاخص‌های توسعه مالی را در مقابل عوامل تعیین‌کننده آن (مانند ویژگی‌های مختلف کشورها) محک بزنند. به بیان دیگر، رتبه بالاتر توسعه مالی بدون توجه به سایر ویژگی‌های کشوری، لزوماً مطلوب نیست و در واقع ممکن است نشان‌دهنده گسترش نظام مالی یک کشور فراتر از قابلیت‌های ساختاری و نظارتی باشد. این روند پیامدهای منفی برای رشد، ثبات مالی و اقتصادی کشور خواهد داشت.

این تجارب موید آن است که هرگونه تلاشی برای افزایش بیشتر نسبت نقدینگی به تولید در اقتصاد ایران بدون اصلاح نظام بانکی به‌مثابه تکرار تجارب دهه ۱۳۹۰ و ایجاد نوسانات بیشتر در اقتصاد خواهد بود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود اولاً توسعه مالی در بخش بانکی با تأکید بر ابعاد دسترسی و کارایی شبکه بانکی از طریق اصلاح نظام بانکی و کاهش ناترازی بانک‌ها در دستور کار قرار گیرد. همچنین، افزایش نسبت نقدینگی به تولید می‌تواند نه از طریق افزایش کمی نقدینگی، بلکه از طریق مدیریت انتظارات تورمی و ایجاد رشدهای حقیقی به‌جای رشدهای اسمی تولید مالک عمل قرار گیرد.

رشد نقدینگی ناشی از عوامل گوناگونی است که بخشی از این رشد مربوط به افزایش پایه پولی و بخش دیگر ناشی از فعالیت بانکی‌ها و رشد تسهیلات و ترازنامه آنها می‌شود. تغییر در خالص دارایی‌های خارجی بانک‌مرکزی، تغییر در بدهی بانک‌ها به بانک‌مرکزی، تغییرات مطالبات بانک‌مرکزی از دولت و تغییرات ضریب فزاینده نقدینگی ایجاد شده است. همچنین از نبود انضباط مالی دولت نیز به عنوان اصلی‌ترین عامل ساختاری رشد بالای نقدینگی در اقتصاد ایران یاد می‌شود که به کسری بودجه آشکار و پنهان منجر شده است.

دولت‌ها برای تأمین کسری بودجه از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند که برخی روش‌ها به واسطه اتکا به منابع بانک‌مرکزی

با وجود اینکه نسبت نقدینگی به تولید در اقتصاد ایران طی دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته، برخی با مقایسه نسبت نقدینگی اقتصاد ایران با کشورهای توسعه‌یافته، معتقدند برای رسیدن به توسعه مالی و متعاقب آن رشد اقتصادی، باید سهم تولید از نقدینگی افزایش یابد. این گروه معتقدند افزایش سهم تولید از نقدینگی منوط بر تداوم رشد نقدینگی در اقتصاد خواهد بود. با توجه به مطرح‌شدن این دیدگاه‌ها، پژوهشکده پولی و بانکی با انتشار گزارشی به پاسخ به این پرسش‌ها پرداخته که اولاً: توسعه مالی در چه شرایطی به رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود و دوم اینکه در مسیر رسیدن به توسعه مالی، افزایش نسبت نقدینگی به تولید از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است.

براساس پژوهش صورت گرفته در پژوهشکده پولی و بانکی ایران، بررسی ادبیات نظری بیانگر آن است که توسعه مالی پدیده‌ای چندبعدی است و بنابراین رشد متوازن همه ابعاد منجر به اثربخشی و رشد اقتصادی خواهد شد. براساس این گزارش، صندوق بین‌المللی پول نیز شاخصی فراگیر برای توسعه مالی طراحی کرده است که علاوه بر عمق مالی، به دسترسی و کارایی نیز هم از جنبه فعالیت‌های واسطه‌گری مالی و هم از جنبه گزینه‌های جایگزین تأمین مالی سنتی توجه دارد.

بررسی شاخص توسعه مالی صندوق بین‌المللی پول نشان‌دهنده آن است که توسعه مالی در اقتصاد ایران در یک وضعیت میانه قرار دارد و نه تنها نسبت به کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند انگلیس، امریکا، ژاپن، کانادا، استرالیا، و... بلکه حتی نسبت به بازارهای نوظهوری مانند چین، مالزی، برزیل، نیز در جایگاه پایین‌تری قرار دارد. در این میان، عملکرد نظام بانکی نسبت به سایر ساختارهای مالی، از جمله بازار سرمایه دچار ضعف است و به همین دلیل نیز اصلاح نظام بانکی و ارتقای سطح عملکرد این ساختار به سطح استانداردهای مالی بین‌المللی از ضرورت‌هاست.

از سوی دیگر بررسی نسبت نقدینگی به تولید در کشورهای مختلف نیز حکایت از افزایش نسبت نقدینگی به تولید همگام با توسعه مالی دارد. همچنین، این نسبت برای گروه کشورهای با درآمد بالاتر از درآمد متوسط در حدود ۱.۵ واحد و برای گروه کشورهای با درآمد کمتر از درآمد متوسط در حدود ۰.۵ واحد است. بررسی نسبت نقدینگی به تولید در اقتصاد ایران نشان می‌دهد: این نسبت از دهه ۱۳۸۰ با آغاز فعالیت بانک‌های خصوصی شروع به افزایش کرده و با توجه به کاهش نسبت پایه پولی به نقدینگی، عمده افزایش نسبت نقدینگی به تولید ناشی از خلق پول شبکه بانکی بوده است.

افزایش شتابان نسبت نقدینگی به تولید طی نیمه نخست

## با وجود رشد نقدینگی، تولید از آن بی‌بهره است

اقتصاد ایران را بیش از پیش افزایش داده و در کنار رشد قابل توجه بازار دارایی‌ها، جذابیت تولید در برابر دیگر فعالیت‌های اقتصادی کاهش یافته است. در چنین شرایطی ظرفیت تولیدمولد برای جذب نقدینگی کاهش یافته و در برابر بازار آرایه‌ها حرفی برای گفتن نخواهد داشت. در این

شرایط نکته قابل توجه، نحوه گردش نقدینگی و اعتبارات بانکی است. به بیان دیگر، نقدینگی در جامعه وجود دارد و بیش از نیاز اقتصاد نیز ایجاد می‌شود، اما این نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی سوق پیدا نمی‌کند و با وجود رشد نقدینگی، تولید از آن بی‌بهره است.

## تجارب جهانی هدایت اعتبار

براساس پژوهش صورت گرفته در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، سیاست‌های هدایت اعتباری به معنی کنترل میزان رشد و ترکیب اعتبارات اعطایی به بخش‌ها و کارکردهای مختلف از دیگر راه‌های کنترل نقدینگی به شمار می‌رود.

تا سال ۱۹۹۱ سیاست‌های هدایت اعتباری در ژاپن با دو هدف اجرا می‌شد: نخست، کنترل رشد کمتی اعتبارات بانک‌ها به طوری که برای هر بانک سهمیه مشخصی برای رشد اعتبارات تعیین می‌شد؛ دوم، هدایت اعتبارات بانک‌ها به بخش‌های اولویت‌دار. این سیاست تا زمانی کارآیی داشت که شرکت‌های ژاپنی به تأمین مالی از طریق بانک‌ها وابسته بودند. آغاز فرآیند آزادسازی مالی در این کشور و امکان تأمین مالی از کانال‌های غیربانکی عملاً کنترل اعتبارات از طریق این سیاست را ناکارا کرد و ژاپن این سیاست را کنار گذاشت.

کره جنوبی نیز تجربه مشابهی داشت. اعمال این سیاست و ورود سرمایه‌های خارجی برای دوره‌ای از رشد صنعتی کره پشتیبانی کرد؛ اما در اواخر دهه ۱۹۸۰ این سیاست‌ها موردبازبینی قرار گرفت و به مرور کنار گذاشته شد. سیاست‌های هدایت اعتباری که بعد از ۱۹۹۸ در چین در حال اجرا بوده، تا حد زیادی شبیه سیاست‌های اجراشده در ژاپن است. بانک‌مرکزی چین در این سیاست‌ها ۴ بانک بزرگ دولتی را هدف قرار داده است. در این دستورالعمل‌ها ضمن تعیین سقف برای رشد اعتبارات بانک‌ها و ملاک قراردادن آن در نظارت بانکی، در هر دوره سه‌ماهه بخش‌های اولویت‌دار برای اعطای تسهیلات و بخش‌هایی که نباید تسهیلات به آنها اعطا شود، مشخص می‌شود. نحوه نظارت و جلسات منظم مقام ناظر با بانک‌ها از مواردی است که در اجرای موفق این سیاست در این کشور مؤثر بوده است.

رعایت سازگار «هدایت اعتبار» در ایران تفاوت‌های قابل توجهی با الگوهای موفق جهانی دارد. تعیین نرخ بهره دستوری و منفی شدن نرخ سود واقعی در بانک‌ها ساختار تقاضا برای تسهیلات را با کشورهای دیگر متفاوت کرده و مقبولیت پس‌اندازهای مالی را کاهش داده است. از سوی دیگر، بانک‌ها از نظر سودآوری، نقدشوندگی و کفایت سرمایه در شرایط خطرناکی هستند و اعمال محدودیت‌هایی که بر سودآوری و جریان نقدینگی آنها تأثیر منفی می‌گذارد، می‌تواند موجب وخیم‌تر شدن وضعیت سلامت بانکی در کشور شود. برای اجرای موفقیت آمیز این سازکار باید پیش‌شرط‌هایی از جمله تقویت سیستم نظارتی، کاهش شدت سرکوب مالی و بهبود سلامت بانکی رعایت شود.

## نقدینگی و سیاست‌گذاری‌های مصلحتی

غبار آلود شده و به جای اینکه سرمایه‌گذاری به سمت تولید و فعالیت‌های مولد رود، به سمت سفته‌بازی می‌رود و فعالیت‌های غیرمولد می‌رود. در این حالت عرضه با مشکل مواجه شده و پدیده رکود تورمی رخ می‌دهد.

همچنین کاهش بهره‌وری نیروی کار نیز از دلایل بروز رکود تورمی در کشور شناخته می‌شود. راهکار اصلی و قطعی برای حل این مسئله وجود ندارد اما با توجه به اینکه یکی از ارمان‌های تورم بالا رکود تورمی است، به نظر می‌رسد بایستی به گونه‌ای ابتدا مشکل تورم در کشور حل شود.

با وجود اینکه رشد نقدینگی عامل اصلی تورم در کشور است اما رشد نقدینگی عامل اصلی رکود تورمی نیست. بلکه نوسان رشد نقدینگی از میانگین بلندمدت آن است که باعث رکود تورمی می‌شود.

به بیان ساده‌تر فرض کنید نرخ رشد بلندمدت نقدینگی در کشور ۲۵ درصد است و فعالان اقتصادی خود را با این نرخ تطابق می‌دهند. حال زمانی که سیاست‌گذار پولی بنا به موقعیت زمانی و مصلحت رشد نقدینگی را از مسیر بلند مدت خارج می‌کند، انتظارات فعالان اقتصادی بر هم می‌خورد. در این حالت فضای اقتصادی

## سخن پایانی

از آنجا که نرخ رشد بالای رشد نقدینگی در ایران مشکلی پیچیده و معلول مشکلات ساختاری دیگر مانند کسری بودجه سالانه، ناترازی در ترازنامه بانک‌ها و حتی ناترازی در تجارت خارجی است، حل آن نیز نیازمند اقدامات اساسی و اصلاحات ساختاری است. از این رو برای این معضل می‌توان راهکارهای میان‌مدت و کوتاه‌مدت ارائه کرد. در میان مدت اهدافی همچون رفع سلطه مالی و استقلال بانک‌مرکزی، انضباط مالی دولت و اصلاح ساختاری بخش هزینه و بخش درآمدی بودجه و ارتقای سلامت مالی بانک‌ها در جهت کاهش نیاز آنها به منابع بانک‌مرکزی از جمله راهکارهای میان‌مدت کنترل رشد نقدینگی است. از این رو تقویت بازار بین بانکی به‌عنوان منبع جایگزین برای اضافه‌برداشت بانک‌ها، بهبود ابزار بانک‌مرکزی در جهت جمع کردن نقدینگی و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد بانک‌ها و اقدامات مؤثر بر کنترل رشد ترازنامه از جمله راهکارهای کوتاه‌مدت کنترل رشد نقدینگی به شمار می‌رود.

نگاهی به تحولات نرخ ارز در دهه گذشته نشان داد

# ردپای «طلای سیاه» در ارزش ریال



امیرعباس آذرموند: در کشورمان از ابتدای شروع به کار ریال تا پیش از سال ۱۳۳۶، نظام ارزی چند نرخ حاکم بوده است. از دهه ۱۳۱۰ به دنبال اعمال کنترل های ارزی، صادرکنندگان ملزم به فروش ارز به بانک های مورد تایید به نرخ رسمی بودند. از سال ۱۳۳۶ با حذف گواهی صدور و کاهش ارزی ریال، نظام تک نرخی حاکم شد که تا سال ۱۳۵۶ ادامه پیدا کرد. همزمان با کاهش صادرات نفتی در سال ۱۳۵۷ نرخ غیررسمی ارز از نرخ رسمی فاصله گرفت. تا سال ۱۳۷۰ تامین ارز کالاهای اساسی از محل صادرات نفتی با همان نرخ پیش از انقلاب ادامه پیدا کرد و صادرکنندگان غیرنفتی نیز مجاز به فروش ارز به نرخ بازار غیررسمی شدند. در فروردین ۱۳۷۱ با تصمیم دولت برای یکسان سازی نرخ ارز، نرخ دلار از ۶.۷ تومان به ۱۴۳ تومان افزایش یافت. پس از این جهش قیمتی از آذر سال بعد دوباره نظام چندنرخی ارز حاکم شد. به گزارش **سمن** و بنابر آنچه پیش تر مرکز پژوهش های مجلس منتشر کرده، طبق قانون بودجه سال ۱۳۸۰ دولت مکلف شد در نیمه نخست آن سال زمینه های یکسان سازی نرخ ارز را فراهم کند. با فراهم شدن مقدمات از فروردین ۱۳۸۱

یکسان سازی نرخ ارز انجام شد و نرخ رسمی از ۱۷۵ تومان به ۷۹۰ تومان افزایش یافت. در عین حال بانک مرکزی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ تحت سرفصل مداخله در بازار غیررسمی ارز، ۲۴۹ میلیارد دلار ارز در بازار فروخته که این مقدار به جز مقدار فروش بانک مرکزی برای واردات و دیگر مصارف رسمی است. از سال ۱۳۹۲ دوباره این مداخلات از سر گرفته شد تا در ۱۳ سال حجم فروش ارز بانک مرکزی در قالب مداخلات ارزی به ۲۸۴ میلیارد دلار برسد. در پی تحریم های ابتدای دهه ۹۰ همزمان با کاهش صادرات نفتی، نرخ ارز با جهش مواجه شد. این جهش ارزی سبب شد تا دولت نرخ رسمی ارز را در مقدار ۱۲۲۶ تومان تثبیت کند. در تیر ۱۳۹۲ نرخ رسمی با حدود ۱۰۰ درصد افزایش به ۲۵۰۰ تومان رسید. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نرخ غیررسمی سالانه متوسط ۶ درصد و نرخ رسمی در حاشیه نرخ غیررسمی با اختلاف حدود ۱۵ درصدی افزایش می یافت. در سال ۱۳۹۷ نرخ غیررسمی ارز با بیشترین جهش تاریخ از حدود ۴ هزار تومان به حدود ۱۰ هزار و ۳۰۰ تومان رسید.

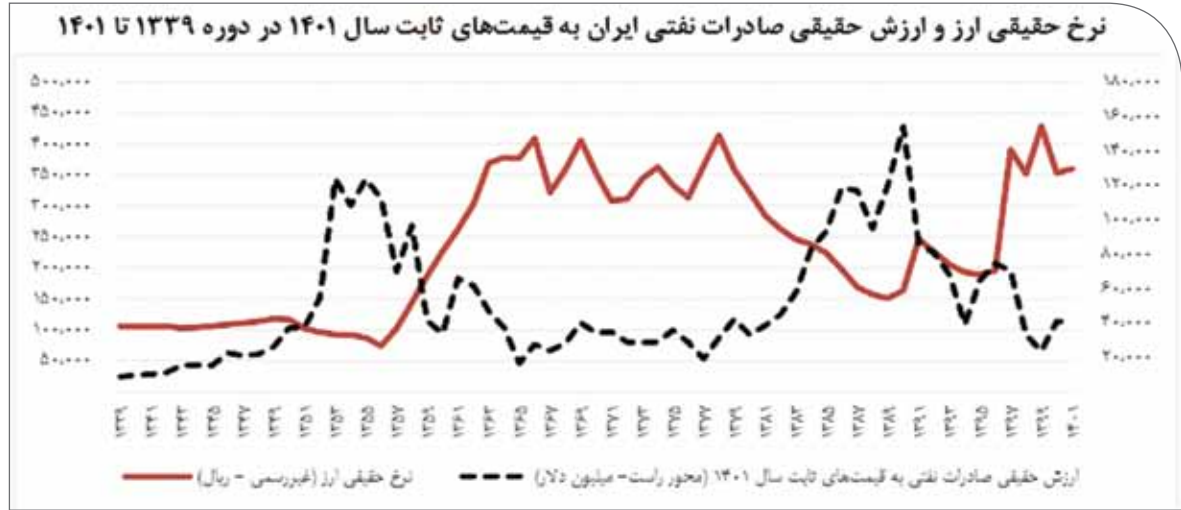
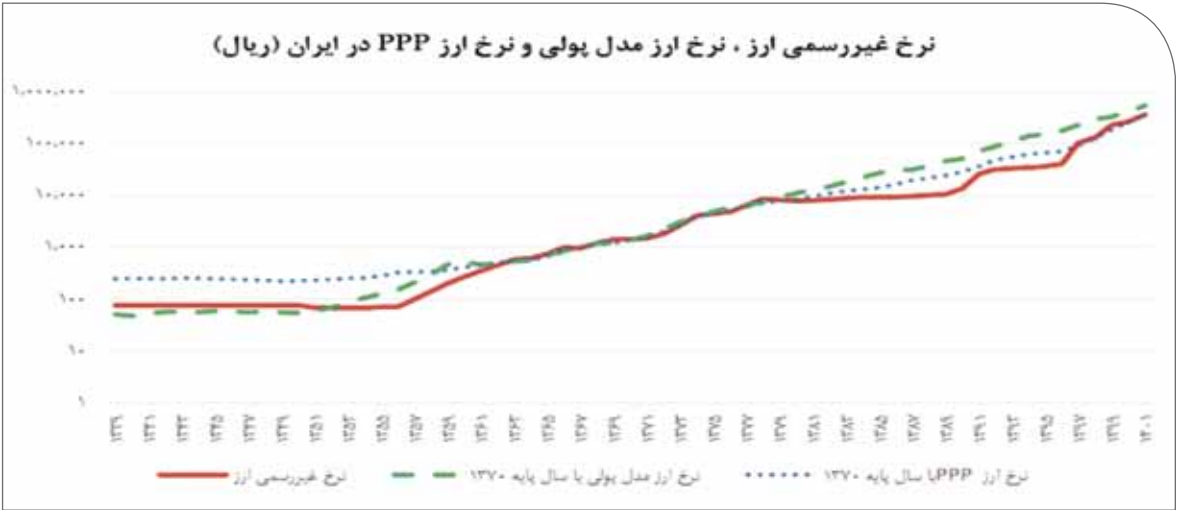
## تحولات نرخ حقیقی ارز

صادرکننده و واردکننده نفت دارد و به همین دلیل پس از افزایش نرخ نفت از سال ۲۰۰۰ میلادی، مطالعات درباره رابطه نرخ نفت و نرخ ارز، رشد معناداری داشته است. بررسی ها نشان می دهد همبستگی معکوس میان نرخ حقیقی ارز در بازار غیررسمی و ارزش حقیقی صادرات نفتی وجود دارد. اما این همبستگی در دهه ۴۰ و نیمه اول دهه ۵۰ مهیم است. این میان در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در کنار صادرات نفتی، بالا بودن نرخ حقیقی سود سپرده نیز می تواند در پایین ماندن نرخ حقیقی ارز موثر باشد.

## نقش پرتگ نفت در بازار ارز

از این زاویه که سهم بالای ارزهای نفتی در طرف عرضه بازار ارز، سیاست های ارزی در کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. این سهم بالا در طرف عرضه، به معنای قدرت قیمت گذاری سیاست گذار در بازار ارز است. به همین دلیل، مسئله نرخ ارز جزو مسائل دائمی و مهیم سیاست گذار و به همین میزان نیز محل اختلاف نظرهای اساسی میان متخصصان و کارشناسان اقتصادی بوده است. یکی از مهم ترین ریشه های اختلافات کارشناسی، از اختلاف نظر درباره نظریات تعیین نرخ است. به عنوان مثال برخی متخصصان با تکیه بر ادعای منطبق نبودن روند نرخ ارز در ایران با مدهای مختلف نظریه تخصیص ارز، نرخ ارز را تابعی از عوامل بنیادین اقتصاد ندانسته و تغییرات آن را ناشی از عواملی مانند تصمیم دولت یا رفتار صادرکنندگان بزرگ می دانند. به همین دلیل سیاست های ارزی مبتنی بر تعیین دستوری نرخ ارز را برای ایران بهینه می دانند.

اختلافات کارشناسی، از اختلاف نظر درباره نظریات تعیین نرخ است. به عنوان مثال برخی متخصصان با تکیه بر ادعای منطبق نبودن روند نرخ ارز در ایران با مدهای مختلف نظریه تخصیص ارز، نرخ ارز را تابعی از عوامل بنیادین اقتصاد ندانسته و تغییرات آن را ناشی از عواملی مانند تصمیم دولت یا رفتار صادرکنندگان بزرگ می دانند. به همین دلیل سیاست های ارزی مبتنی بر تعیین دستوری نرخ ارز را برای ایران بهینه می دانند.



## رانت نفتی لحاظ شود

تحریم های سال ۹۷ رخ داد. از سال ۹۳ تا ۹۶ بالا بودن نرخ حقیقی سود سپرده بانکی اثر معناداری بر عدم افزایش نرخ ارز متناسب با تورم داشت. این در حالی است که فاصله نرخ ارز و نرخ مدل پولی همچنان پابرجاست. تغییر در رابطه مبادله یکی از موارد معمول در نقض نظریه برابری خرید در کشورهای صادرکننده نفت است، چراکه در این کشورها به دلیل نوسانات نرخ نفت، رابطه مبادله می تواند در سطوح مختلفی قرار بگیرد؛ بنابراین شرط لازم است که برای تعیین روند نرخ ارز در هر دوره، سال پایه ای انتخاب شود که در آن سال، از سطح رابطه مبادله یکسانی برخوردار باشند. وجود رانت نفتی در کشورهای صادرکننده نفت و لحاظ نکردن آن در مدل پولی، استفاده از این مدل محاسبات را دچار بیش برآوردی می کند. البته با اضافه کردن رانت نفتی در مدل پولی، این مسئله رفع و به طور کلی قدرت توضیح دهنده مدل پولی بیشتر می شود.

کشور، رشد نقدینگی تبدیل به افزایش نرخ ارز شده و رشد نرخ ارز متناسب با تورم تجربه شده است. با آغاز دهه ۸۰ و به دلیل افزایش نرخ جهانی نفت و ورودی ارزهای حاصل از رانت نفتی به اقتصاد، واگرایی در روند سه نرخ ایجاد شد. به دلیل افزایش رابطه مبادله با کشورهای صادرکننده نفت، نرخ پولی پایین تر از نرخ ناشی از قدرت مبادله قرار گرفت. از طرفی به دلیل افزایش ورودی ارزهای نفتی به اقتصاد، اثر رشد نقدینگی بر نرخ ارز ظاهر نشد. از آنجا که کاهش رشد نرخ ارز اثر کاهشی روی تورم و در مقابل افزایشی روی نقدینگی دارد، واگرایی دو روند نرخ ارز قابل انتظار بود. با سقوط نرخ نفت در سال ۲۰۱۵ میلادی و کاهش صادرات نفتی در کشورهای صادرکننده نفت، نرخ ارز به روند نرخ ارز مبتنی بر قدرت خرید همگرا شد. البته در ایران این اتفاق با کاهش صادرات نفتی در پی

دهه ۷۰ میلادی به ثبات نسبی دست می یابد. از ابتدای دهه ۵۰ شمسی همزمان با رشد نرخ جهانی نفت و ارزش صادرات نفتی، نرخ ارز مدل پولی بالاتر از نرخ ارز قرار گرفته است. این پدیده به دلیل افزایش ورودی رانت های نفتی به کشورهای صادرکننده مانند ایران رخ داده است. ورود ارزهای نفتی موجب شده اثر رشد نقدینگی بر نرخ ارز ظاهر نشود. در این دوره دو اثر تعدیلات پس از فروپاشی بر تورن وودز و افزایش نرخ باید مدنظر قرار گیرد. در دو دهه ۶۰ و ۷۰ روند نسبتا ثابتی در جریان است و نرخ های مختلف محاسبه شده ارز با هم تقریبا منطبق هستند که بیانگر افزایش نرخ ارز در تناسب با تورم و رشد نقدینگی دارد. در این دو دهه به دلیل ثبات نسبی در ارزش صادرات نفتی و به تبع آن رابطه مبادله، این انطباق شکل گرفته است. در نبود تغییرات معنادار ورودی ارزهای نفتی به اقتصاد

بررسی ها نشان می دهد دو نظریه رایج تعیین نرخ ارز یعنی نظریه برابری قدرت خرید و مدل پولی منوط به لحاظ اثر رانت منابع طبیعی نفت و تغییرات رابطه مبادله، روند بلندمدت نرخ ارز را از توضیح می دهند. این نظرات از تناسب بیشتری برای کشورهای دارای تورم و رشد نقدینگی بالا برخوردار هستند. نکته حائز اهمیت دیگر ضرورت لحاظ کردن شکست ساختاری ناشی از فروپاشی برتون وودز است. در دهه ۴۰ که مربوط به دوره پیش از فروپاشی برتون وودز است، نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت بالاتر از نرخ ارز مدل پولی پایین تر از نرخ غیررسمی است. پس از فروپاشی برتون وودز از اوایل دهه ۵۰، مقارن با اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، نرخ ارز در هر دو مدل با هم همگرا شدند. این امر ناشی از پیشی گرفتن نرخ تورم از رشد نقدینگی است. در این دوره، رابطه مبادله ایالات متحده به شدت دچار تغییر شده که در نهایت در اواخر

### آگهی مزایده فروش در جزیره کیش

شرکت تامین ماشین آلات ساختمانی و نصب تام مکران در نظر دارد تعدادی از کامیونت شش چرخ و کشنده ولوو و کفی تریلی خود را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان خرید می توانند از مورخه ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ از ساعت ۹ الی ۱۳ نسبت به بازدید و شرکت در مزایده به آدرس: کیش- شهرک صنعتی ۳- خیابان کاردان- پلاک ۲۶ مراجعه نمایند. ۰۹۱۷۴۶۶۳۹۱۱۲ (زارعی)

شرکت تامین ماشین آلات ساختمانی و نصب تام مکران

### آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه به طور فوق العاده

شرکت خدماتی شهرک صنعتی کاسپین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۴۹۱۸۵۸ بدینوسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران شرکت فوق دعوت می گردد در جلسه مجمع عمومی عادی که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ ساعت ۱۱ به آدرس کیلومتر ۲۵ اتوبان قزوین-تهران، شهرک صنعتی کاسپین، میدان امام خمینی، بلوار امام خمینی، کدپستی ۳۴۴۵۱۸۱۱۴۳ برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش هیاتمدیره و بازرس قانونی
- بررسی و تصویب صورت های مالی و ترازنامه سال ۱۴۰۱ و بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۲
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
- انتخاب بازرس قانونی شرکت
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی باشد.

هیاتمدیره شرکت

### آگهی مزایده عمومی ۳-۴۰۲-۳۶

اداره کل راه آهن شمالشرق (۱) در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده از درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) و به شرح ذیل اقدام نماید. متقاضیان موظفند جهت شرکت در مزایده نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند. لازم بذکر است کلیه مراحل برگزاری مزایده از طریق سایت مذکور انجام می گردد.

۱. شرح مختصر موضوع مزایده: اجاره سوله تراورس بتنی در ایستگاه شاهرود
۲. قیمت پایه یکساله مزایده: مبلغ ۲.۷۶۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
۳. مبلغ پیشپردازی می بایست به صورت یک مبلغ کلی و واحد اعلام گردد و به بالاترین پیشنهاد از لحاظ قیمت اجاره داده خواهد شد.
۴. متقاضیان می توانند با مراجعه به درگاه مناقصه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (سامانه ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) یک نسخه از اسناد مزایده را دریافت نمایند و حداکثر تا تاریخ مندرج در سامانه، نسبت به بارگذاری اسناد در سامانه ستاد به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) اقدام نمایند و پاکت های الف و ج علاوه بر تکمیل و بارگذاری در سامانه ستاد به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) به صورت لاک و مهر شده با قید

فرشاد زادخور، مدیر کل راه آهن شمالشرق (۱)

### فراخوان مزایده

اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی در نظر دارد، غرفه های صنایع دستی، شهرستان نیشابور (خیام) خود را بشرح ذیل از طریق مزایده عمومی برای مدت سه سال به اجاره واگذار نماید.

متقاضیان می توانند ضمن دریافت و مطالعه اسناد، پس از بازدید محل، قیمت پیشنهادی خود را اعلام نمایند.

- مهلت دریافت اسناد: از تاریخ درج اولین آگهی لغایت پایان وقت اداری (ساعت ۱۴:۳۰) روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳
- مهلت دریافت اسناد: از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) می باشد.
- مهلت تحویل پیشنهاد قیمت ها: تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۴:۳۰) روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ به نشانی محل دریافت اسناد و سامانه می باشد.
- تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۹:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ در محل سالن جلسات اداره کل می باشد.

شماره غرفه	نام غرفه	آدرس	نوع کاربری	مساحت تقریبی (مترمربع)	مبلغ پایه کارشناسی به صورت سه سال به (ریال)
۴	موتورخانه خیام (جنب درب ورودی خیام)	شهرستان نیشابور	کافه کتاب	۱۲۰	۳/۲۵۱/۶۰۰/۰۰۰
۵	فروشگاه فیروزه (داخل باغ)	شهرستان نیشابور	صنایع دستی	۱۵	۳۰۵/۷۶۰/۰۰۰

لیست غرف مشمول مزایده))

فرشاد زادخور، مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی

تأمین مالی، بزرگ‌ترین چالش صنعت کشور

## سیاست‌هایی که تولید را زمینگیر می‌کند



عکس: آیدا فریدی

تأمین مالی و جریان تولید خودرو



صنعت خودرو، یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهان است که بسیار لخت است و با کندی، اما محکم تغییر می‌کند. در کشورهای مانند ژاپن و در شرکت‌هایی مانند تویوتا، میزان ذخیره خطوط حدود ۶ ساعت و زمان طراحی یک محصول جدید حدود ۱۸ ماه است که سالانه مدل‌های جدیدی نیز به بازار عرضه می‌کنند، اما همان خودروساز وقتی می‌خواهد یک تغییر اساسی در پلتفرم بدهد، حدود ۵ سال برنامه‌ریزی می‌کند. قبل از اینکه به شرایط صنعت خودمان بپردازم، توضیح کوتاهی درباره علت سرعت عملکرد بالای شرکت تویوتا خدمت‌تان ارائه می‌کنم. نخستین و اصلی‌ترین عامل، فرهنگ ژاپنی است که کسی نمی‌تواند تأثیر آن را در عملکرد شرکت تویوتا و مدیریت کشور کوچک و باعظمت ژاپن نادیده بگیرد. دومین عامل که ناشی از همان اولین عامل است، سیاست‌گذاری‌های درست و ثبات سیاست‌گذاری در سطح ملی و در نتیجه ثبات اقتصادی در آن کشور و نهایتاً تورم بسیار پایین (در بعضی سال‌ها حتی منفی) و قابل برنامه‌ریزی بودن همه‌چیز تا حد جزئیاتی مانند رفت‌وآمدهاست. این کشور آن قدر با ثبات است که حتی رفت‌وآمد تریلی‌ها و قطارها در حد دقیقه قابل پیش‌بینی است، چه برسد به برنامه‌های بانک مرکزی و دولت آن. پس می‌توان با یک برنامه‌ریزی درست در خطوط تولید، میزان ذخیره خطوط را به ۶ ساعت کاهش داد. در این کشور، مشتری پادشاه است و در شرکت همه در خدمت مشتری هستند و برای این منظور از فرمانده شرکت، یعنی مدیرعامل به‌شدت فرمان می‌برند تا لشکرشان در دنیای رقابت پیروز شود. هر کسی کم‌کاری کند، خودش خجل می‌شود و گاه تا جایی می‌رود که خودش خجسته می‌کند. در ژاپن مرگ ناشی از کار زیاد هم موضوعی طبیعی به نظر می‌رسد. من دوستان تحصیلکرده ژاپن دارم که می‌گویند ژاپن خیلی زیبا و پیشرفته است، اما از نظر کاری مانند یک پادگان بزرگ است و هر کسی از روز اول باید در یک دسته یا گروهان شرکتی عضو باشد و همه با هم تلاش می‌کنند تا گروه و نهایتاً شرکت و بالاتر از آن، کشورشان سربلند باشد. در چنین شرایطی همه‌چیز قابل پیش‌بینی است و وقتی یک پروژه توسعه محصول جدید مطرح می‌شود به‌راحتی می‌توان تشخیص داد که آیا از منظر اقتصادی پروژه موفقیت‌آمیز است یا خیر. البته بدیهی است که به خاطر فضای رقابتی، همیشه احتمال شکست از رقیب یا نوسان بازار مصرف وجود دارد، مانند آنچه در دوران کرونا رخ داد. اما در مجموع وقتی کاری شروع می‌شود همه مراحل معلوم و مسئولیت‌ها تقسیم‌شده است. یکی از این مسئولیت‌ها تأمین مالی است.

در ژاپن سه گروه اصلی بانکداری وجود دارد و عمده صنایع، زیرمجموعه این سه گروه هستند. نرخ بهره مشخص است. برنامه تأمین مالی کاملاً اجرا شده تا به سودهای مدنظر برسند. حال بیایم به ایران خودمان. چند روز پیش یک اتفاق وحشتناک افتاد. جناب آقای رئیس‌جمهور در یک جلسه با حضور وزرای اقتصاد و صمت فرمودند که افزایش قیمت خودروهای مونتاژی توسط شورای رقابت هیچ توجیهی ندارد و آن دو نفر را مسئول کردند قیمت‌ها را برگردانند. اینکه رئیس‌جمهور ما این قدر به فکر مردم هستند و حاضرند زیر هر چی روند قانونی و علمی است، بزنند، قابل درک است، اما اینکه آن دو وزیر محترم همانجا استعفا یا مسلط پاسخ ایشان را ندادند، خیلی عجیب است. از بهمن سال گذشته در کشور ما ۶۰ درصدی دلار، شورای رقابت با حضور نمایندگان نهادهای مختلف و به‌طور خاص وزارت صمت و البته وزارت اقتصاد، حدود ۶ ماه کل صنعت کشور را معطل کردند تا قیمت‌گذاری کنند. بماند که قیمت‌گذاری دستوری یک رویکرد ضدتوسعه‌ای، ضدرقابتی، غیراقتصادی و صرفاً سیاسی است. البته آنها در چارچوب قانون عمل کرده و بعد از این همه رفت‌وآمد، سرانجام شورا با آن همه عضو متخصص و مسئول و با وجود دو قاضی معتبر متبحر، جرأت کرد و در این فضای تورمی، قیمت‌هایی را اعلام کرد که پایین‌تر از انتظار تولیدکننده و بالاتر از انتظار مشتری بود. شخشا شجاعت شورای رقابت را تحسین می‌کنم. البته نظام سیاسی کشور تا همین حد محاسبات اقتصادی را هم قبول ندارد و به‌راحتی کل مسیر را بعد از ۶ ماه زیر سوال می‌برد و حداقل کار دو ماه تعویق است که اگر بگذاریم روی ۶ ماه قبلی تأخیر، یعنی حدود ۴۰ درصد عقب‌ماندگی از تورم این بازه زمانی در هزینه‌ها. البته اگر این را بگذاریم روی حدود یک سال عقب‌ماندگی قبلی، اصلاح قیمت‌ها می‌شود حدود ۱۰۰ درصد افزایش قیمت تمام‌شده در مقابل قیمت رسمی فروش. البته اگر همه‌چیز را دلاری فرض کنیم، می‌توانیم به‌راحتی این اختلاف را در اختلاف قیمت دلار ابتدای سال ۱۴۰۱ و هم‌اکنون ببینیم. شاید برخی اتهام بزنند که این اعداد و ارقام درست نیست. اتفاقاً این اتهام هم دلیل دیگری بر عدم امکان برنامه‌ریزی درست اقتصادی است. در همین دو هفته به‌شدت بورس سقوط کرد، اما دیگر کسی هم واکنش جدی نشان نداد. چرا؟ چون به بی‌برنامگی اقتصادی و نوسانات شدید در سیاست‌گذاری‌ها عادت کرده‌اند. حال هر قدر هم آمار و ارقام از سرمایه‌گذاری بدهند، با منشأ بیت‌المال و درآمد دولتی است، نه یک سرمایه‌گذاری درست و اصولی مبتنی بر اقتصاد. به‌عبارت‌دیگر نمی‌توان در چنین شرایطی یک جریان مطلوب نقدینگی و همچنین سرمایه‌گذاری درست در صنعت خودرو را شاهد بود و در نتیجه مفهوم تأمین مالی به‌صورت آنچه در دنیای مدرن وجود دارد در صنعت کشور ما بی‌معنی و بازی با کلمات است.

نمونه آن را در بحث اوراق گام و صکوک و موارد مشابه و حتی عرضه پروژه‌ها در بورس که در سال‌های پیش مطرح شد، مشاهده کردیم. خلاصه آنچه گفته شد کاهش کیفیت تولید و عقب‌ماندگی صنعت خودرو و در نهایت افزایش هزینه‌های مردم و کاهش ارزش پول ملی است. هر چند فعلاً بوی بازگشت دلارهای نفتی به شام سیاستمداران خورده و مدهوش از این وضعیت، دنبال واردات خودرو به‌خصوص از نوع دست‌دوم آن هستند و هیچ کوششی برای هموار شدن مسیر واردات و مصرف دلارهای بی‌زبان دریغ نمی‌کنند.

کاهش ارزش پول ملی در کنار افزایش نرخ ارز موجب شده نقدینگی موردنیاز واحدهای صنعتی برای ادامه تولید افزایش یابد. در این میان، وظیفه بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی است که تدبیری جدید بیندیشند و تسهیلات و بسته‌های ویژه‌ای برای حمایت از واحدهای صنعتی و تولیدی در نظر بگیرند. در غیر این صورت، تولید زمینگیر می‌شود که در ادامه پیامدهایی برای اقتصاد کلان و نیروهای انسانی فعال در این بخش خواهد داشت که جبران‌ناپذیر خواهد بود. در مسیر اصلی تحقق شعار سال یعنی «رشد تولید و مهار تورم» رشد تولید و در کنار آن مهار تورم لازم و ملزوم یکدیگر هستند و هر اندازه تولید رشد یابد، ثبات اقتصادی هم در جامعه شکل گرفته و تورم مهار خواهد شد

صنعت در این گزارش چالش‌هایی که بخش صنعت در تأمین مالی با آنها مواجه است را در گفت‌وگویی با فعالان این بخش بررسی کرده که در ادامه می‌آید. با ما همراه باشید.

شهناز صفایی

editor@smtnews.ir

## سیاست‌های مالی ناکارآمد، پای تولید را بسته است

محمد مهدی شکورزاده، عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور درباره چالش‌هایی که تولید برای تأمین مالی با آنها مواجه است به **صنعت** گفت: مشکلات مربوط به تأمین مالی، موضوع جدیدی نیست و سال‌هاست گریبان صنعت و تولید کشور را گرفته، با این حال در یکی دو سال گذشته به واسطه تورم روزافزون و به تبع آن، افزایش نرخ مواد اولیه و نهادهای تولید، نیاز تولید به نقدینگی و به‌طبع آن چالش‌های صنعت در این بخش بیشتر شده است. در این شرایط با دو برابر شدن مواد اولیه، هزینه‌های تولید به شدت افزایشی شده و تولیدکننده سود چندانی ندارد که بتواند سرمایه در گردش و منابع مالی که نیاز دارد را خود تأمین کند.

شکورزاده در ادامه افزود: با توجه به آنچه گفته شد تولید با تأکید بر اینکه سرمایه‌گذاری و پروژه جدیدی هم در دستور کار نداشته باشد، به‌شدت نیاز به حمایت‌های مالی دارد تا دست‌کم بتواند با ظرفیت کنونی ادامه حیات دهد. با این حال شاهد حمایت واقعی از تولید نیستیم و بانک‌ها به دلایل گوناگون، تسهیلاتی در اختیار تولید قرار نمی‌دهند. حجم اعتباری هم که به صنعت اختصاص دارد، کاهش یافته و در برخی موارد قفل است و به‌نوعی تولید ناامید از حمایت‌های مالی بانک‌هاست. به‌عنوان نمونه، صنعت خودرو در حال حاضر به شدت نیازمند تأمین مالی بوده و متاثر از این چالش، تیراژ تولید خودرو در کشور کاهش چشمگیری داشته و حتی به نصف رسیده است.

وی اظهار کرد: در این میان، روش‌های تأمین مالی مانند اوراق هم مفید است، اما متأسفانه به حدی کند حرکت می‌کند و سازگار مبهمی دارد که تبعید منظر می‌رسد بزودی به نتیجه برسد و قابلیت استفاده پیدا کند. اوراق گام هم خوب بود، اما هزینه مالی سنگینی برای واحدهای تولیدی ایجاد می‌کرد و قیمت تمام‌شده محصول را بالا می‌برد، آن هم در شرایطی که با تورم و نوسانات ارزی مواجه هستیم. در کل رویکرد نهایه‌ی آن، مخالف شعار سال بود. از سویی هم در حال حاضر برخی از بانک‌ها با ضرر و زیان‌های انباشته زیادی مواجه هستند؛ یعنی از یک سو منابعی ندارند که به تولید اختصاص دهند و از سویی دیگر، بدون اینکه منابع مالی مشخص شود، پرداخت تسهیلات به بانک‌ها تکلیف می‌شود. با این دستورالعمل‌های نادرست، بانک‌ها عملاً نمی‌توانند اقدامات چندین چشمگیری برای تأمین مالی تولید انجام دهند.

شکورزاده در پاسخ به این پرسش که چرا نقدینگی‌های سرگردان

در کشور به سمت تولید جذب نمی‌شود، اظهار کرد: در شرایطی که تولید گرفتار است و هیچ حمایتی از آن نمی‌شود، این طبیعی است که کسی تمایل به هزینه‌کرد سرمایه خود در این بخش نداشته باشد. در شرایطی که با قیمت‌گذاری دستوری و موانعی در ارتباط با بانک، ارز، بیمه و... مواجه هستیم و بازارهای غیرمولد سود بیشتری نصیب افراد می‌کنند، انگیزه‌ای برای تولید نمانده است.

## قوانین پیچیده و سختگیرانه

این فعال حوزه صنعت درباره راهکارهایی که بتواند مشکل تأمین مالی تولید را برطرف کند، گفت: اقتصاددانان و کارشناسان حوزه صنعت، بارها درباره مشکلات و راه‌های کمک به تولید در این بخش اظهارنظر کرده‌اند و موضوع جدیدی نیست. باید تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به این نظرات توجه کنند. به‌عنوان نمونه یکی از موضوعات آسیب‌زننده به تولید، اقتصاد دستوری و قوانین خلق‌الساعه است که بارها مطرح‌شده و برای رفع آنها راهکار داده شد، اما در نهایت هم اقدام عملی را شاهد نبوده‌ایم.

به تازگی از سوی برخی از کارشناسان حوزه صنعت راهکارهایی پیشنهاد به هیات دولت شده بود که در نتیجه اجرای آنها، اگر حتی سرمایه‌گذاری در بخش تولید افزایش پیدا نکند، دست‌کم کاهش هم نخواهد داشت که در ادامه انگیزه فعالان بخش تولید بالا می‌برد. در حال حاضر، به‌عنوان نمونه قوانین مالیاتی برای تولید به‌شدت سختگیرانه است.

شکورزاده در ادامه داد: مسائل مشکلات مربوط به تأمین نقدینگی برطرف شود در ادامه می‌توان با تأمین مواد اولیه مناسب و ماشین‌آلات بروز، کیفیت تولید را افزایش داد. اما تأمین مالی تنها یکی از مسائلی است که صنعت با آن درگیر است. در کل اقتصاد یک زنجیره بهم تنیده است که تمام پارامترهای آن باید همزمان مورد توجه قرار گیرد و نواقص آنها برطرف شود.

وی در پایان گفت: اگر مشکلات مربوط به تأمین نقدینگی برطرف شود در ادامه می‌توان با تأمین مواد اولیه مناسب و ماشین‌آلات بروز، کیفیت تولید را افزایش داد. اما تأمین مالی تنها یکی از مسائلی است که صنعت با آن درگیر است. در کل اقتصاد یک زنجیره بهم تنیده است که تمام پارامترهای آن باید همزمان مورد توجه قرار گیرد و نواقص آنها برطرف شود.

## تولید، مغلوب نابسامانی اقتصاد

سیدعلی صدری، کارشناس حوزه صنعت نیز درباره چالش‌های صنعتگران در بحث تأمین مالی به **صنعت** اظهار کرد: یکی از بخش‌های مالی مهمی که مشکلاتی را در بحث تأمین سرمایه برای صنعت و تولید کشور ایجاد کرده‌اند، بانک‌ها هستند. در شرایط کنونی که تولید متاثر از نابسامانی‌های اقتصادی مشکلات متعددی دارد و به‌نوعی مغلوب این شرایط است و میزان سوددهی و قابلیت اطمینان آن در سطح بالایی نیست، بانک‌ها تمایلی به اینکه منابع خود را به صنعت اختصاص دهند، ندارند. البته وقتی سرمایه‌گذاری در بخش تولید سودآور نیست، چنین برخوردی هم طبیعی است.

صدری در ادامه افزود: واقعیت این است که در کنار اینکه بخشی از سیاست‌هایی که بانک‌ها در کشور دنبال می‌کنند به نفع تولید نیست، در مقابل به‌دلیل مشکلات تولید، بانک‌ها تمایلی به تزریق منابع به تولید هم ندارند و باوجوداینکه حتی در مواردی که صحبت از اعطای تسهیلات تکلیفی به تولیدکنندگان و صنعتگران می‌شود هم در نهایت این بخش از این تسهیلات و این نوع حمایت‌ها، بهره‌چندانی نمی‌برد. البته در تأمین سرمایه در گردش و تسهیلات برای خرید ماشین‌آلات به روز، شاهد کمک‌های بسیار جزئی از سوی بانک‌ها هستیم، اما واقعیت این است که بانک‌ها از تمام توان مالی که دارند برای کمک به تولید کشور استفاده نمی‌کنند.

## باز هم رد پای تورم

این کارشناس حوزه صنعت درباره علل اصلی اینکه بانک‌ها تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ندارند، گفت: سیاست اصلی بانک‌ها، صرف منابعشان در حوزه‌هایی است که زودبازگشت باشد و سود بالاتری نصیب آنها کند. این در حالی است که بازگشت چرخه

مالی بخش تولید زمان‌بر بوده و تورمی که دامنگیر اقتصاد کشور شده نیز در این روند تأثیرگذار است. با توجه به اینکه تورم منجر به کاهش ارزش پول می‌شود، در نتیجه بانک تمایلی ندارد منابع خود را در بلندمدت در اختیار تولید بگذارد و این‌گونه است که حجم بالای نقدینگی که در جامعه به معض اقتصاد تبدیل شده، جذب بازارهای غیرمولد می‌شود.

صدری ادامه داد: بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد بسیار تأثیرگذار طبق قانون باید حامی مالی تولیدکنندگان باشد. این نهاد پولی می‌تواند با سیاست‌های کلانی که در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور تدوین می‌کند، مسیر را برای حرکت تولید همواره کند تا تولید بتواند ادامه حیات داده و سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش یابد، چراکه منافع بی‌شماری برای کشور به‌دنبال خواهد داشت.

این کارشناس حوزه صنعت با اشاره به اینکه تولید از جنبه‌های گوناگونی گرفتار است، گفت: تولیدکنندگان ما نه‌تنها در بخش رالی‌دچار چالش بوده و متاثر از سیاست‌های بانک مرکزی هستند، بلکه در بخش ارزی هم این مشکلات وجود دارد. البته در بخش

از کشور خواهد شد. به ظاهر در سیاست‌های کلان از واژه‌های در حمایت از تولید استفاده می‌شود اما در واقعیت ضدتولید است. وصول مالیات از تولید هم قطعاً رویکرد درستی است، به شرطی و

شروطها. در همه جای دنیا برای پیشرفت اقتصادی، نخست انگیزه سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کنند بعد که صنعت رشد کرد، با دوام و پایدار شد و سرمایه‌گذار جذب آن شد، نسبت به دریافت مالیات اقدام می‌کنند. اینکه در شرایط کنونی که صنعت هنوز با نگرته، همه دنبال گرفتن مالیات از تولید هستند، کار را سخت‌تر می‌کند.

## ارز چندنرخ، بالای جان تولید

شکورزاده ادامه داد: تولید فقط درگیر مشکلات مالی نیست این بخش از جنبه‌های گوناگون با موانعی مواجه است. به‌عنوان نمونه بحران نیروی انسانی، تولید را دچار مشکلات بزرگی کرده و خواهد کرد. از یک سو درآمدها با هزینه‌ها همخوانی ندارد و طبیعتاً تمایل به کار در بخش تولید با توجه به محدودیت منابع و پرداخت‌هایی که دارد کم می‌شود که در ادامه ما با معضل نیروی کار هم مواجه خواهیم شد. از سوی دیگر، نیروها دیگر ثابت و دائمی نیستند و در اینجا هم تولید دچار مشکل می‌شود.

عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور افزود: اگر مشکلات مربوط به تأمین نقدینگی برطرف شود در ادامه می‌توان با تأمین مواد اولیه مناسب و ماشین‌آلات بروز، کیفیت تولید را افزایش داد. اما تأمین مالی تنها یکی از مسائلی است که صنعت با آن درگیر است. در کل اقتصاد یک زنجیره بهم تنیده است که تمام پارامترهای آن باید همزمان مورد توجه قرار گیرد و نواقص آنها برطرف شود.

وی در پایان گفت: مسائل اقتصاد را کارشناسان اقتصاد باید شناسایی و برای حل آنها راهکار ارائه کنند. آنها باید به این پرسش که چرا به اینجا رسیده‌ایم و چگونه می‌شود مشکلات را برطرف کرد، پاسخ دهند و سیاست‌گذار نیز باید به این نظرات توجه کند و بدانند صرف نوشتن قوانینی در راستای حمایت از تولید و اقتصاد کارساز نخواهد بود. موضوع دیگری که همواره اقتصاد ما را دچار آسیب کرده وجود ارز چندنرخ است که منجر به ایجاد رانت و در نهایت خروج سرمایه‌ها از کشور می‌شود. به جرأت می‌توان گفت ارز چندنرخ در نهایت منجر به سقوط تولید خواهد شد.



ارزی با توجه به نوسانات ارزی و شرایطی اقتصادی که در آن قرار داریم چه‌بسا که مشکلات بدتر و پیچیده‌تر است و تولیدکننده را در یک فرآیند دشوار و گاه بی‌حاصل زمینگیر می‌کند. در این بخش، دو موضوع مهم کمبود منابع ارزی و سیاست‌های کلی مطرح است. صدری در پایان درباره راهکارهایی که می‌توان از طریق آنها به رفع مشکلات مربوط به تأمین مالی صنعت کمک کرد با اشاره به اینکه باید در سطح کلان، بانک‌ها موظف به حمایت واقعی از صنعت باشند، اظهار کرد: تولید در کشور ما برای تأمین منابع مالی وابسته به بانک است و به‌عبارت‌بانک‌محور هستیم. حال اگر بانک مرکزی براساس سیاست‌های کلی، حامی تولید باشد و نرخ تورم کاهش شود، قطعاً سرمایه‌گذاری در تولید به صرفه خواهد بود و بانک‌ها تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در تولید خواهند داشت. این در حالی است که بیشتر نقدینگی موجود در کشور به سمت بازارهای غیرمولد و کاذب مانند طلا و ارز در حرکت است.

## سخن پایانی

کشور انتظار می‌رود برای حل این مشکل هرچه‌سریع‌تر تدبیری بیندیشند. درست این است که شیوه‌های گوناگون تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید را تسهیل کنیم و بانک مرکزی دولت هم این موضوع را هدایت و تضمین کنند.

بنا بر این گزارش، کمبود نقدینگی و ارز برای تأمین مواد اولیه، مهم‌ترین دغدغه و مشکل واحدهای تولیدی و صنعتی است که ریشه اصلی آن به سیاست‌های مالی و ارزی نادرست دولت برمی‌گردد؛ از این‌رو از سیاست‌گذاران و مسئولان صنعتی و اقتصادی

# طاقة معدنکاری طاق شد

در خبرها آمده بود طی دهه منتهی به سال ۱۴۰۱ شاخص بهای تولیدکننده برای هر سه بخش صنعت ساخت، معدن و کشاورزی، روند افزایشی مشابهی را طی کرده، اما رقم شاخص برای بخش معدن از سایر بخش‌ها بیشتر بوده است. علاوه بر این شاخص بهای تولیدکننده بخش معدن در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۲۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در این گزارش که با عنوان «تحولات مقدار تولید فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱» از طرف مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران ارائه شده روند فصلی شاخص تعدیل‌شده میزان تولید و تغییرات آن به همراه شاخص بهای تولیدکننده برای بخش‌های معدن، صنعت ساخت و کشاورزی طی هشت فصل منتهی به زمستان ۱۴۰۱ بررسی شده است.

شاخص مقدار تولید میزان تولید واقعی را سنجش و ارزیابی می‌کند. این شاخص تغییر در مقدار کالاها و خدمات تولیدشده توسط بخش‌های اقتصادی مورد نظر را نشان می‌دهد و به دلیل عدم تأثیرگذاری تغییرات نرخ بر این شاخص، می‌تواند به خوبی عملکرد واقعی بخش‌های ذری ربط را توضیح دهد.

اما چرا معدن رتبه اول در افزایش هزینه‌های تولید را به خود اختصاص داده است. در گزارش امروز نگاه‌های ما به مجموعه عواملی که معدن را به حوزه‌های نگران‌کننده بدل کرده است.



عکس: سمن

## جهش به مدد معدن ممکن می‌شود



روز آمد، اکتشافات جدید، بهره‌گیری از ماهواره‌ها و... در جایگاه خوبی قرار نداریم.

### بی‌مهری به اکتشاف

به گفته وی اکتشاف اولویت هیچ‌کدام از دولت‌ها نبوده است و به این دلیل بودجه بسیار محدودی در اختیار سازمان زمین‌شناسی، که متولی اصلی این امر است، قرار داشته است. وی ادامه داد: محدودیت منابع مالی سبب شد که سازمان زمین‌شناسی، با وجود تلاش فراوان، نتواند کاری اساسی در حوزه اکتشافات انجام دهد و از طرف دیگر به دلیل اینکه یک سازمان دولتی است از تکنولوژی‌های روز دنیا و شرکت‌های مشاور خارجی هم محروم شد و امروزه در شرایطی قرار داریم که در حوزه زمین‌شناسی حتی در معدن روباز نیز دچار عقب‌افتادگی هستیم.

کرباسیان در ادامه گفت: مشکل بزرگ‌تر این است که سازمان و وزارتخانه‌هایی همچون نفت و انرژی اتمی، که بخش‌های اکتشافی دارند اما اطلاعات خود را در اختیار دیگر سازمان‌ها قرار نمی‌دهند. به گفته کرباسیان در سال‌های ۱۳۹۳ به بعد ایمیدرو موفق شد با کمک دو سازمان زمین‌شناسی و انرژی اتمی چیزی حدود ۲۷۰ هزار متر عملیات اکتشافی جدید انجام دهد. وی ادامه داد: طی این همکاری سازمان انرژی اتمی با اجازه دولتی کوپتر خارجی در مدت دو سال، ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع ژئوفیزیک هوایی انجام دهد که رکورد سازمان زمین‌شناسی را شکست و خوشبختانه این روند همچنان ادامه دارد، اما اگر قرار است در حوزه معدن اقدامی چشمگیری انجام شود، دولت باید پا به میدان بگذارد و با برنامه‌های حداقل ۴ یا ۵ ساله عقب‌ماندگی‌ها را جبران کند.

کرباسیان در ادامه با اشاره به مشکل فرسودگی ماشین‌آلات معدنی گفت: بر اساس شعار خودکفایی و تولید داخلی، حدود ۷ سال است که اجازه واردات ماشین‌آلات سنگین به کشور داده نمی‌شود که سیاست غلطی است و ادامه این روند موجب ایجاد رانت می‌شود، زیرا انحصار همیشه فساد ایجاد می‌کند.

رئیس پیشین هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی گفت: جذب سرمایه یکی از اصلی‌ترین ابزارهایی است که به‌ویژه در حوزه معدن رشد و توسعه به همراه می‌آورد و ارزآوری قابل توجهی دارد.

به گزارش ماین نیوز، مهدی کرباسیان اظهار کرد: با درآمد داخلی نمی‌توان بخش در حوزه معدن ایجاد کرد و افرادی که شعار می‌دهند در واقع مردم را گول می‌زنند و این در شان دولت‌ها نیست که با مردم شفاف نباشند. وی گفت: وقتی از جذب سرمایه‌گذار خارجی صحبت می‌شود فقط برای منابع مالی آنها نیست، بلکه هر سرمایه‌گذار صاحب‌نامی که به داخل کشور قدم بگذارد با خود تکنولوژی و فناوری را نیز وارد می‌کند و زمینه ارتقای مهارت نیروی انسانی را مهیا خواهد کرد.

کرباسیان اظهار کرد: ایران به دلیل دارا بودن نفت و گاز فراوان و برخورداری از معادن غنی در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد. وی در ادامه گفت: ایالات متحده آمریکا هم معدن و انرژی را باهم دارد اما کشوری همچون استرالیا فقط دارای معادن غنی است و انرژی کافی ندارد، با وجود این سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سنگ‌آهن صادر می‌کند.

مهدی کرباسیان افزود: به دلیل آنکه تا امروز نفت و درآمد‌های حاصل از آن بار اقتصاد کشور را به دوش کشیده توجه ویژه‌ای به بخش معدن نشده است. وی افزود: در سال‌های ۶۸ تا ۷۶ وزارت معادن و فلزات کاری اساسی و زیربنایی را آغاز کرد و بعدها که سازمان ایمیدرو تشکیل شد، این برنامه‌ها ادامه یافت. در سال ۱۳۹۰ ایران سیلانه ۶ میلیون تن فولاد وارد می‌کرد اما در سال ۱۳۹۷ به صادرکننده فولاد تبدیل شد و در سایر حوزه‌ها نیز با حداقل سرمایه‌گذاری و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست به جایی رسیدیم که بیش از ۲۳ درصد از صادرات غیرنفتی به معدن و صنایع معدنی اختصاص پیدا کرد.

وی گفت: پهنه کشور چیزی حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع است و علاوه بر این در میان ۱۰ کشوری که در همسایگی ما قرار دارند، تنها ایران به آب‌های آزاد دسترسی دارد و این امتیاز ویژه‌ای است که می‌توان از آن استفاده کرد. کرباسیان با اشاره به ظرفیت بالای نیروی انسانی ماهر و متخصصان دانشگاهی در حوزه معدن گفت: خوشبختانه از این نظر شرایط مطلوبی داریم اما از نظر ماشین‌آلات، فناوری

## مراقب پایان تاب‌آوری معدن باشیم



بنگاه‌های اقتصادی عادت نکردند تعهدات را به‌موقع پرداخت کنند و نسبت به پرداخت معوقه‌ها حساسیتی ندارند که این روشی کاملاً غیراصولی است.

علی‌اکبری ادامه داد: امسال برای بنگاه‌ها سخت است زیرا به فاصله چهار ماه از مجامع باید سود تقسیم کنند برای همین مجبورند دوباره وام بگیرند، یا اوراق بدهند که این موضوع معضل بزرگی را برای شرکت‌ها ایجاد کرده است.

وی گفت: مدیران باید به تاب‌آوری شرکت‌های معدنی توجه بیشتری داشته باشند و آن را جزو اولویت‌های برنامه‌ای قرار دهند تا بنگاه‌های اقتصادی دچار مشکلات و چالش‌های بیشتری نشده و کار و فعالیت اقتصادی را رها نکنند. چراکه تعطیلی هر بنگاه اقتصادی مشکلات فراوان دیگری را نیز به همراه می‌آورد.

مدیرعامل شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات با اشاره به مشکلات مالی شرکت‌های معدنی و اتمام تاب‌آوری آنها گفت: اگر تا ۲ سال دیگر مشکلات مالی بخش‌های مختلف معدنی برطرف نشود قطعاً تحمل این بنگاه‌ها تمام شده و نمی‌توانند به کار خود ادامه دهند. به گزارش معدن نامه، مرتضی علی‌اکبری با بیان اینکه شرکت‌های معدنی نمی‌توانند بیش از این در برابر فشارهای مالی و اقتصادی دوام بیاورند، گفت: وضعیت معادن و صنایع معدنی بسیار نگران‌کننده است.

علی‌اکبری افزود: این مشکلات تنها دام‌گیر شرکت‌های معدنی کوچک نشده است بلکه باید برای شرکت‌های بزرگی مانند چادرمو، گل‌گهر و فولاد مبارک هم احساس ترس و نگرانی داشت. زیرا فشار مالی زیادی روی این شرکت‌ها وجود دارد و قطعاً تا چند سال آینده با مشکلات بیشتری هم مواجه خواهند شد.

وی ادامه داد: شرکت‌های بزرگ معدنی در حال انجام وظایف دولتی هستند. به همین دلیل لازم است حمایت‌های بیشتری متوجه این شرکت‌ها شود تا با مشکلات مالی دچار مشکل نشده و طرح‌های تولیدی و توسعه‌ای را انجام دهند.

علی‌اکبری در ادامه با اشاره به شرایط تامین مالی از طریق بانک‌ها گفت: اگر شرایط بانک‌ها مساعد شود، بسیاری از بنگاه‌های معدنی تمایل دارند تامین سرمایه را از طریق بانک‌ها انجام دهند. وی درباره وضعیت فعلی بورس گفت: روی بورس در شرایط کنونی کاملاً درست است و آنچه مشکل دارد راه و روش بانک‌ها است.

چراکه اگر فضای بانک‌ها مثل بورس درست بود فضای بهتری برای تامین نقدینگی بنگاه‌ها به وجود می‌آمد. متأسفانه

## سخن پایانی

معدن از جمله بخش‌هایی است که در تحریم‌ها توانست به خوبی جایگزین نفت شود و با توجه به غنی بودن ایران از لحاظ مواد معدنی با سرمایه‌گذاری و مدیریت صحیح این حوزه می‌توان به رشد و توسعه آن امید داشت. البته توسعه‌ای که درخور ظرفیت معدنی کشور باشد، با جذب سرمایه‌های خرد داخلی حاصل نخواهد شد. ایجاد ارتباطات بین‌المللی پنجره ورود سرمایه و دانش و تکنولوژی به کشور است که تحقق این امر نیز به تدبیر و مدیریت نیاز دارد.



**آگهی فراخوان شناسایی تأمین کنندگان**  
به شماره ۱۴۰۲/۰۲/ف

**شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام)** در نظر دارد به منظور "تأمین سنگ آهن مگنتیتی" اقدام به شناسایی تأمین کنندگان (اشخاص حقیقی و حقوقی) واجد شرایط نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد فراخوان (کسب اطلاع از مدارک مورد نیاز و سایر شرایط) به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را دانلود نمایند و پاکت خود را که حاوی مدارک خواسته شده جهت شناسایی تأمین کنندگان می‌باشد، حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸ به نشانی دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و با دبیرخانه دفتر مرکزی تهران تحویل نمایند. شرکت در فراخوان حاضر و ارسال پاکت هیچگونه حقی جهت ارجاع کار ایجاد نمی‌نماید.

**کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر**



**آگهی مناقصه عمومی (تجدید شده)**  
شماره ۱۴۰۲/۱۱/ع

**شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام)** در نظر دارد "تأمین بخشی از تجهیزات مربوط به طرح جایگزین ایستگاه PCS با استفاده از ایستگاه شیر کنترل فشار پروژه خط انتقال گاز ۲۴ اینچ به منطقه گل‌گهر" را به شرح مندرج در اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عمومی به فرورونده (شخص حقوقی) واجد شرایط و آگذاژ نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکت تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و با دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

**کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر**



**آگهی خرید استعلامی ۵۰۰۰ تن مشتقات ملاس**  
شماره استعلام ۱۴۵۷۰۳

شرکت فولاد هرمزگان جنوب در نظر دارد ۵۰۰۰ تن مشتقات ملاس مورد نیاز یک ساله خود را از طریق برگزاری استعلام عمومی خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که توانایی تأمین و تحویل کالای مذکور را دارند می‌توانند مدارک مرتبط را از تارنمای شرکت فولاد هرمزگان جنوب به نشانی [www.hosco.ir](http://www.hosco.ir) دریافت و حداکثر تا پایان وقت اداری روز **سه شنبه ۱۴۰۲/۰۵/۰۳** نسبت به ارائه پیشنهاد قیمت اقدام نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شرایط استعلام با شماره تلفن ۰۲۶۴۴۸۴۸۵۸۱ تماس حاصل نمایید. هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده استعلام می‌باشد.

**روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب**



**فراخوان عمومی**  
شناسایی سازندگان و تأمین کنندگان قطعات یدکی

شرکت جهان فولاد سیرجان به منظور شناسایی و تکمیل بانک اطلاعاتی سازندگان و تولید کنندگان توانمند خود، اقدام به برگزاری فراخوان عمومی جهت اقام و تجهیزات یدکی کارخانجات اجزاء مستقیم فولادسازی و نورد شامل اقلام مکانیکی، برقی، ابزار دقیق و اتوماسیون نموده است. لذا از کلیه سازندگان و تأمین کنندگان توانمند در معیارهای نیروی انسانی، بازرگانی، فنی و مالی متناسب با موضوع دعوت می‌گردد نسبت به شرکت در فراخوان، اقدام و با مراجعه به وبسایت شرکت، بخش خرید و فروش، لینک شناسایی، ارزیابی و ارتباط با تأمین کنندگان (سامانه SRM مدیریت ارتباط با تأمین کنندگان) نسبت به ثبت درخواست عضویت و سپس تکمیل پرسشنامه خوداظهاری اقدام نمایند. **زمان: ۲۰ تیر لغایت ۲۰ مرداد ۱۴۰۲** شرایط شرکت در فراخوان و کسب اطلاعات بیشتر [WWW.SJSO.IR](http://WWW.SJSO.IR)

**شرکت جهان فولاد سیرجان**



**آگهی مناقصه عمومی (تجدید شده)**  
شماره ۱۴۰۲/۰۸/ع (نوبت دوم)

**شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام)** در نظر دارد "عملیات اجرایی تخریب، بارگیری، حمل و تخلیه سیلوهای بتنی کنسانتره و باطله کارخانه تغلیظ" مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه حداقل ۴ در رشته ابنیه و ساختمان از سازمان برنامه و بودجه و آگذاژ نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکت ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و با دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز **یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸** مقرر شده است و حضور در آن الزامی می‌باشد. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

**کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر**



**آگهی مناقصه عمومی**  
شماره ۱۴۰۲/۱۴/ع

**شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام)** در نظر دارد "خرید و نصب رین کاور به همراه ساپورت های فلزی بر روی نوار محصول HP31GI۰۰۲ مربوط به کارخانه گندله سازی شماره ۲" واقع در مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و آگذاژ نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکت ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و با دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز **یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸** مقرر شده است. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

**کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر**



**فراخوان عمومی**  
شناسایی تولید کنندگان و تأمین کنندگان مواد اولیه و مصرفی

شرکت جهان فولاد سیرجان به منظور شناسایی و تکمیل بانک اطلاعاتی تأمین کنندگان و تولید کنندگان توانمند خود، اقدام به برگزاری فراخوان عمومی جهت اقام مواد اولیه و مصرفی شامل الکتروود، فروآلیاژها، مواد نسوز و... نموده است. لذا از کلیه تولید کنندگان و تأمین کنندگان توانمند در معیارهای نیروی انسانی، بازرگانی، فنی و مالی متناسب با موضوع دعوت می‌گردد نسبت به شرکت در فراخوان، اقدام و با مراجعه به وبسایت شرکت، بخش خرید و فروش، لینک شناسایی، ارزیابی و ارتباط با تأمین کنندگان (سامانه SRM مدیریت ارتباط با تأمین کنندگان) نسبت به ثبت درخواست عضویت و سپس تکمیل پرسشنامه خوداظهاری اقدام نمایند. **زمان: ۲۰ تیر لغایت ۲۰ مرداد ۱۴۰۲** شرایط شرکت در فراخوان و کسب اطلاعات بیشتر [WWW.SJSO.IR](http://WWW.SJSO.IR)

**شرکت جهان فولاد سیرجان**



**هدف از معدنکاری چیست؟**

حسام‌الدین فرهادی نسب  
کارشناس و فعال معدن

می‌گویند اگر اداره کوپر را به دست دولت بدهید، بعد از چند سال با کمبود شن و ماسه روبه‌رو خواهید شد. این موضوع در همه کشورها و برای همه حوزه‌ها صدق می‌کند و بخش معدن کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. اگر جن این بود بخش معدن کشور با این همه پتانسیل و ظرفیت امروز در میان این همه مشکل دست‌وپا نمی‌زد و رو به زوال نمی‌رفت. همه می‌دانیم که ایران از ظرفیت‌های عظیم معدنی برخوردار است. منابع بی‌قیمتی که خداوند به این کشور بخشیده و موجب شده سهم قابل‌توجهی از کیک معدنی جهان در اختیار ما قرار گیرد، اما متأسفانه در برداشت و استفاده از آن خیلی ضعیف بوده‌ایم و تا زمانی که اراده کافی برای حل این مشکل به‌وجود نیاید در بر همین پاشنه می‌چرخد و هیچ کاری از هزاران اتاق فکر، کارگروه، کمیته و ... بر نمی‌آید. در واقع هنوز معلوم نیست ما در حوزه معدن چه سیاستی را دنبال می‌کنیم. آیا هدف حمایت از تولید داخلی است یا تکمیل زنجیره ارزش افزوده یا صادرات و ارزآوری؟ این دوگانگی در مسائل مربوط به معدن از همان الف ابتدا تا نون پایان دیده می‌شود. از یک طرف شعار ارزآوری، بالا بردن جی‌دی‌پی و شکوفایی اقتصادی در بخش معدن مطرح می‌شود و از طرف دیگر بخش معدن را به چشم کیف پول دولت نگاه می‌کنند و به‌جای حمایت، حقوق دولتی را افزایش می‌دهند، این در حالی است که معدن نباید منبع مالی دولت باشد. این حوزه باید در تولید ناخالص داخلی کشور نقش‌آفرینی کند و به کمک دیگر صنایع بیاید. اگر با کاهش هزینه‌های معدن‌داری و ایجاد صرفه اقتصادی، رونقی در این حوزه ایجاد شود، تولید افزایش می‌یابد. به این ترتیب بخشی که برای تولید داخل نیاز است مورد استفاده قرار می‌گیرد و مازاد آن صادر خواهد شد و ارزآوری ایجاد می‌کند. اگر بنا بر این است که معدن را پیشران اقتصاد در نظر بگیریم، باید الزامات و نیازهایی را که در قانون معدن و نظام مهندسی پیش‌بینی شده، محقق کنیم. به‌عبارت ساده‌تر باید ۳ درصد نظام مهندسی و ۱۵ درصد منابع طبیعی، ۱۲ درصد جهاد کشاورزی و دیگر حقوق دولتی را به این بخش اختصاص دهیم؛ اما گویا مجریان ما قانون معدن را تا جایی خوانده‌اند که به دریافت حقوق دولتی و دریافت بهره مالکانه اشاره دارد و جمله بعدی همین قانون که به روش‌های هزینه‌کرد این وصولی‌ها اشاره دارد را کاملاً نادیده گذاشته و به این ترتیب همه راه‌هایی که برای بازگشت پایدگی و زایندگی به معدن وجود داشته را مسدود کرده‌اند. بخش معدن با فولاد و صنایع پایین‌دستی‌اش ظرفیت نقش‌آفرینی در ۱۶ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را دارد، اما حتماً پیش‌نیازهایی می‌خواهد تا این ساختمان برپایه آن بنا شود که در حال حاضر مهیا نیست. ما چه زیرساختی قرار است زنجیره تولید تکمیل شود؟ گاز از کجا تامین خواهد شد، برق و آب از کجا؟ تا وقتی زیرساخت‌ها وجود ندارد و کشور قادر نیست امکانات اولیه بخش معدن را فراهم کند، خروجی مناسبی هم به‌دست نخواهد آمد. یکی از مشکل‌سازترین و در عین حال سهل‌الوصول‌ترین نیازهای بخش معدن، تامین ماشین‌آلات است که باوجود همه وعده‌و وعده‌ها هنوز مثل کوهی استوار روبه‌روی ما ایستاده است. این تناقضات باعث می‌شود نتوانیم به اهداف مدنظر دست پیدا کنیم. وقتی راه‌حل مشکلی کاملاً مشخص است، اما به‌جای حل‌وفصل آن مرتب تکرار و بازتکرار می‌شود، نتیجه‌ای جز دل‌سردی فعالان و شغافان این حوزه به‌دنبال نخواهد داشت. برای بقا در این حوزه و رقابت با دیگر کشورهای دنیا باید با تمام توان بدویم، اما از پشت سر ما را محکم گرفته‌اند، زیرا نیتنا زیرساختی برای کمک به ما ایجاد نمی‌کنند و هیچ تمهیدی برای بسترسازی و توسعه پایدار نمی‌اندیشند، بلکه در جاهایی هم که مقداری چابکی در بخش خصوصی معدن است، بر آن دست می‌گذارند تا سود خود را ببرند. ایران حدود ۷ درصد معدن دنیا را با ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار در خود جای داده و با دارا بودن ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف‌شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه و حدود ۶۸ نوع ماده معدنی غیرنفتی در بین ۱۵ قدرت معدنی جهان قرار گرفته است. همچنین ایران با اختصاص ۱۸ درصد منابع گاز و ۹ درصد منابع نفتی به خود، توانسته جایگاه خوبی در میان کشورهای معدنی دنیا برای تامین انرژی فعالیت‌های معدنی به‌ویژه در فرآوری و فلزات به دست آورد و باتوجه به منابع زیادی که دارد قیمت انرژی تا ۵۰ درصد قیمت جهانی است. باتوجه به مزیت‌های یادشده، به‌نظر می‌رسد داشتن نگاه عقلانی و کارشناسی تنها راه نجات بخش معدن باشد؛ بنابراین تا زمانی که بازگشت به کار کارشناسی و تصمیم‌گیری براساس علم اقتصاد نباشد و تصمیمات هیجانی و براساس برآورد اشتباه اتخاذ شود، معجزه‌های اتفاقی نخواهد افتاد.

می‌گویند اگر اداره کوپر را به دست دولت بدهید، بعد از چند سال با کمبود شن و ماسه روبه‌رو خواهید شد. این موضوع در همه کشورها و برای همه حوزه‌ها صدق می‌کند و بخش معدن کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. اگر جن این بود بخش معدن کشور با این همه پتانسیل و ظرفیت امروز در میان این همه مشکل دست‌وپا نمی‌زد و رو به زوال نمی‌رفت. همه می‌دانیم که ایران از ظرفیت‌های عظیم معدنی برخوردار است. منابع بی‌قیمتی که خداوند به این کشور بخشیده و موجب شده سهم قابل‌توجهی از کیک معدنی جهان در اختیار ما قرار گیرد، اما متأسفانه در برداشت و استفاده از آن خیلی ضعیف بوده‌ایم و تا زمانی که اراده کافی برای حل این مشکل به‌وجود نیاید در بر همین پاشنه می‌چرخد و هیچ کاری از هزاران اتاق فکر، کارگروه، کمیته و ... بر نمی‌آید. در واقع هنوز معلوم نیست ما در حوزه معدن چه سیاستی را دنبال می‌کنیم. آیا هدف حمایت از تولید داخلی است یا تکمیل زنجیره ارزش افزوده یا صادرات و ارزآوری؟ این دوگانگی در مسائل مربوط به معدن از همان الف ابتدا تا نون پایان دیده می‌شود. از یک طرف شعار ارزآوری، بالا بردن جی‌دی‌پی و شکوفایی اقتصادی در بخش معدن مطرح می‌شود و از طرف دیگر بخش معدن را به چشم کیف پول دولت نگاه می‌کنند و به‌جای حمایت، حقوق دولتی را افزایش می‌دهند، این در حالی است که معدن نباید منبع مالی دولت باشد. این حوزه باید در تولید ناخالص داخلی کشور نقش‌آفرینی کند و به کمک دیگر صنایع بیاید. اگر با کاهش هزینه‌های معدن‌داری و ایجاد صرفه اقتصادی، رونقی در این حوزه ایجاد شود، تولید افزایش می‌یابد. به این ترتیب بخشی که برای تولید داخل نیاز است مورد استفاده قرار می‌گیرد و مازاد آن صادر خواهد شد و ارزآوری ایجاد می‌کند. اگر بنا بر این است که معدن را پیشران اقتصاد در نظر بگیریم، باید الزامات و نیازهایی را که در قانون معدن و نظام مهندسی پیش‌بینی شده، محقق کنیم. به‌عبارت ساده‌تر باید ۳ درصد نظام مهندسی و ۱۵ درصد منابع طبیعی، ۱۲ درصد جهاد کشاورزی و دیگر حقوق دولتی را به این بخش اختصاص دهیم؛ اما گویا مجریان ما قانون معدن را تا جایی خوانده‌اند که به دریافت حقوق دولتی و دریافت بهره مالکانه اشاره دارد و جمله بعدی همین قانون که به روش‌های هزینه‌کرد این وصولی‌ها اشاره دارد را کاملاً نادیده گذاشته و به این ترتیب همه راه‌هایی که برای بازگشت پایدگی و زایندگی به معدن وجود داشته را مسدود کرده‌اند. بخش معدن با فولاد و صنایع پایین‌دستی‌اش ظرفیت نقش‌آفرینی در ۱۶ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را دارد، اما حتماً پیش‌نیازهایی می‌خواهد تا این ساختمان برپایه آن بنا شود که در حال حاضر مهیا نیست. ما چه زیرساختی قرار است زنجیره تولید تکمیل شود؟ گاز از کجا تامین خواهد شد، برق و آب از کجا؟ تا وقتی زیرساخت‌ها وجود ندارد و کشور قادر نیست امکانات اولیه بخش معدن را فراهم کند، خروجی مناسبی هم به‌دست نخواهد آمد. یکی از مشکل‌سازترین و در عین حال سهل‌الوصول‌ترین نیازهای بخش معدن، تامین ماشین‌آلات است که باوجود همه وعده‌و وعده‌ها هنوز مثل کوهی استوار روبه‌روی ما ایستاده است. این تناقضات باعث می‌شود نتوانیم به اهداف مدنظر دست پیدا کنیم. وقتی راه‌حل مشکلی کاملاً مشخص است، اما به‌جای حل‌وفصل آن مرتب تکرار و بازتکرار می‌شود، نتیجه‌ای جز دل‌سردی فعالان و شغافان این حوزه به‌دنبال نخواهد داشت. برای بقا در این حوزه و رقابت با دیگر کشورهای دنیا باید با تمام توان بدویم، اما از پشت سر ما را محکم گرفته‌اند، زیرا نیتنا زیرساختی برای کمک به ما ایجاد نمی‌کنند و هیچ تمهیدی برای بسترسازی و توسعه پایدار نمی‌اندیشند، بلکه در جاهایی هم که مقداری چابکی در بخش خصوصی معدن است، بر آن دست می‌گذارند تا سود خود را ببرند. ایران حدود ۷ درصد معدن دنیا را با ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار در خود جای داده و با دارا بودن ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف‌شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه و حدود ۶۸ نوع ماده معدنی غیرنفتی در بین ۱۵ قدرت معدنی جهان قرار گرفته است. همچنین ایران با اختصاص ۱۸ درصد منابع گاز و ۹ درصد منابع نفتی به خود، توانسته جایگاه خوبی در میان کشورهای معدنی دنیا برای تامین انرژی فعالیت‌های معدنی به‌ویژه در فرآوری و فلزات به دست آورد و باتوجه به منابع زیادی که دارد قیمت انرژی تا ۵۰ درصد قیمت جهانی است. باتوجه به مزیت‌های یادشده، به‌نظر می‌رسد داشتن نگاه عقلانی و کارشناسی تنها راه نجات بخش معدن باشد؛ بنابراین تا زمانی که بازگشت به کار کارشناسی و تصمیم‌گیری براساس علم اقتصاد نباشد و تصمیمات هیجانی و براساس برآورد اشتباه اتخاذ شود، معجزه‌های اتفاقی نخواهد افتاد.

می‌گویند اگر اداره کوپر را به دست دولت بدهید، بعد از چند سال با کمبود شن و ماسه روبه‌رو خواهید شد. این موضوع در همه کشورها و برای همه حوزه‌ها صدق می‌کند و بخش معدن کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. اگر جن این بود بخش معدن کشور با این همه پتانسیل و ظرفیت امروز در میان این همه مشکل دست‌وپا نمی‌زد و رو به زوال نمی‌رفت. همه می‌دانیم که ایران از ظرفیت‌های عظیم معدنی برخوردار است. منابع بی‌قیمتی که خداوند به این کشور بخشیده و موجب شده سهم قابل‌توجهی از کیک معدنی جهان در اختیار ما قرار گیرد، اما متأسفانه در برداشت و استفاده از آن خیلی ضعیف بوده‌ایم و تا زمانی که اراده کافی برای حل این مشکل به‌وجود نیاید در بر همین پاشنه می‌چرخد و هیچ کاری از هزاران اتاق فکر، کارگروه، کمیته و ... بر نمی‌آید. در واقع هنوز معلوم نیست ما در حوزه معدن چه سیاستی را دنبال می‌کنیم. آیا هدف حمایت از تولید داخلی است یا تکمیل زنجیره ارزش افزوده یا صادرات و ارزآوری؟ این دوگانگی در مسائل مربوط به معدن از همان الف ابتدا تا نون پایان دیده می‌شود. از یک طرف شعار ارزآوری، بالا بردن جی‌دی‌پی و شکوفایی اقتصادی در بخش معدن مطرح می‌شود و از طرف دیگر بخش معدن را به چشم کیف پول دولت نگاه می‌کنند و به‌جای حمایت، حقوق دولتی را افزایش می‌دهند، این در حالی است که معدن نباید منبع مالی دولت باشد. این حوزه باید در تولید ناخالص داخلی کشور نقش‌آفرینی کند و به کمک دیگر صنایع بیاید. اگر با کاهش هزینه‌های معدن‌داری و ایجاد صرفه اقتصادی، رونقی در این حوزه ایجاد شود، تولید افزایش می‌یابد. به این ترتیب بخشی که برای تولید داخل نیاز است مورد استفاده قرار می‌گیرد و مازاد آن صادر خواهد شد و ارزآوری ایجاد می‌کند. اگر بنا بر این است که معدن را پیشران اقتصاد در نظر بگیریم، باید الزامات و نیازهایی را که در قانون معدن و نظام مهندسی پیش‌بینی شده، محقق کنیم. به‌عبارت ساده‌تر باید ۳ درصد نظام مهندسی و ۱۵ درصد منابع طبیعی، ۱۲ درصد جهاد کشاورزی و دیگر حقوق دولتی را به این بخش اختصاص دهیم؛ اما گویا مجریان ما قانون معدن را تا جایی خوانده‌اند که به دریافت حقوق دولتی و دریافت بهره مالکانه اشاره دارد و جمله بعدی همین قانون که به روش‌های هزینه‌کرد این وصولی‌ها اشاره دارد را کاملاً نادیده گذاشته و به این ترتیب همه راه‌هایی که برای بازگشت پایدگی و زایندگی به معدن وجود داشته را مسدود کرده‌اند. بخش معدن با فولاد و صنایع پایین‌دستی‌اش ظرفیت نقش‌آفرینی در ۱۶ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را دارد، اما حتماً پیش‌نیازهایی می‌خواهد تا این ساختمان برپایه آن بنا شود که در حال حاضر مهیا نیست. ما چه زیرساختی قرار است زنجیره تولید تکمیل شود؟ گاز از کجا تامین خواهد شد، برق و آب از کجا؟ تا وقتی زیرساخت‌ها وجود ندارد و کشور قادر نیست امکانات اولیه بخش معدن را فراهم کند، خروجی مناسبی هم به‌دست نخواهد آمد. یکی از مشکل‌سازترین و در عین حال سهل‌الوصول‌ترین نیازهای بخش معدن، تامین ماشین‌آلات است که باوجود همه وعده‌و وعده‌ها هنوز مثل کوهی استوار روبه‌روی ما ایستاده است. این تناقضات باعث می‌شود نتوانیم به اهداف مدنظر دست پیدا کنیم. وقتی راه‌حل مشکلی کاملاً مشخص است، اما به‌جای حل‌وفصل آن مرتب تکرار و بازتکرار می‌شود، نتیجه‌ای جز دل‌سردی فعالان و شغافان این حوزه به‌دنبال نخواهد داشت. برای بقا در این حوزه و رقابت با دیگر کشورهای دنیا باید با تمام توان بدویم، اما از پشت سر ما را محکم گرفته‌اند، زیرا نیتنا زیرساختی برای کمک به ما ایجاد نمی‌کنند و هیچ تمهیدی برای بسترسازی و توسعه پایدار نمی‌اندیشند، بلکه در جاهایی هم که مقداری چابکی در بخش خصوصی معدن است، بر آن دست می‌گذارند تا سود خود را ببرند. ایران حدود ۷ درصد معدن دنیا را با ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار در خود جای داده و با دارا بودن ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف‌شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه و حدود ۶۸ نوع ماده معدنی غیرنفتی در بین ۱۵ قدرت معدنی جهان قرار گرفته است. همچنین ایران با اختصاص ۱۸ درصد منابع گاز و ۹ درصد منابع نفتی به خود، توانسته جایگاه خوبی در میان کشورهای معدنی دنیا برای تامین انرژی فعالیت‌های معدنی به‌ویژه در فرآوری و فلزات به دست آورد و باتوجه به منابع زیادی که دارد قیمت انرژی تا ۵۰ درصد قیمت جهانی است. باتوجه به مزیت‌های یادشده، به‌نظر می‌رسد داشتن نگاه عقلانی و کارشناسی تنها راه نجات بخش معدن باشد؛ بنابراین تا زمانی که بازگشت به کار کارشناسی و تصمیم‌گیری براساس علم اقتصاد نباشد و تصمیمات هیجانی و براساس برآورد اشتباه اتخاذ شود، معجزه‌های اتفاقی نخواهد افتاد.



**گزارش معدن درباره علل و آثار افزایش هزینه تولید**

# معدن روبه‌زوال می‌رود؟



سطح شاخص مقدار تولید تعدیل شده فصلی بخش معدن طی ۸ فصل منتهی به زمستان ۱۴۰۱ همواره پایین‌تر از رقم آن در سال ۱۳۹۰ بوده که به‌معنی عدم تحول معنادار در این بخش در زمینه افزایش سطح تولیدات طی ۱۰ سال اخیر است. آنچه خواننده بخشی از گزارش مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران با عنوان «تحولات مقدار تولید فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱» است. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: فصل تابستان ۱۴۰۱ بخش معدن بعد از ۵ فصل متوالی رشد منفی، از رکود خارج شده و رشد مقدار تولیدات آن در فصل سوم همین سال به ۲.۷ درصد هم می‌رسد، اما دوباره در فصل زمستان روند رشد مزبور معکوس و رشد مقدار تولید این بخش نزدیک به صفر و حدود ۰.۲ درصد شده است. شاخص مقدار تولید بخش معدن طی ۱۱ سال اخیر (تا سال ۱۴۰۱) همواره با نوسانات زیادی همراه بوده و ضمن کسب میانگین رشد سالانه منفی ۰.۵ درصدی و تجربه رشد منفی، طی ۶ سال، نتوانسته سطح به سطح سال ۱۳۹۰ برسد. در سال ۱۴۰۱ شاخص تولید معدن در مقایسه با سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۰.۷ درصد افزایش یافته و باوجود این افزایش همچنان در پایین‌ترین رقم شاخص طی بازه مورد بررسی بوده است. عوامل گوناگونی در افزایش بهای تولیدکننده بخش معدن اثرگذار هستند که کاهش عرضه و افزایش هزینه‌های تولید از مهم‌ترین آنها بوده است. با توجه به پیوند این بخش با سایر بخش‌ها و تامین نیاز کالاهای واسطه‌ای، افزایش بهای تولیدکننده در بخش معدن تاثیر قابل‌توجهی بر افزایش بهای تولیدکننده در سایر زنجیره‌های مرتبط در صنعت ساخت نیز خواهد گذاشت.

در گزارش امروز معدن به‌مرور دلایل این رشد نزولی پرداخته‌ایم و نظر کورش شعبانی و محمد مسن آبادی دو تن از کارشناسان و فعالان معدنی را در این باره جویا شده‌ایم.

## دورنمای بازار ارز روشن نیست

و نحوه استخراج و هزینه آن تفاوت بسیاری با معادن بزرگ دارد؛ بنابراین روشن است که شغافان در این معادن کوچک هم بیشتر در معرض تبعات منفی قرار دارند و آسیب‌پذیرتر هستند؛ پس اگر اشکالی در فرایند تولید ایجاد شود، ضربه اصلی به این قشر وارد می‌شود. دقیقاً به همین دلیل است که حمایت از معادن کوچک باید همیشه در دستور کار مدیران و مسئولان حوزه معدن کشور باشد. یکی از پیشنهادات ما برای حمایت از این نگاه‌ها این است که در زمینه حقوق دولتی تجدیدنظر شود و نحوه محاسبه آن باتوجه به مشکلات این معادن متفاوت و کمتر از معادن بزرگ باشد. علاوه بر این باید در تامین زیرساخت‌ها و مواد اولیه کمک کنیم تا این معادن بتوانند روی پای خود بایستند و اشتغال و امنیت حفظ شود.

### شیرین اما پرخطر

سرمایه‌گذاری در بخش معدن می‌تواند بسیار جذاب باشد و علاقه‌مندان زیادی هم دارد، اما واقعیت این است که به‌دلیل تعددی که همه کم‌وبیش از آن اطلاع داریم، روزبه‌روز این جذابیت کم و کمتر می‌شود. به‌طور مثال در همین چند روز اخیر تعرفه صادرات تولیدات معدنی ابلاغ شده است. این تصمیم که بدون کوچک‌ترین مشورتی با بخش خصوصی فعال و شش‌کننده اتخاذ شده، زمینه حذف برخی از معادن کوچک را فراهم می‌کند. به‌روشنی باید گفت این عوارض ناعادلان که در برخی موارد تا ۲۰ برابر هم افزایش یافته، زنگ خطر را برای معادن کوچک به صدا در آورده و با تعطیلی هر یک از آنها اشتغال از میان می‌رود و نان نیروی انسانی این مجموعه‌ها آجر خواهد شد. یا مسائل و مشکلات دیگری وجود دارد که هر زمان بر ابعاد آن افزوده می‌شود، اما دولت هیچ حمایتی برای رفع آنها نمی‌کند، مثلاً مشکل معارضات محلی، اختلافاتی که با منابع طبیعی، محیط‌زیست یا سایر

**کورش شعبانی، کارشناس و فعال معدنی:** معمولاً معادن در نقاط دوردست و با حداقل امکانات و در مناطق کمتربرخوردار واقع هستند، دسترسی به منابع و زیرساخت‌ها کم است و هر تغییر کوچکی در افزایش بهای تولیدکننده‌های تولید به‌دلیل دوری آنها از امکانات و زیرساخت‌ها چند برابر می‌شود.

### تاثیر بر زنجیره تولید

حرف اصلی ما این است که وقتی معدن و صنایع معدنی، به‌دلیل ماهیت خود باید در نقاط دوردست و کمتر برخوردار فعالیت کنند، نیازمند حمایت هستند و باید به آنها مزایایی اختصاص داده شود تا در شرایط مساوی با تولیدکنندگان قرار گیرند که در شهر کهای صنعتی یا مناطق نزدیک به شهر فعالیت می‌کنند.

به‌عبارت‌دیگر بهره‌بردار و فعال معدن و صنایع معدنی بخش خصوصی با هزینه شخصی خود در دورترین مناطق که از حداقل امکانات برخوردارند، سرمایه‌گذاری می‌کند، واحدی اقتصادی راه‌اندازی می‌کند و به ایجاد اشتغال و امنیت کمک می‌کند، اما در قبال این اقدامات هیچ مزایایی به او تعلق نمی‌گیرد. این موضوعی است که باید به آن فکر کنیم و بخش معدن را متفاوت از سایر صنایع ببینیم.

### شکند و نحیف

معدن کوچک‌مقیاس به‌دلیل اینکه شکننده و نحیف‌تر از معادن بزرگ هستند، بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از افزایش هزینه‌های تولید و بهره‌برداری قرار دارند. شرایط این واحدها با معادن بزرگی مانند مس سرچشمه که توده‌ای از ماده معدنی با میلیاردها تن ذخیره است، متفاوت است. در معادن کوچک‌مقیاس رگه یا رگچه‌هایی وجود دارد و معدن‌دار باید باطله‌برداری زیادی انجام دهد که نوع

**محمد مسن آبادی، کارشناس و فعال معدنی:** مهم‌تر از تاثیر تورم، نحوه مدیریت و برخورد با آن است که تا امروز مسئولان کشور قادر به مهار آن نبوده‌اند. به‌نظر من مشکل اصلی معدن‌داران در سال‌های اخیر مربوط به نبود قوانین پایدار در بخش‌های گوناگون از اخذ پروانه اکتشاف تا صادرات، نرخ ارز دستوری و همچنین مشخص نبودن متولی است که معدن‌دار باید با آن در ارتباط باشد.

### مقصران اصلی

یکی از عواملی که می‌توان آن را از مقصران اصلی افزایش هزینه تولید دانست، رقابت کاذب در پیمانکاری معدنکاری است که سبب افزایش نرخ پیمانکاری حفاری، استخراج و نرخ ماشین‌آلات معدنی، لوازم‌ذکی، کوچک تا متوسط مشکل جذب پیمانکار با نرخ مناسب دارند. هزینه‌های استخراج طی ۲ سال اخیر ۴ برابر شده، این در حالی است که نرخ ارز حدود ۲ برابر شده و این تغییر بنیان قابل‌توجهی ندارد. عامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد درک نادرست از مقیاس معدنکاری و تعیین قوانین براساس شرایط معدن بزرگ که حاشیه سود بهتری دارند، است؛ به‌عبارتی قوانین و مقررات مطابق شرایط معدن بزرگ تعریف می‌شود و انعطفی در آنها به چشم نمی‌خورد. مشکل دیگر حقوق دولتی است که تا امروز بدون توجه به پارامترهای اصلی معدنکاری و مستقل از تغییرات نرخ جهانی محصولات معدنی و نرخ ارز تعیین شده است. به‌عنوان مثال معادن مس با عیار پایین که سود عملیاتی محدودی دارند، با معادن دارای ذخایر عیار بالا یکسان در نظر گرفته می‌شوند و حقوق دولتی کسانتره تولیدی آنها یکسان و برابر است. افزایش حقوق دولتی در سال‌های اخیر قابل‌توجه است و میزان آن با هیچ نقطه‌ای از دنیا همخوانی ندارد. مانند حقوق دولتی مس که در زمان تعیین آن، نرخ مس حدود ۹۵۰۰ دلار بوده و در زمان کاهش آن تا حدود ۷۵۰۰ دلار، هیچ تغییری در میزان حقوق دولتی مشاهده نشد. علاوه بر این از موضوع خودتحریمی هم نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که بزرگ‌ترین نمود آن جلوگیری از واردات ماشین‌آلات معدنی بود. نتیجه این اقدام افزایش نرخ سرسام‌آور ماشین‌آلات دست‌دوم و ناتوانی شرکت‌ها در تامین یا تعمیر ماشین‌آلات و در نتیجه افزایش نرخ عملیات معدنی است. هرچند در سال اخیر این مانع تا حدودی مرتفع شده، اما چه کسی پاسخگوی تبعات زیانبار این تصمیم در سال‌های گذشته خواهد بود؟ نبود یا کمبود زیرساخت‌های لازم که عمده آنها آب، برق و جاده‌های لازم است و بی‌توجهی طولانی‌مدت به توسعه آنها آسیب‌های فراوانی به معدنکاری وارد کرده که از میان موارد مذکور بحران آب ملموس‌تر است و اغلب معادن به‌سختی قادر به تامین آب برای فرآوری محصولات



حسام‌الدین فرهادی نسب  
کارشناس و فعال معدن

## وزارت جدید و امید تازه

سازمان‌ها وجود دارد و... مجموعه این گرفتاری‌ها موجب می‌شود حضور سرمایه‌گذار در بخش معدن به‌ویژه در سال‌های اخیر کمرنگ و کم‌رنگ‌تر شود. برای سرمایه‌های پراکنده و سرگردان زیادی که در کشور وجود دارد، چه جایی بهتر از معدن برای رشد می‌توان تعریف کرد؟ اما با چالش‌های فعلی که به بخشی از آن اشاره شد و نبود حمایت‌های دولتی راه به‌جایی نخواهیم برد.

### پیش‌بینی می‌کنم تغییری که در کابینه به‌وجود آمده و تفکیک حوزه بازرگانی از حوزه تولید نتایج مثبتی داشته باشد، زیرا وقتی مشکلات و موضوعات و مباحث یک حوزه در مجموعه‌ای تخصصی مدیریت شود و مشکلات آن تحت نظر مدیران کاربلد و متخصص حل‌وفصل شود، نتیجه نهایی به نفع بخش تولید خواهد بود. البته تاکید می‌کنم سیاست‌گذاران و مدیران وزارت‌خانه مرتب باید از نیروهای متخصص و فعالانی باشند که سابقه کار عملیاتی در معدن و صنایع معدنی را دارند و به‌قول معروف خاک‌خورد این حوزه باشند. اگر چنین اشخاصی وارد حوزه مدیریت معادن کشور شوند و در مجموعه وزارت‌ی مستقل قرار گیرند، آن‌وقت حمایت جدی از معدن و صنایع معدنی انجام خواهد شد و به‌زودی معادن به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و می‌توان امیدوار بود که با سرمایه‌گذاری متناسب و در طول دوره‌ای ۱۰ تا ۱۵ ساله، با برنامه‌ریزی مشخص و مدون و تشکیل کارگروه‌های مستقل و فعال ایده جایگزینی نفت با معدن به مرحله اجرا درآید.



حسام‌الدین فرهادی نسب  
کارشناس و فعال معدن

## وضعیت سرمایه‌گذاری

تعطیلی آنها محتمل است. دولت باید به این باور برسد که اشتغال‌آفرینی برای نفر نیاز به سرمایه‌گذاری حدود ۵ تا ۷ میلیارد تومانی دارد که معادن کوچک بخشی از آن را بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای و در جغرافیایی وسیع برای دولت ایجاد کرده‌اند و در مقابل دولت باید حمایت از معادن کوچک و متوسط را افزایش دهد.

### ویضیت سرمایه‌گذاری

متأسفانه در سال‌های اخیر و بعد از تحریم‌های فراینده، بخش‌های مختلف به‌صورت احساسی و بدون پشتوانه محکم علمی و تجربی، در معدن سرمایه‌گذاری کرده‌اند که معدنکاران قدیمی بخشی از تبعات این امر را متحمل شده‌اند، زیرا با افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها روبه‌رو می‌شوند و این مسئله در بیشتر موارد ناامیدی سرمایه‌گذاران را به‌دنبال دارد. شعار سال جاری مهار تورم و رشد تولید است؛ آیا سوزی دولت اقدام ملموسی برای تحقق این شعار صورت گرفته است؟ در سال‌های اخیر بسیاری از معادن برای واردات تجهیزات معدنی با مشکل تریخیص مواجه هستند و باوجود تبلیغات حمایت از معدن‌داران، هنوز تغییری در قوانین مشاهده نمی‌شود. زرمه‌های افزایش نرخ سوخت و حقوق دولتی نیز جزو مواردی است که نشان از بی‌توجهی مسئولان به موضوع مهار تورم و رشد تولید دارد و استرس قابل‌توجهی در جامعه معدنی ایجاد کرده است.

در صورت بی‌توجهی وزارت صمت به مسئولیت‌های ذاتی خود بی‌شک با موجی از تعطیلی معادن روبه‌رو خواهیم شد که در نتیجه آن تعداد قابل‌توجهی از مشاغل از دست می‌رود. اقدامات عاجلی که به این منظور پیشنهاد می‌شود به شرح زیر است: ایجاد قوانین پایدار، بخشودگی و کاهش حقوق دولتی برای معادن در خطر تعطیلی و معادن کوچک‌مقیاس، کوتاه کردن دوره‌های طرح جامع برای مواد معدنی کلیدی، ایجاد زیرساخت‌هایی مانند آب‌رسانی، تامین برق و همچنین ریل آهن برای معادن بزرگ‌مقیاس، ایجاد کارگروه تعامل معادن بزرگ برای جلوگیری از تغییرات کاذب در اثر گذاری و ان‌گذاری در تغییرات دوره‌ای نرخ سوخت و جلوگیری از تغییر آنی و تسهیل در واردات ماشین‌آلات معدنی و ترانزیتی با مصرف بهینه سوخت.

## سخن پایانی

کاری‌شان را درمی‌نوردد. پای صحبت هر کدام که می‌نشیمیم ناگفته‌ها و درددل‌های فراوانی دارند، اما آنچه به‌تناوب تکرار می‌شود، منتظرات و توقعاتی است که دولت باید به آنها توجه کند.

این روزها اهالی معدن، در تب‌وتاب تغییرات سریع و غافلگیرکننده چارچوب مالوف فعالیت‌شان هستند؛ از وزارت‌خانه و نرخ ارز گرفته تا عوارض صادرات، تعرفه واردات، افزایش هزینه حمل کالا گرفته تا هزارویک دغدغه دیگر که مثل توفانی معادلات ذهنی و برنامه‌ریزی

# رکود تورمی در دیرینه اقتصاد ایران

«رکود تورمی»، شاید این یکی از ترسناک‌ترین واژه‌هایی باشد که یک اقتصاددان با آن برخورد می‌کند. رکود تورمی به وضعیتی گفته می‌شود که همزمان با افزایش قیمت‌ها حجم اقتصاد و تولید نیز کاهش می‌یابد. در این وضعیت چنانچه بخواهیم هر یک را کنترل کنیم، دیگری را تشدید کرده‌ایم. به بیان ساده‌تر راهکار مقابله با تورم یک سیاست انتقاضی است که رکود را عمیق‌تر خواهد کرد، در آن سو نیز سیاست‌هایی که به تولید رونق می‌دهد تورم را تحریک می‌کند. این همان مسئله‌ای است که رکود تورمی را به یکی از سخت‌ترین مسائل اقتصاد کلان تبدیل کرده است.

در ساده‌ترین تعریف رکود تورمی به وضعیتی گفته می‌شود که علاوه بر افزایش قیمت‌ها، تولید نیز کاهش یابد. رکود به وضعیتی در یک اقتصاد گفته می‌شود که برای دو فصل متوالی رشد اقتصادی منفی شود، به بیان دیگر چنانچه دو فصل پشت سر هم تولید ناخالص داخلی کاهش یابد، می‌گوییم اقتصاد وارد رکود شده است. البته در کشورهای در حال توسعه که ظرفیت‌های خالی اقتصادی بسیاری دارند، رشدهای اقتصادی پایین و ناچیز نوعی رکود به حساب می‌آید. با توجه به اینکه تولید و رشد اقتصادی با بیکاری رابطه مستقیم دارد، زمانی که وارد رکود می‌شویم بیکاری نیز افزایش خواهد یافت.

## عوامل ایجاد رکود تورمی

با توجه به پیچیدگی موضوع اساسا دلیل مشخصی برای به وجود آمدن رکود تورمی وجود ندارد اما به طور کلی می‌توان بیان کرد زمانی که کاهش عرضه کل بیشتر از افزایش تقاضا باشد، با رکود تورمی رو به رو خواهیم شد. وضعیتی را تصور کنید که با توجه به مشکلات تولید، عرضه کالا کاهش پیدا می‌کند و بنا به شرایط تورمی که در جامعه وجود دارد (برای مثال افزایش مستمر نقدینگی) تقاضای اسمی نیز بالا می‌رود. چنانچه کاهش در تولید بیش از افزایش در تقاضا باشد، علاوه بر اینکه قیمت‌ها بالا می‌رود، تولید نیز کاهش خواهد یافت. چراکه با بروز افزایش قیمت‌ها انتظارات تورمی دستمزدها را بالا می‌برد و با بالا رفتن هزینه‌های تولید، عرضه بیشتر از قبیل با اختلال مواجه می‌شود. در این حالت تقاضا افزایش یافته اما عرضه توان افزایش ندارد، در نتیجه با رکود تورمی مواجه می‌شویم. در بیان کلی این پدیده در یک چرخه رخ می‌دهد. از دیدگاه پساکینزی مبنای عرضه، رکود تورمی را توضیح می‌دهد. براساس نظریه عرضه افزایش نرخ مواد طبیعی (نفت، گاز و...) از طریق یک شوک با منشا خارجی و همچنین سیاست‌های مالی دولت (مانند سیاست‌های مالیاتی و یارانه‌ای) باعث بروز رکود تورمی از سمت عرضه می‌شود. از نگاه کلاسیک‌های جدید عدم توانایی دولت در تنظیم قوانین و سیاست‌گذاری پولی (عدم سازگاری زمانی) و همچنین کاهش بهره‌وری نیروی کار از دلایل بروز رکود تورمی هستند. اما تئری‌ها خلق پول درونی (یا اعتبار) با رشدی بیشتر از رشد تولید کالا و خدمات را عامل اصلی رکود تورمی دانسته و بر کنترل اختلالات پولی تاکید دارند. فریدمن و پولیون نیز اعتقاد دارند تورم مستمر بالا موجب شکل‌گیری انتظارات تورمی می‌شود، در این حالت در سمت عرضه تولیدکنندگان با توجه به اینکه انتظار دارند تورم در آینده بالا رود (مثلا تقاضای دستمزد بالاتر از سمت نیروی کار)، در این حالت با افزایش هزینه‌های تولید عرضه کل کاهش می‌یابد. کینزی‌های جدید نیز با این نظر موافق هستند.

همانگونه که مشاهده شد دلیل مشخص و اصلی برای بروز رکود تورمی وجود ندارد، در ایران نیز به طبع همین امر صدق می‌کند. برای فهم بهتر این امر در ایران به بررسی روند تورم، رشد اقتصادی در ۶۰ سال گذشته پرداخته شده است.

## کابوسی برای همه اقتصادها

هر زمان که تورم همراه با رشد اقتصادی منفی و بیکاری باشد، با پدیده رکود تورمی مواجه هستیم. تا چند دهه قبل تر بروز چنین اتفاقی از نظر اقتصاددانان امکان‌پذیر نبود، زیرا زمانی که رشد اقتصادی منفی رخ می‌دهد و حجم اقتصاد کم می‌شود، درآمد کاهش پیدا کرده و تقاضا نیز پایین می‌آید، در نتیجه کاهش تقاضا نیز منجر به کاهش قیمت‌ها می‌شود. بر همین اساس وقوع رکود و تورم با هم از نگاه اقتصاددانان چند دهه گذشته ممکن نبود. واژه رکود تورمی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ در بریتانیا مطرح شد، اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی این عبارت بسیار در ادبیات اقتصاد کلان پرکاربرد شد. در دهه ۷۰ میلادی، ایالات متحده و دیگر اقتصادهای پیشروی جهان دچار چنان تورم بالایی شدند که در کنار افزایش قیمت‌ها و دستمزدها، بهره‌وری کاهش و بیکاری جهش یافت. در آن دوران، تورم از ۱ درصد در اواسط دهه ۶۰ میلادی، به بیش از ۱۴ درصد در دهه ۸۰ رسید.

رکود تورمی یک از پیچیده‌ترین پدیده‌های اقتصادی به حساب می‌آید. حتی می‌توان گفت که حل این موضوع دشوارترین عمل در اقتصاد کلان است، چراکه ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که راه‌حلی یکی، دیگری را تشدید می‌کند. برای مثال برای مقابله و کاهش تورم سیاست‌های انتقاضی پولی و مالی توصیه می‌شود، در حالیکه وقتی اقتصاد درگیر رکود تورمی است کاهش حجم پول و نقدینگی و افزایش نرخ بهره، رکود را شدیدتر و عمیق‌تر می‌کند. از آن سمت هم سیاست‌هایی که برای خروج از رکود وجود دارد، تورم را تحریک می‌کند. از همین رو شاید بتوان نام کابوس اقتصاد را بر روی پدیده رکود تورمی گذاشت.

## تورم، بالای جان اقتصاد ایران

چنانچه دهه ۴۰ را کنار بگذاریم تورم همواره یکی از اصلی‌ترین موضوعات اقتصاد ایران بوده است، حتی اگر بگوییم اکنون تورم به مهم‌ترین چالش اقتصادی و حتی اجتماعی ما بدل شده بی‌راه نگفته‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد در نیم‌قرن گذشته تنها ۵ سال تورم در کشور تک رقمی بوده آن هم به صورت مقطعی و گذرا. ایران جز معدود کشورهایی در جهان محسوب می‌شود که برای چند دهه متوالی تورم دو رقمی را تجربه کرده است. به گفته یکی از اقتصاددانان کمترین عرضه تورم افزایش نرخ است، اثری که تورم بر سایر حوزه‌های اقتصاد و همچنین بر روی مسائل اجتماعی دارد به مراتب بیشتر است. در چند سال گذشته که تورم ایران وارد کانال‌های بالاتری هم شده که تثبیت در این نرخ‌ها بسیار خطرناک است. در ۶۰ سال گذشته نخستین برهه‌ای که شاهد رکود تورمی بودیم به سال‌های میانی دهه ۵۰ باز می‌گردد. شد اقتصادی در سال ۱۳۵۶ به منفی ۷.۲ درصد و نرخ تورم هم به ۲۵.۱ درصد رسید. دلیل این رکود تورمی، جهش حجم نقدینگی، افزایش فروش نفت و افزایش هزینه‌های دولت بود. افزایش شدید حجم نقدینگی در کشور باعث بروز تورم بالا و هم‌زمانی آن با کاهش تولید ناخالص داخلی منجر به شروع دوره‌ای از رکود تورمی در کشور شد. بعد از مدت کوتاهی در سال ۵۹ و ۶۰ هم شاهد بروز این پدیده بودیم. هم‌زمان با جنگ این مورد در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ درآمد‌های کشور به حداقل رسید که شاهد بروز رکود تورمی بودیم. در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ دولت هزینه‌های سنگینی را برای بازسازی زیرساخت‌های کشور پرداخت کرد و وام‌های زیادی را به این منظور دریافت کرده بود. میزان استقراض از بانک مرکزی افزایش چشمگیری پیدا کرده و رشد پرشتاب حجم نقدینگی به پدیده‌ای مزمن تبدیل شده بود. دولت طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ به واسطه هزینه سنگین بازسازی زیرساخت‌های کشور باعث افزایش حجم نقدینگی و ادامه شرایط تورمی شد، به دنبال آن قیمت‌ها دوباره افزایش پیدا کردند

## سخن پایانی

در طول نیم قرن گذشته اقتصاد ایران بارها درگیر رکود تورمی شده، به‌نوعی می‌توان گفت رکود تورمی دست از سر کشور بر نمی‌دارد و این بیکاری از تن اقتصاد کشور بیرون رفتنی نیست. نرخ تورم بالای مستمر، شکل‌گیری انتظارات تورمی منفی، نوسان نرخ نفت، شوک‌های ارزی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های مصلحتی که سیاست‌گذار در مورد متغیرهای اقتصادی مانند نقدینگی اعمال می‌کند، همه از جمله دلایلی هستند که موجب گشته اقتصاد ایران بارها و بارها در چند دهه گذشته درگیر رکود تورمی شود. اما به‌طور کلی یکی از عرضه‌های تورم بالا، رکود تورمی است. تورم بالا فضای اقتصاد را مه‌الود می‌کند، در این فضا به جای اینکه سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی برود، به سمت سفته‌بازی خواهد رفت، در نتیجه سمت عرضه و تولید نیز فلج می‌شود.

### صورتمجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۱۶۲۴۱ فرعی از ۱۴۹ اصلی

مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

تاریخ رسیدگی: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

دستور مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ به استناد قانون افراز و فروش املاک مشاع تقاضای افراز پلاک فوق نسبت به قدرالسهم خود را از این اداره نموده است که انجام آن برابر مقررات به نمایندگی ثبت محول گردید که مطابق ماده دو آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده ثبت گواهی نموده است که جریان ثبتی ملک معنوله خاتمه یافته و ثبت دفتر املاک شده و سند مالکیت معارض صادر نگردیده و مطابق نامه شماره ۱۱۰۰۴۷۷۱-۱۱۰۰۲۸۵۶۳۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ شهرداری کرج با افراز پلاک فوق مخالفت نموده و پلاک فوق را غیرقابل افراز اعلام نموده است.

**خواهان:**  
حاج محمد مجتوبه رحیم‌پور بناب فرزند محمد به آدرس: باغستان غربی لانه ۴ شرقی ساختمان آسمین ۱، پلاک ۳۹ واحد ۱۰

**خوانده:**  
آقای محمد قرهدلی فرزند اسرافیل به آدرس: شاهین ویلا خیابان چهارم غربی پلاک ۲۷ منزل ویلایی

**تصمیم مسئول واحد ثبتی:**  
با مطالعه پرونده ثبتی و گزارش مامورین افراز و با عنایت به نامه شماره ۱۱۰۰۴۷۷۱-۱۱۰۰۲۸۵۶۳۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ شهرداری کرج شناسنامه پلاک فوق‌الذکر غیر قابل افراز تشخیص می‌گردد. مراتب به منافی و دیگر مالکین مناشی ابلاغ تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت ظرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند.

**حسین رضانوری شاه، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج**

## فراخوان مناقصات عمومی

همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) دومرحله‌ای به شرح جدول ذیل

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجانغربی در نظر دارد مناقصات عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) دومرحله‌ای به شرح جدول ذیل و برابر مشخصات فنی پیوست اسناد مناقصه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزرا نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۳۱**

**آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصات از سایت: ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸**

**مهلت زمانی ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۸**

**زمان بازگشایی پاکت‌های ارزیابی کیفی: ساعت ۸ (هشت صبح) روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ خواهد بود.**

**زمان بازگشایی پاکت‌های الف و ب: ساعت ۱۱ (یازده صبح) روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ خواهد بود.**

تاریخ تشکیل جلسه افتتاح پاکت ج (پیشنهاد قیمت) پیشنهاددهندگان، با ملحوظ قراردادن زمان جهت بررسی مشخصات فنی پیشنهاددهندگان توسط کمیته فنی بازرگانی، در جلسه گشایش پاکت الف و ب به اطلاع شرکت کنندگان در مناقصه خواهد رسید.

**توضیح:** پیشنهاددهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده شرکت در مناقصه، تضمین‌های معتبر (بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه) تهیه و تسلیم نماید و به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه و شماره فراخوان	مبلغ کل تضمین شرکت در مناقصه (به ریال)	نوع اعتبار
۱۴۰۲-۱۱۶	خرید انواع یراق آلات خودنگهدار (شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۹۰۰۳۰۰۰۱۲۶)	۶.۴۰۶.۱۵۰.۰۰۰	منابع داخلی
۱۴۰۲-۱۱۷	خرید انواع بیج و مهره خودنگهدار (شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۹۰۰۳۰۰۰۱۲۷)	۳.۱۵۶.۰۰۰.۰۰۰	منابع داخلی

**اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف- آدرس: ارومیه - بلوار ارتش - سر‌بازار گنمام- ارتش- شرکت توزیع نیروی برق آستان، تلفن‌شماره ۰۴۴-۳۱۱۰۴۵۰۰ و تلفن کارشناس مناقصات ۰۴۴-۳۱۱۰۴۳۹۷**

**اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶**

اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها در سایت سامانه [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) بخش ثبت‌نام /پرو فایل تامین کننده / مناقصه گر " موجود است.

ضمناً فراخوان مناقصه در سایت‌های اطلاع‌رسانی معاملات صنعت برق (شرکت توانبر) و سایت شرکت توزیع نیروی برق آذربایجانغربی و سایت ملی مناقصات به ترتیب به آدرس‌های: [WWW.tavanir.org.ir](http://www.tavanir.org.ir), [WWW.Waepd.ir](http://WWW.Waepd.ir), [Iets.Mporg.ir](http://Iets.Mporg.ir) قابل مشاهده است.

**توضیح:** سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

**اداره مناقصات و قرار دادهای شرکت توزیع نیروی برق آذربایجانغربی**

### آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظریه به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۳۹۰/۲۶۰۲۰۶۲۷۲۰۰۴۰۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی منطقه شش مشهد تصرفات مالکانه و بلاعارض متناهی آقای حسین ضامنی فرزند علی شماره شناسنامه ۱۲۱۵ صادره از مشهد نسبت به شناسنامه یکپار منزل به مساحت ۱۲۴/۹۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۹۸۰۱ فرعی از ۱۸۴ اصلی واقع در اراضی نه ده بخش ۱۰ مشهد خربداری با واسطه/بدون واسطه از محل مالکیت مناشی متناهی ملک رسمی محرز گردیده است. لذا به استناد ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت در دو روزنامه به فاصله ۱۵ روز از طریق یکی از روزنامه‌های محلی و یکی از روزنامه‌های

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱**

**هادی ریحانی، رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شش مشهد**

### آگهی مفقودی

برگ سبزه سواری و سند کمپانی وانت پیکان سفید به شماره پلاک ۵۵ ص ۵۹۶ ایران ۳۱ و به شماره موتور ۱۱۴۸۶۰۲۳۸۱۱ خرم‌آباد

و به شماره شناسی ۳۱۰۸۰۶۸ مفقود گردیده و از اعتبار ساقط است.

## بازار، همیشه تشنه کالا است



قاسم نوده‌فراهانی  
رئیس سابق اتاق اصناف ایران

اصناف شبکه اصلی توزیع کالا در کشور و همچنین تولیدکنندگان کوچک اقتصادی هستند. بیش از ۶۰۰ هزار واحد تولیدی کوچک در بخش اصناف وجود دارد که این تولیدکنندگان نه تنها گردانندگان چرخهای اقتصادی کشور، بلکه از تغییرات و نوسانات کشور و جهان نیز متأثر هستند. با این وجود ما در حوزه اصناف مشکلات جدی داریم. بسیاری از ارگانها قوانینی که در مجلس مصوب می‌شود را اجرا نمی‌کنند و جلوی قانون نظام صنفی سنگ می‌اندازند. عرضه و تقاضا، رقابت و نظارت ۳ عامل اثرگذار بر بازار هستند و در حقیقت تنظیم و کنترل بازار با رعایت این ۳ رکن امکان پذیر است. هنگامی که عرضه به اندازه تقاضا باشد و کالا به وفور با برندهای مختلف یافت شود، به دلیل ایجاد رقابت دیگر گرانفروشی رخ نمی‌دهد. متناسفانه گرانی و توزیع نشدن به موقع کالا از سوی کارخانجات مردم را اذیت می‌کند. کارخانجات محصولات خود را به صورت قطره چکانی عرضه می‌کنند. در نتیجه بازار همیشه تشنه کالا است. با افزایش نرخ کالا، این مصرف کنندگان هستند که نتوان می‌دهند. راهکارهای بسیاری برای حل مشکلات اقتصادی وجود دارد، اما برای تنظیم بازار باید کالا به اندازه نیاز مصرف وجود داشته باشد تا عرضه و تقاضا با یکدیگر تعارض پیدا نکند. هنگامی که کالا در بازار به وفور یافت شود و مصرف کنندگان به آسانی کالا را تهیه کنند، با تغییر نرخ که طبیعتاً افزایشی است، مواجه نخواهیم شد. واردات زمانی باید ممنوع شود که تولید داخلی جوابگوی نیاز بازار باشد. هنگامی که تولید جوابگوی مصرف نیست و نیاز داخل تامین نمی‌شود و واردات نیز ممنوع می‌شود، واردکننده و مصرف کننده به کالای قاچاق روی می‌آورند. ایجاد فضای اقتصادی سالم و عاری از کالای قاچاق و شفافیت در کسب و کارها لازمه رونق اقتصادی کشور است و در این زمینه برخی مشکلات ساختاری در فضای کسب و کارها وجود دارد و اگر قرار است فعالیت گسترده و منسجم برای مبارزه با کالای قاچاق صورت بگیرد، باید کل زنجیره تامین کشور هماهنگ باشند و نباید آخرین زنجیره که اصناف هستند مورد بیشترین قضاوت و برخورد قرار گیرند. اگر واردات کالایی را ممنوع کنیم باید تولیدکنندگان آن تعهد تامین مایحتاج مردم را بدهند. به دلیل نوسانات ارزی تولیدکنندگان، واردکنندگان و عرضه کنندگان نمی‌توانند هیچ برنامه‌ای حتی برای مدت زمانی ۶ ماهه داشته باشند که به واسطه آن بتوان بازار را کنترل کرد. نابسامانی موجود در بازار به دلیل نبود ثبات در نرخ ارز است که به واسطه آن هزینه‌های تولید افزایش یافته و در نتیجه تولیدکننده برای تامین هزینه‌ها مجبور به افزایش نرخ می‌شود. ثبات نرخ ارز یکی از عوامل تاثیرگذار بر تولید است که تولیدکننده می‌تواند براساس آن برنامه‌ریزی کند. وقتی نرخ ارز و مواد اولیه ثابت نیست، تولیدکننده محصول خود را به صورت قطره چکانی به بازار عرضه می‌کند که یکی از پیامدهای آن گرانی کالا است؛ بنابراین هر یک از مسئولان کشور در هر ارگانی باید برای کنترل نرخ ارز که یکی از نتایج آن کنترل تورم است، کمک کنند؛ هرچند تولیدکننده حق ندارد بدون مجوز افزایش نرخ بدهد. قیمت گذاری کالا برعهده سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان است و نظام تولید و توزیع باید با نظر و مصوبه این سازمان اقدام به هرگونه تغییر نرخ در بازار کند. این موضوع را نباید فراموش کرد که اگر تولید رونق پیدا کند، بیکاری در کشور نخواهیم داشت. ثبات بازار باعث تشویق تولیدکننده به تولید کالایی با کیفیت بهتر که در درجه اول می‌تواند مورد استفاده ملت خودمان باشد و دوم صادرات و خلق بازارهای جدید می‌شود.

کیما ملکی  
editor@smtnews.ir

## ضرر بزرگ تجار به دلیل تخصیص نیاقتن ارز در زمان مناسب

# این قفل شکسته می‌شود؟

سابقه بانک مرکزی در تامین ارز بخش تجارت چندان خوب نیست و تاجران همواره در تامین ارز موردنیاز با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند؛ این در حالی است که هر از گاهی نسخه‌های جدید از وعده‌های شیرین رو می‌شود اما تاکنون هیچ تغییری در این روند پرچالش ایجاد نشده است. شرایط حاکم سبب شده بازرگانان به این نتیجه برسند که احتمالاً وضعیت ذخایر ارزی کشور نامطلوب است که حتی با تغییر سیاستها نیز ارز واردکنندگان تخصیص نیافته است. چندی پیش محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی از بسته جدید ارزی رونمایی کرد؛ آن هم با وعده‌های شیرین برای بازرگانان، اما در نهایت هیچ چیز نصیب آنها نشد. ظاهراً این وعده‌ها در حد حرف می‌ماند، زیرا هیچ‌یک از مسئولان حرف‌های یکدیگر را قبول ندارند و هر روز بختنامه‌های جدید از سوی یک سازمان صادر می‌شود، در حالی که ممکن است فردای آن روز باطل شود. در مجموع وضعیت تخصیص ارز برای تجارت اصلاً مطلوب نیست و کالاهای بسیاری در گمرک معطل ارز می‌ماند و بسیاری از آنها از بین می‌رود.

در این گزارش به بررسی علل دیپو کالاها در گمرک و چالش‌هایی که در مسیر فعالیت‌های بازرگانی کشور قرار دارد پرداخته است.

## علل رسوب کالا در گمرکات چیست؟

به‌طور کارشناسان مرکز پژوهش‌ها «کنترل سیستمی سقف ثبت سفارش»، «صدور ثبت سفارش پس از تخصیص ارز» و «اعمال قواعد سختگیرانه بر ورود کالای بدون ثبت سفارش به امکان گمرکی» بخشی از راهکارهای موجود برای رفع دیپو کالاهاست. از نگاه پژوهشگران این مرکز «صدور سیستمی اظهارنامه و قبض انبار متروکه» و «اصلاح سازکار مالی و عملیاتی سازمان اموال تملیکی» نیز می‌تواند در تخصیص به موقع کالا موثر باشد. صدور مجوز ثبت سفارش پس از تخصیص ارز دومین پیشنهاد است که گزارش پیش رو پیرامون همین موضوع است. صدور مجوز ثبت سفارش به معنای تایید پیش فاکتور و خرید کالا توسط بازرگان است و در صورت عدم تخصیص ارز، امکان تخصیص کالای مذکور وجود ندارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود شناسه هشت رقمی ثبت سفارش پس از تخصیص ارز صادر شود.

صدور ثبت سفارش پس از تخصیص ارز عملاً به معنای تایید مجوزهای فنی و ارزی واردات کالای مذکور از سوی سازمان متولی و بانک مرکزی است و سقف ارزی ثبت سفارش را یک مرتبه سازمان مجوزدهنده و یک مرتبه بانک مرکزی کنترل خواهد کرد. در این مرحله بازرگان قادر به خرید و انتقال کالای خود به انبارهای

چرا کالاها در گمرک می‌مانند؟ این سوالی است که بازاری پژوهشی مجلس در جدیدترین گزارش خود سعی کرده پاسخ آن را بیابد و در نهایت ۵ راهکار پیش پای سیاست‌گذار گذاشته است. مرکز پژوهش‌های مجلس در جریان آسیب‌شناسی علل رسوب کالا در گمرکات اعلام کرد نخستین دلیل دیپو کالا در گمرکات کشور «صدور مجوز ثبت سفارش بیش از سقف و میزان موردنیاز کشور» است.

دومین معضل «تعطل در تعیین تکلیف کالاها (نظیر صدور مجوز، اعلام نظر قطعی گمرک، صدور اظهارنامه متروکه، صدور حکم توسط مرجع قضایی و...)» و ناهماهنگی دستگاهها» معرفی شده است. اما سومین چالش «امکان ورود کالا به بنادر و امکان گمرکی بدون اخذ مجوزهای موردنیاز (از جمله مجوزهای ارزی و ثبت سفارش)» اعلام شده است. در نهایت «عدم امکان دریافت شناسه رهگیری بانکی معتبر (تعیین منشأ ارز) برای برخی اقلام وارد شده به گمرک یا تاخیر در اخذ آن (به دلایلی نظیر عدم تامین معادل ریالی ارز موردنیاز)» عامل چهارم رسوب کالاها است. به گزارش اکوایران این موارد نشان می‌دهد اصلاح سازکارهای اجرایی و برخی مقررات موضوعه، می‌تواند نقش موثری در کاهش رسوب کالا داشته باشد.

## هیچ وعده گشایشی عملی نمی‌شود

وی درباره وعده‌های داده شده برای بهبود وضعیت تخصیص ارز بیان کرد: تاکنون هیچ بسته گشایشی در راستای تخصیص ارز ارائه نشده و جنس هرچه دیدیم از نوع بستن است، نه گشایش در انجام امور؛ در نتیجه در تخصیص ارز و به تبع آن تخصیص کالاها شدیداً با مشکل مواجهیم.

### معطل بزرگ تخصیص ارز

حاجی پور با اشاره به معطلی‌های فراوان به دلیل تخصیص نیاقتن ارز گفت: حجم زیادی از کالاهای موجود در امکان گمرکی که اغلب کالاهای اساسی، ضروری یا در خدمت تولید و پروژه‌های نیروگاهی کشور هستند، با وجود ثبت سفارش و اخذ مجوز ورود

## واردکننده ضرر بزرگی می‌کند

گمرک می‌گذارند که با این کار ریسکی بزرگ را می‌پذیرند؛ چراکه هم باید هزینه دیپو را بپردازند و هم اینکه اگر پس از زمان مشخص کالا تخصیص نشود، گمرک کالا را به سازمان امور تملیکی می‌دهد تا به حراج گذاشته شود. اینها ریسک‌هایی است که تاجر متحمل می‌شود و نمی‌تواند برنامه‌ریزی منظمی داشته باشد. در اصل دیپو کالا در گمرک هزینه‌های سنگینی برای تاجر به دنبال دارد.

### به وعده‌ها امید نیست

وی با اشاره به وضعیت نامطلوب تخصیص ارز و معطلی کالاها اظهار کرد: متناسفانه چند وقتی است که روند تخصیص ارز توسط بانک مرکزی طولانی شده است. مسئله این است که پس از تایید تخصیص توسط بانک مرکزی، واردکنندگان یک ماه نیز در صف تامین می‌مانند و در پایان یک ماه به آنها اعلام می‌شود که بانک عامل نتوانسته است ارز موردنیاز آنها را تامین کند و به این ترتیب تخصیص‌ها باطل می‌شود و واردکنندگان باید دوباره در صف بانک مرکزی برای تخصیص قرار گیرند و این فرآیند را از اول طی کنند. رئیس سابق سازمان صمت استان تهران درباره وعده‌های داده شده برای بهبود وضعیت

## سخن پایانی

سال‌هاست تنظیم بازار کالاهای اساسی با چالش‌های مختلفی مواجه است، این در حالی است که حجم رسوب این کالاها در بنادر افزایش یافته اما مسئولان جهاد کشاورزی معتقدند مازاد واردات داریم، هنگامی که برای تخصیص کالاهای اساسی چالش‌های بزرگی وجود دارد، اما بهانه‌هایی بی‌اساس برای آن بیان می‌شود دیگر وای به حال کالاهای دیگر، در مجموع چالش‌های بسیاری در مسیر واردات و تخصیص کالاها از گمرک قرار دارد که می‌توان تخصیص ارز را یکی از



عکس: سمن

صدور ثبت سفارش پس از تخصیص ارز عملاً به معنای تایید مجوزهای فنی و ارزی واردات کالا از سوی سازمان متولی و بانک مرکزی است. بنابراین سقف ارزی ثبت سفارش یک مرتبه از سوی سازمان مجوزدهنده و یک مرتبه از سوی بانک مرکزی کنترل خواهد شد.

گمرکی کشور است و تخصیص آن صرفاً منوط به تایید منشأ ارز است. باتوجه به صدور ثبت سفارش متناسب با برآوردهای ارزی بانک مرکزی و تخصیص ارز توسط این نهاد، عملاً تایید منشأ ارز و تامین ارز برای بانک مرکزی امکان پذیر خواهد بود. در این حالت، بازرگان نیز متناسب با صدور یا عدم صدور ثبت سفارش، می‌تواند برای واردات کالای خود برنامه‌ریزی کند و از رسوب کالا در گمرک کاسته خواهد شد.

در صورت عدم استفاده بازرگان از ثبت سفارش خود در مهلت مقرر، باید امکان ابطال آن و تایید ثبت سفارش بازرگانان دیگر وجود داشته باشد که تعیین سازکار و جزئیات آن برعهده سازمان مربوطه (وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت و...) خواهد بود.

در تازه‌ترین اقدام در راستای تسهیل روند تجاری کشور ۲۷ تیر امکان تخصیص کالاهای اساسی بخش غیردولتی به صورت ۱۰۰ درصدی از گمرکات کشور فراهم شد. بعد از این اقدام گمرک ایران، تخصیص و عرضه نهاده‌های دامی افزایش خواهد یافت و بر این اساس احتمالاً نرخ اقلام اساسی در بازار با کاهش روبه‌رو خواهد شد.



و بدون هیچ گونه مشکلی در انتقال مالکیت اسناد تجاری، فقط به دلیل تخصیص نیاقتن ارز از سوی بانک مرکزی، امکان تخصیص پیدا نمی‌کند.

### دودی به چشم مصرف کننده

دبیر فدراسیون واردات ایران با اشاره به افزایش نرخ کالاها در نتیجه دیپو اجناس در گمرک بیان کرد: بی‌شک تمام موارد یادشده موجب افزایش نرخ می‌شود و این افزایش نرخ بار سنگینی را بر دوش مردم و مصرف کننده نهایی می‌گذارد.



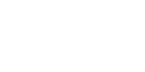
تخصیص ارز بیان کرد: اصلاً نباید روی وعده‌های داده شده در زمینه تامین ارز حساب کرد. البته در این ماجرا نمی‌توان بانک مرکزی را مقصر دانست، زیرا در شرایط تحریم نمی‌توان برنامه‌ریزی درستی داشت.

### افزایش قیمت

صادقی با اشاره به اینکه بی‌نظمی در روند تخصیص ارز، بازار آزاد ارز را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد، گفت: نبود انضباط در این فرآیند، بخشی از واردکنندگان را برای تامین ارز به سوی بازار آزاد سوق داده و این پدیده بازار آزاد را نیز متأثر می‌سازد. به هر حال شرکت‌ها، اغلب نسبت به تحویل کالا در بازار داخل متعهد شده‌اند و در عین حال باید تعهدات خود را به تامین کنندگان خارجی نیز ایفا کنند؛ بنابراین ناگزیر می‌شوند بخشی از نیاز ارزی خود را از بازار آزاد تامین کنند که همین انتقال تقاضا به بازار آزاد و افزایش نرخ پیامد آن موضوعی مشکل‌ساز خواهد بود.



در بسیاری از موارد برای تخصیص ارز و به تبع آن تخصیص کالاها با مشکل مواجهیم



اصلاً نباید روی وعده‌های داده شده در زمینه تامین ارز حساب کرد



اصلاً نباید روی وعده‌های داده شده در زمینه تامین ارز حساب کرد

## تاثیر نرخ ارز بر نرخ کالاهای اساسی

عضو کمیسیون صنایع و معادن می‌گوید؛ نبود نظارت بر بازار، فعالیت سوداگران در کنار رشد نرخ ارز متهمان اصلی گرانی کالاهای اساسی هستند. مصطفی طاهری درباره تاثیر نرخ ارز بر نرخ کالاهای اساسی، گفت: اگرچه تاثیر نرخ ارز بر نرخ کالاها باید متناسب با وابستگی آنها به واردات مواد اولیه باشد اما گرانی موجود در بازار، گواه اثر بسیار نرخ دلار بر بهای کالاها است. نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه از آنجایی که در کشور ما همه ی امور به نرخ دلار وابسته است، با نوسانات جزئی ارز قیمت‌ها سرسام آور افزایش می‌یابد، افزود: در حال حاضر فولاد و مواد موردنیاز صنعت ساختمان سازی علیرغم تولید داخل، براساس فوب خلیج فارس در بورس عرضه می‌شود که این روش بر نرخ سایر کالاهای نیز اثرگذار بوده و موجب گرانی آنها می‌شود. وی افزود: نرخ کالاها براساس میزان وابستگی آنها به دلار پس از نوسانات ارزی تغییر می‌کند. عضو کمیسیون صنایع و معادن اظهار کرد: در حال حاضر صنعت خودروسازی به ۳.۵ میلیارد دلار واردات مواد اولیه و قطعات نیاز دارد که رشد نرخ دلار موجب گرانی خودرو می‌شود از سوی دیگر افزایش نرخ فولاد نیز به صورت غیرمستقیم به رشد بهای خودرو دامن می‌زند اما از آنجا که ستاد تنظیم بازار نرخ خودرو را تعیین می‌کند، رشد نرخ دلار اثر کمتری بر گرانی خودرو دارد. این نماینده مردم در مجلس یادهم با بیان اینکه باید نرخ کالاها براساس میزان وابستگی آنها به دلار پس از نوسانات ارزی تغییر کند، اضافه کرد: نبود نظارت بر بازار و فعالیت سوداگران در کنار نرخ ارز متهمان اصلی گرانی کالاهای اساسی هستند.



# جلوی استهلاک اقتصاد را چگونه باید گرفت؟



در سال‌های اخیر، روند تشکیل سرمایه ثابت به شدت نگران کننده شده است و باید در کنار توجه به انجام اصلاحاتی به منظور بهبود ثبات اقتصاد کلان، به بازسازی نظام تامین مالی در سطح کشور پرداخت. در واقع، همزمان با روند نزولی نسبت تشکیل سرمایه به موجودی سرمایه، نسبت استهلاک به موجودی سرمایه نیز روند صعودی داشته و در نتیجه سال‌های گذشته با پیشی گرفتن نرخ استهلاک از نرخ تشکیل سرمایه همزمان بوده است.

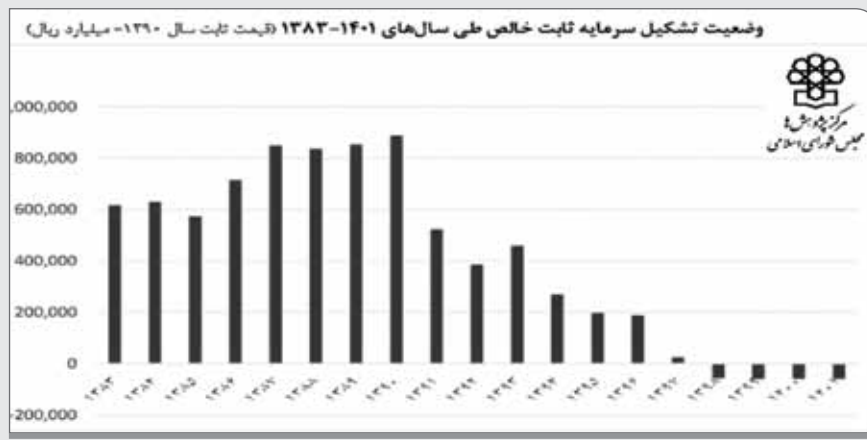
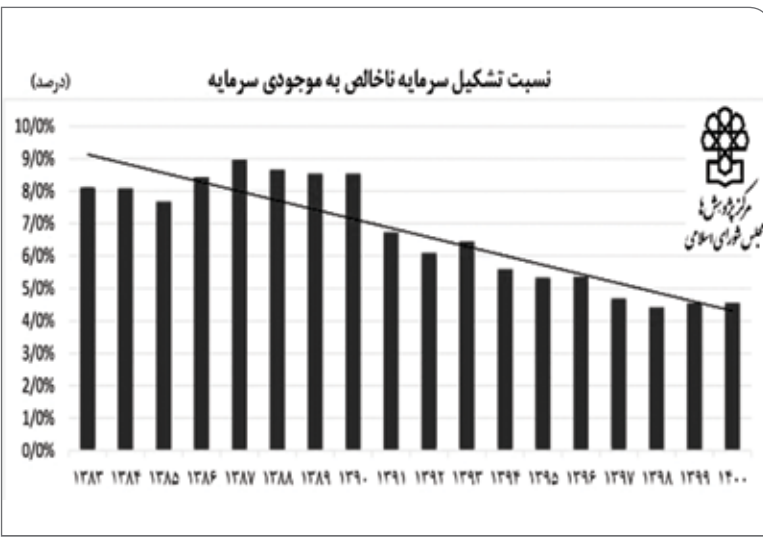
در این راستا، با تمرکز بر بازسازی نهادی نظام تامین مالی، طرح تامین مالی و جهت تولید؛ اقداماتی چون اصلاح نظام انگیزشی و مالیات‌ستانی و بهبود دسترسی به تامین مالی بیرونی، به همراه توسعه فعالیت‌های صندوق‌های تضمین و توسعه نظام سنجش اعتبار، مدنظر قرار گرفته است. علاوه بر این، می‌توان به اصلاح رویه مالیات‌ستانی از صندوق‌های تامین مالی، ایجاد مشوق‌های گوناگون برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و جلب مشارکت بخش خصوصی و تسهیل انجام طرح‌ها به نفع روش‌های مشارکت عمومی و خصوصی هم اشاره کرد.

در این تحلیل با نگاهی به موضوع «تامین مالی» به راهکارهای جلوگیری از استهلاک اقتصاد پرداخته است.

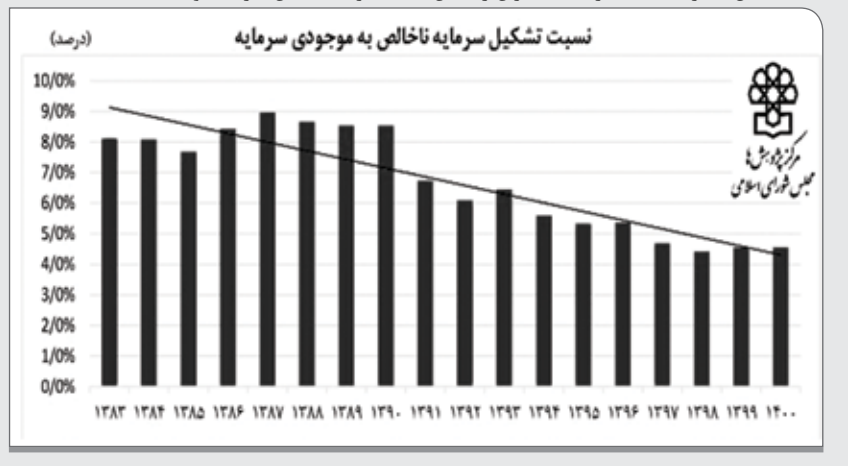
بر اساس اطلاعات منتشرشده در گزارشی که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انتشار یافته، در ۵ سال گذشته، نرخ استهلاک سرمایه از میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد بیشتر بوده است.

به گزارش **سنت**، شاید بتوان مسئله محوری نظام تامین مالی را عدم تطابق جریان درآمدی و هزینه‌ای عنوان کرد. جریان درآمدی و هزینه‌ای عوامل اقتصادی به دلایل مختلف از نظر زمانی با یکدیگر منطبق نیست و این مسئله مهم، تامین مالی برای اقتصاد را ضروری می‌سازد. دسترسی نداشتن به این امر ضروری نیز، موجب کاهش رفاه اقتصادی

آن‌طور که ارقام رسمی گواهی می‌دهند، نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به موجودی سرمایه پس از تحریم‌های آمریکا در سال ۹۷ ۱۴۰۰ کاهش یافته است.



همچنین در این مدت، همزمان با روند نزولی نسبت تشکیل سرمایه به موجودی سرمایه، نسبت استهلاک به موجودی سرمایه هم روند صعودی داشته و از ۴ درصد در سال ۸۷ به ۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همه اینها ضرورت توجه به تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران را نشان می‌دهد.



طرح‌های زیربنایی، مشوق‌های گوناگونی در نظر گرفته و مقدمات حقوقی آن هم تمهید شده است.

موانع تامین مالی چه چیزهایی هستند؟

«طرح تامین مالی و جهت تولید با اصلاح قوانین «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» و «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» ضمن رفع موانع اصلی تشکیل سرمایه ثابت، مشتمل بر احکام تشویقی هم هست. با این حال موانع مشخصی در مقابل اجرای کامل آن قرار دارد.

از جمله اینکه، همخوانی نداشتن و بروز شکست در هماهنگی میان سیاست‌های اجرایی در بازارهای پول، سرمایه و بیمه، مانعی مهم در مقابل اجرای این طرح و طرح‌های مشابه است. ضعف نظام‌های مکمل اعتبار اعم از توثیق، تضمین و اعتبارسنجی موجب شده است تا امر تامین مالی بنگاه‌های تولیدی کشور دشوارتر از گذشته شود، در حالی که سیستم بانکی به‌عنوان تامین‌کننده بیش از ۹۰ درصد تسهیلات و منابع موردنیاز کشور در این دوره با دامنه محدود وثایق بانکی و توسعه‌نیافتگی نظام حقوقی، پشتیبان قرار توثیق قرار گرفته که امر تامین نیازهای مالی و سرمایه‌ای یک واحد

## ضرورت توجه به زیرساختها برای ساخت مسکن



عزت‌الله آیت‌اللهی  
کارشناس مسکن

گرانی روزافزون نرخ مسکن در کشور و بدون شک تاثیر مستقیمی که بر بازار اجاره می‌گذارد، در دسرس‌های زیادی را برای مستأجران به وجود آورده است. گاهی دولت برای تعادل بازار، سیاست‌هایی را به مرحله اجرا در آورده که یکی از آخرین طرح‌های دولت، تصویب قانون تعیین سقف افزایش اجاره‌بهای مسکن بود که به تأیید سران قوا هم رسید، اما سوالی که پیش می‌آید، این است که چه نظارتی برای اجرای این طرح وجود دارد و باتوجه به افزایش تقاضای بازار مسکن این طرح گره‌گشا است یا خیر؟

اقدامات مسئولان نشان می‌دهد که سعی بر این است که مشکلات مسکن از سر راه برداشته شود و بازار مسکن سروسامانی پیدا کند، اما تصمیم دولت مبنی بر تعیین سقف افزایش اجاره‌بهای مسکن که چند سالی است تصویب شده، فقط نیمی از مسیر بهبود بازار رهن و اجاره را طی کرده است، زیرا با توجه به افزایش تقاضا برای این بازار طرفدار، در عمل شاهد افزایش اجاره‌بها مسکن بوده‌ایم.

هر قانون و سیاستی که ضمانت اجرایی نداشته و با برنامه‌ریزی و زیرساخت مناسب مطرح نشده باشد، به احتمال زیاد به مرحله اجرا در نمی‌آید، بنابراین هر طرحی که برای بهبود اوضاع بازار مسکن مطرح می‌شود، باید از یک قانون، دستورالعمل و آیین‌نامه همه‌جانبه پیروی کند و با نظر کارشناسان، تمام جنبه‌های مثبت و منفی کار در نظر گرفته شود. اجرای سیاست‌ها و طرح‌های مسکنی باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که دست دلان از سنگ‌اندازی و منفعت‌طلبی کوتاه شده و امکان تخلف به حداقل برسد.

تسهیلات مسکن در کشورهای پیشرفته تا ۸۰ درصد هزینه خرید مسکن را تأمین می‌کند و با سودهای ناچیز و بازپرداخت کوتاه‌مدت، افراد را برای خانه‌دار شدن کمک می‌کند، اما در کشور ما اقساط، نرخ بهره و مدت بازپرداخت این تسهیلات به گونه‌ای است که اگر افراد کل درآمد ماهانه خود را به پرداخت اقساط این وام‌های پر بهره اختصاص دهند، بازهم کافی نیست و این تسهیلات فقط برای افرادی که درآمد بالایی دارند و مایل هستند که خانه خود را کمی بزرگ‌تر کنند، مناسب است و گرنه با این تسهیلات کسی نمی‌تواند خانه بخرد، از این‌رو مردم تمایلی برای اخذ این وام‌ها نشان نمی‌دهند.

قرارداد اجاره حتی در نبود بنگاه‌های املاک ممکن است به‌صورت دستی بین طرفین و حتی صوری منعقد شود که با این اتفاق دیگر قانون سقف افزایش اجاره‌بها بی‌تاثیر می‌شود. اگر نظارت کافی و قوانین سختگیرانه برای اجرایی شدن این طرح در نظر گرفته شود، باز هم بعضی از موجران برای تمدید قرارداد اجاره خود ترجیح می‌دهند، به نرخ روز با مستأجران قرارداد منعقد کنند و زیر بار این طرح نروند، همچنین باتوجه به تناسب نداشتن درآمد افراد با مخارج خاور، تمدید قرارداد اجاره بسیار سخت و به یک چالش بزرگ تبدیل می‌شود.

در این راستا، نمی‌توان از نقش مشاوران املاک غافل شد، زیرا گاه دیده می‌شود که برخی املاک‌ها برای بالا بردن نرخ اجاره‌بها، موجران را تحریک به افزایش نرخ و حتی برخی موجران نرخ قراردادها را با مشورت املاک‌ها تعیین می‌کنند که این موضوع دلیلی بر افزایش چشمگیر قیمت‌ها در این بازار بر طرفدار می‌شود.

در حال حاضر، سیاستی که ضمانت اجرایی لازم را به این مفهوم که بتواند جلوی زیاده‌خواهی و منافع را بگیرد، وجود ندارد و در گذشته هم شاهد تلاش فراوان مسئولان برای ساماندهی بازارهای مختلف اقتصادی بوده‌ایم که این دستورالعمل‌ها به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی و بستر اقتصادی نامناسب انجام نگرفت. طرح‌های اجرایی دولت باید باتوجه به زیرساخت‌ها و منابع کشور هدف‌گذاری شوند و با برنامه‌ریزی دقیق به مرحله اجرا در بیایند و در غیر این صورت، وعده‌های مختلف، دردی از مردم درمان نخواهد کرد و نه تنها این سیاست‌ها کمکی به بازار مسکن نمی‌کند، بلکه با تاثیر معکوس اوضاع را به نابسامانی می‌کشاند.

## آمار تسهیلات مسکن در بهار ۱۴۰۲

سرپرست دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی با اشاره به اینکه امسال قرارداد ۸۰ هزار میلیارد تومان وام نهضت ملی مسکن امضا شده است، از پرداخت ۷۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات نهضت ملی مسکن در سه وزارت راه و شهرسازی، ابوالفضل نوروزی در برنامه میز اقتصاد شبکه خبر گفت: در ۳ ماه ابتدایی امسال با همکاری بسیار خوب رئیس کل بانک مرکزی و همکاری مدیران عامل شبکه بانکی، بیش از کل سال گذشته و سه‌ماهه قبل بهبود یافته است. وی افزود: سهمیه بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات مسکن در سال ۱۴۰۰ از سوی بانک مرکزی ابلاغ شده، اما برخی از ستاد بانک‌هایی که در تهران هستند برای استان‌ها ابلاغ نکرده بودند، بعد از تاکید رئیس‌جمهوری همه بانک‌ها به سامانه مربوطه متصل شدند و برای اعطای تسهیلات روستایی و ودیعه و خود مالکی دسترسی و داشبورد مدیریتی داشتند. در حال حاضر همه بانک‌ها متصل هستند و امکان پرداخت وام و حتی تسهیلات حمایتی در قالب اراضی اجاره ۹۹ ساله هم فراهم است.



محمد انوشه‌ئی  
editor@smtnews.ir



مشکلات بازار مسکن و چالش‌هایی که بانک‌ها و موسسات مالی با آن روبه‌رو هستند، باید ریشه‌ای حل شود



مشکلات بخش مسکن باعث ایجاد رکود در بازار شده و این اتفاق انباشت تقاضا را پدید آورده است

سال‌های زیادی است که تأمین مالی بخش مسکن دچار چالش بوده و دچار عدم‌استقبال بانک‌ها شده است. دلایل این مسئله بیشتر به سیاست‌گذاری حوزه پولی و بانکی برمی‌گردد. یکی از نکاتی که می‌تواند خیلی کمک کند، اتصال زنجیره تأمین از تولیدکننده تا مصرف‌کننده نهایی مسکن برای دریافت تسهیلات است. امروزه تولیدکننده مصالح، توزیع‌کننده، واسطه و مصرف‌کننده نهایی دارند، به‌طورمجزا تسهیلات دریافت می‌کنند. بنابراین، نقش آفرینی تسهیلات

رونق ساخت‌وساز در شرایط سخت با رفع موانع تولید مسکن در پروژه‌های مسکن ملی و مسکن اجتماعی... می‌تواند بر کنترل نرخ و مهار تورم اثر بگذارد. صنعت مسکن، پیشران اقتصاد کشور به‌حساب می‌آید که می‌تواند در اداره شهرها نیز نقش آفرین باشد. اقدامات انجام‌گرفته برای بسترسازی رونق ساخت‌وساز، زمینه‌ساز ورود بخش خصوصی با سرمایه کلان را نیز فراهم خواهد کرد و در میان‌مدت و بلندمدت، آثار مثبتی را به‌همراه خواهد داشت. افزایش هزینه‌های ساخت مسکن، به‌نوعی می‌تواند عامل بازدارنده در رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این موضوع باشد. اتفاقی

مرتضی افقه، کارشناس اقتصادی درباره چالش‌های تأمین مالی برای پروژه‌های مسکنی در کشور به **ساخت** توضیح داد: یکی از اصلی‌ترین منابع موجود برای تأمین پروژه‌های ساخت‌وساز در کشور، بانک‌ها هستند، اما متأسفانه اگر بر عملکرد بانک‌ها نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که هیچ بانکی نیست که به‌طوراصولی و منطقی خواهد این مسیر را برای دولت هموار کند. از طرفی، نقدینگی برای مردم در سطح بسیار پایینی قرار دارد و این موضوع باعث شده است تا مردم هم نتوانند در رشد و تولید مسکن به دولت کمکی کنند. وی در پاسخ به این سوال که آیا بهتر نیست برای تأمین مالی موثرتر، نقش بخش خصوصی در بازار مسکن بیشتر شود، بیان کرد: بهتر است که جواب این سوال را در قالب یک مثال ساده مطرح کنیم. اکنون بیشتر تولیدکنندگان می‌توانند عایدی خود را وارد بانک‌ها کنند و با افزایش اندوخته خود در سپرده‌های بانکی به کمک دولت بیایند، اما متأسفانه این موضوع تا الان محقق نشده است و بسیاری از تولیدکنندگان حتی در تأمین مواد اولیه خود با مشکل مواجه

متوجه‌بهرویان، تحلیلگر بازار مسکن به **ساخت** گفت: در شرایط فعلی اقتصادی، بسیار بعید است که دولت بتواند بودجه را هر ساله طوری تنظیم کند که مشکلات تأمین مالی ساخت مسکن حل شود، چراکه هزینه‌های این بخش بسیار زیاد است و کشور در حال حاضر به‌هیچ‌عنوان منابع لازم برای این اقدام را ندارد. این استاد دانشگاه در ادامه بیان کرد: باتوجه به بحران اقتصادی موجود که کشور هم با کمبود زیرساخت‌های اساسی روبه‌رو است، باید گفت که تأمین منابع مالی بسیار سخت‌تر از گذشته شده است. از طرفی، به‌دلیل کاستی‌های زیادی در اقتصاد کشور دارد، نمی‌توان برای پروژه‌های مسکنی که سرمایه زیادی را طلب می‌کنند، برنامه‌ریزی مالی کافی و دقیقی انجام داد. اکنون بحران اقتصادی به‌حدی رسیده است که مسکن باوجود جایگاهی که در تعالی و رشد کشور دارد، اولویت نیست، چراکه موانع و مشکلات اقتصادی در بخش‌های دیگر اجازه ورود به این بخش را نمی‌دهد. وی خاطر نشان کرد: دولت باید هرچایی که احساس می‌کند، به دلایل مختلف توانایی اجرایی کردن پروژه‌های مانند نهضت ملی مسکن را ندارد، با پس‌بکش و سرمایه‌گذاری در این بخش را متوقف کند، چراکه اگر این اتفاق نیفتد، علاوه بر اینکه بخش زیادی از مردم منتظر مسکن ارزان‌نایم می‌شوند، سرمایه‌های ملی نیز برای طرحی که در نهایت نیمه‌کاره می‌ماند، هدر می‌رود. سرمایه‌هایی که اگر در جاهای دیگر صرف شوند، می‌توانند نتایج بسیار ارزنده‌تری برای اقتصاد و توسعه کشور داشته باشند.

**بحران بزرگ نزدیک است**  
بهرویان در رابطه با شرایط اقتصادی موجود به **ساخت** گفت: نکته مهم که باید موردتوجه قرار بگیرد، شرایط بحرانی اقتصادی کشور در سال‌های نزدیک است، چراکه کشور با تمام چالش‌های اقتصادی خود هنوز به بحران اصلی ورود نکرده است و اگر همین روال برای اصلاحات اقتصادی در پیش گرفته شود و تحریم‌های غرب ادامه‌دار باشد، بحران شدیدتری در انتظار ما خواهد بود. این کارشناس تصریح کرد: اگر

## چالش‌های تأمین مالی ساخت‌وساز در کشور را بررسی کرد

# کفگیر بازار مسکن به ته دیگ خورد!

بانکی بخش مسکن نتوانسته موفق عمل کند. به‌طور کلی تمرکز اصلی بیش از موضوع تأمین مالی، باید بر این موضوع باشد که طرح‌های جذاب ساخت مسکن طراحی شوند. اگر این مشکل حل نشود، به مشکلات بانکی و بودجه برمی‌خوریم و چنین موضوعاتی انعکاسی از ناتوانی در تعریف درست طرح مسکن و توسعه شهری است. معضلات موجود در تأمین مالی نهضت ملی مسکن ناشی از وجود این مسئله است که درباره ترازنامه بانک‌ها و وضعیت آنها فکری نشده

## مسکن، پیشران اقتصاد کشور

که می‌تواند کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد و به‌طبع بازار مسکن را هم توضیح دهد. ایجاد تعامل و تعادل بیشتر بین بخش خصوصی و دولت، یکی از موضوعات مهم در بازار مسکن در بحث تأمین مالی است. از این‌رو باید الزامات و راهکارهای تولید، مانع‌زدایی و پشتیبانی مسکن و ساختمان موردتوجه ویژه همه متولیان در تمامی سطوح مدیریتی کشور قرار گیرد و مانند سایر کشورهای دنیا، مشوق‌های سرمایه‌گذاری به تولیدکنندگان بخش خصوصی در این بخش ارائه شود تا موجبات تحول و پویایی در اقتصاد کشور را پدید آورد.

## فشار بیهوده دولت به بانک‌ها

هستند. با این شرایط، موضوع تأمل‌برانگیز این نکته است که دولت در حال صادرات مواد اولیه با نرخ ارزان‌تر به کشورهای دیگر است، بنابراین دولت در قبال فشاری که بانک‌ها نمی‌توانند تحمل کنند، مقصر اصلی است. اگر دولت توقعی از بانک‌ها دارد، باید نیاز آنها را از جهات مختلف تأمین کند تا برنامه‌ریزی‌های دولت به‌وقوع بپیوندد. بنابراین با ضعف‌هایی که در بدنه اقتصاد کشور وجود دارد، فشار دولت به بانک‌ها برای تأمین مالی بیهوده است و نتایج مطلوبی به‌همراه ندارد.

### مشکلات اقتصادی در کشور ما عمیق است

افقه توضیح داد که اگر بخواهیم یک یا چند راهکار درباره حل مشکلات مالی در حوزه‌های مختلف از جمله بازار مسکن بیان کنیم، به نتیجه نمی‌رسیم، چراکه حل مشکلات اقتصادی در کشور ما معطوف به چند موضوع پیش‌افتاده نیست، بلکه مسائل و چالش‌های موجود باید به‌صورت ریشه‌ای و جزء به جزء حل شوند. زمانی که بانک‌ها فعالیت‌های مختلفی در عرصه‌های بین‌المللی دارند و به مبالغ

## مشکلات مالی، سدا راه ساخت مسکن

دوباره به موضوع مسکن ورود کنیم، خواهیم دید که در دهه‌های اخیر سیاست‌های غلط و اشتباه دامنگیر بازار مسکن شده و هرگز گاهی طرحی بی‌نتیجه برای درمان حال بد این بازار پر تلاطم تجویز شده، اما هر دفعه نه‌تنها بهبودی در وضعیت بحرانی موجود ایجاد نشده، بلکه شرایط به‌سمتی رفته که نه‌تنها خرید ملک بلکه اجاره یک خانه کوچک برای بسیاری از اقشار کم‌درآمد به یک رویا تبدیل شده است. سیاست‌هایی که میانگین هر متر خانه در تهران را به بیش از متری ۵۵ میلیون تومان در امسال رسانده و عملاً ثابت کرده که هیچ تأثیری در ساماندهی بازار نداشتند است. امروزه در بیشتر کشورهای صنعتی پیشرفته که زیرساخت‌های محکمی برای توسعه و پیشرفت اقتصادی دارند، ردیابی از مدیران متخصص و وزیران کارآمد دیده می‌شود که به حوزه‌ای که در آن مسئولیت دارند، به‌خوبی مسلط هستند، اما متأسفانه در کشور ما شایسته‌سالاری راه خود را گم کرده و مدیرانی در منصب دستگاه‌های اجرایی قرار دارند که تخصص مرتبط با حوزه کاری خود ندارند؛ این اتفاق

## سخن پایانی

توان دولت بسیار محدود است و باید بازار را از این جنبه تحلیل کنیم که چطور می‌توان جذابیتی سرمایه‌گذاری برای بخش مسکن را از طریق بخش خصوصی فراهم کرد. تسهیلات بانکی می‌تواند بخشی از این برنامه باشد، اما واقعیت این است که تولیدکنندگان با مشکلات زیادی از جمله طولانی شدن زمان صدور پروانه‌ها، افزایش نرخ مصالح ساختمانی و افزایش دستمزد مواجه شده‌اند. اگر دولت عزمی برای تقویت بخش خصوصی به‌عنوان بازوان اجرایی خود در ساخت مسکن داشته باشد و بپذیرد که به‌جای این اندازه صرف زمان و هزینه در طراحی پروژه‌های تولید مسکن؛ از صفر تا صد این پروژه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند؛ به‌طورقطع می‌توانیم به اجرای طرح جهش تولید مسکن و ساخت ۴ میلیون مسکن در کشور امیدوار باشیم، اما در شرایط فعلی باید گفت که کمابیش این کار نشدنی یا بسیار دشوار است.

در کل، در شرایط فعلی زمانی که هزینه پایه ساخت یک متر واحد، یک‌شبه رشد می‌کند، به‌طورقطع بخش خصوصی هیچ رغبتی برای ورود در این طرح و اجرای آن ندارد. باتوجه به همه مشکلاتی که در حوزه تولید مسکن در کشور وجود دارد، تولید مسکن روزبه‌روز بسیار دشوارتر خواهد بود، مگر آنکه این روند کنونی که در بحث مسکن در کشور دنبال می‌شود، تغییر پیدا کند. در غیر این صورت، با روند کنونی و با این نوع تأمین مالی، شاهد تغییر در بازار مسکن نخواهیم بود.



عکس: سیمین

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با **سمن**:

## توسعه اقتصاد، نیازمند دیپلماسی فعال است

شهریار خادمی: براساس اسناد بالادستی به‌ویژه سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران، کشوری توسعه‌یافته در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و دارای تعامل فعال و سازنده با اقتصاد جهانی تعریف شده است. این هدف مهم محقق نمی‌شود، مگر از همه ظرفیت‌های اقتصادی از جمله صادرات محصولات نفتی و غیرنفتی، اتکا به تولید داخل و فرآیند پیچیده دیپلماسی اقتصادی در قالب سیاست خارجی به‌طور کامل و مفید استفاده شود. دولت یازدهم و به‌ویژه دولت دوازدهم، سیاست خارجی خود را اقتصادمحور و مطابق اهداف اسناد بالادستی با هدف کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل عنوان کرده‌اند. دولت یازدهم با حل مناقشه

بدون تردید در عصر جهانی شدن اقتصاد، متغیرهای امنیتی و سیاسی، اهمیت پیشین خود را در تعریف جایگاه کشورها در سطح بین‌المللی از دست داده‌اند و اهمیت متغیرهای اقتصادی و فنی افزایش یافته است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه اکنون از موفقیت قابل توجهی در عرصه اقتصاد جهانی بهره‌مند شده‌اند، زیرا از صادرات توانمندی در قالب استفاده بهینه از دیپلماسی اقتصادی

### الزامات عصر جهانی شدن

برخوردارند. بدون تردید کارآمدی این رهیافت درباره کشورهای مختلف یکسان نیست.

همچنین، توجه به نیازها و امکانات بخش خصوصی بسیار حائز اهمیت است، زیرا این بخش و اصناف گروه‌های دیگر مانند اتاق بازرگانی صنایع و معادن و... عمده مسئولیت روابط تجاری و اقتصادی کشور را برعهده دارند.

بدون تردید در عصر جهانی شدن اقتصاد، متغیرهای امنیتی و سیاسی، اهمیت پیشین خود را در تعریف جایگاه کشورها در سطح بین‌المللی از دست داده‌اند و اهمیت متغیرهای اقتصادی و فنی افزایش یافته است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه اکنون از موفقیت قابل توجهی در عرصه اقتصاد جهانی بهره‌مند شده‌اند، زیرا از صادرات توانمندی در قالب استفاده بهینه از دیپلماسی اقتصادی



عکس: آیدا فریدی

با وجود اینکه حدود ۸۰۰ میلیون مصرف‌کننده در کشورهای همجوار ما حضور دارند، ایران در تامین نیاز مصرف‌کنندگان خارجی تنها ۲ درصد سهم دارد، در حالی که به راحتی می‌توانیم این میزان را به ۶ درصد برسانیم



جوانان‌مان نهادینه سازیم. کار و تلاش به معنی استخدام نیروهای خلاق جوان در ادارات و پشت‌میزنشینی نیست. برای بهبود شرایط اقتصادی، اتکای دولت باید به درآمدهای حاصل از تولید و رونق اقتصاد باشد. هنگامی که تولید و صادرات افزایش یافت و شاهد شکوفایی اقتصاد کشور بودیم، با اخذ مالیات هدفمند عدالت‌محور می‌توان در این مسیر گام برداشت. در غیر این صورت، تولید زمین می‌خورد و صادرات کاهش می‌یابد. نماینده دوره یازدهم مجلس در پاسخ به این سوال که جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد کجاست، اظهار کرد: متأسفانه بخش خصوصی آن‌طور که باید و نشاید، جایگاه خود را در چرخه اقتصادی کشور پیدا نکرده، هرچند گاهی به‌نظر می‌رسد بخش خصوصی در زمینه دلالی و واسطه‌گری، جایگاه پررنگی را تصاحب کرده است.

برای مثال این بخش در گران کردن کالاها نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند. در واقع دلال‌ها هم یک نوع بخش خصوصی هستند. وقتی می‌گوییم بخش خصوصی یعنی کسانی که خارج از دولت در حال کار هستند.

اختیاری در استان ندارند. بنابراین، برای ایجاد فضای رقابتی در استان‌ها باید تمرکز بر مرکز کاهش یافته و قدرت عمل در استان‌ها افزایش یابد. از سوی دیگر، نبود مشوق‌های صادراتی و متغعل بودن وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌ها از دیگر موانع موجود بر سر راه است.

این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت رفع مشکلات متعدد در زمینه مسائل اقتصادی گفت: کشور ما از نظر نیروی انسانی و امکانات، کشور قدرتمندی است، اما برای بهره‌بهینه از این توان باید با همکاری کشورهای قوی‌تر، ضمن برخورداری از کمک‌های آنان به توسعه روابط اقتصادی

بپردازیم. همچنین، می‌توان با الگوگیری از موفقیت‌های اقتصادی این کشورها، شاهد شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد کشورمان باشیم.

**فرهنگ‌سازی برای کار و تلاش**

پاک‌فطرت با بیان اینکه مشکل اقتصاد ما وجود برخی باورهای اشتباه است، اظهار کرد: متأسفانه در کشورمان به‌سمت پرورش افراد نیازمند حرکت می‌کنیم؛ در صورتی که باید فرهنگ کار و تلاش را در کشورمان جاری سازیم.

وی با تأکید بر اینکه تولید در اقتصاد هر کشوری حرف اول را می‌زند، ادامه داد: اگر می‌خواهیم تولید کنیم، باید ابتدا فرهنگ کار و تلاش را در

**بهره از ظرفیت‌های اقتصادی همسایگان**  
نماینده مردم شیراز و زرگان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به بهره از ظرفیت‌های اقتصادی همسایگان بر ضرورت تامین نیاز مصرف‌کنندگان داخلی و کشورهای همجوار با ایران، تأکید کرد و گفت: ۸۵ میلیون نفر در کشور و حدود ۸۰۰ میلیون نفر مصرف‌کننده در کشورهای همجوار ما حضور دارند، اما ایران در تامین نیاز مصرف‌کنندگان خارجی تنها ۲ درصد سهم دارد، در حالی که به راحتی می‌توانیم این میزان را به ۶ درصد برسانیم.

**رفع تمرکز بروکراسی در پایتخت**

وی یکی از موانع تولیدکنندگان و صادرکنندگان را بروکراسی اداری دانست و اظهار کرد: سیستم اداری ما معیوب است. برخی کارکنان که تخصص چندانی ندارند، در بی‌آند که کار تولیدکنندگان و صادرکنندگان را تسهیل کنند، اما فعالیت‌های‌شان ثمربخش نیست و باید تعداد منابع انسانی فعلی را به یک‌پنجم یا در نهایت به نصف رساند.

پاک‌فطرت ادامه داد: روند اخذ مجوزها و اجرای تمام فعالیت‌های تجاری و تولیدی، مستلزم اجرای فرآیند اداری در پایتخت است و مدیران استانی در سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها و دیگر حوزه‌ها هیچ

### رابطه معنادار اقتصاد و سیاست

## صادرات تحت پوشش دیپلماسی اقتصادی

عباس مقتدای خوراسگانی، نایب‌رئیس دوم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در گفت‌وگو با **سمن** گفت: یکی از نکات برجسته‌ای که مجلس یازدهم به‌دنبال آن بود، میحت دیپلماسی اقتصادی است. بنده به‌عنوان فردی که سال‌ها مسئولیت دیپلماسی اقتصادی را در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه برعهده داشتم، با وزاری صمت، جهادکشاورزی، اقتصاد، امور خارجه و نفت، مذاکراتی داشته‌ام تا درایم در برنامه پیشنهادی آنها موضوع دیپلماسی اقتصادی برجسته دیده می‌شود یا خیر؟

این نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: به‌نظر می‌رسد که دولت سیزدهم، موضوع دیپلماسی اقتصادی را موردتوجه قرار داده است، اما همچنان تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داریم. اکنون شاهد آن هستیم که دولت، خیزی بلند برای صادرات تحت‌پوشش دیپلماسی اقتصادی بردارد و این موضوع در فعالیت‌های دولت به‌طور کامل مشهود است. از همین‌رو فعالیت‌های اقتصادی وزارت امور خارجه در کانون توجه قرار دارد و به‌نظر می‌رسد، در کوتاه‌مدت بخشی از ناکارآمدی دولت‌های پیشین جبران شود.

## رویکرد تعامل با همسایگان تقویت شود

معین‌الدین سعیدی، نماینده دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی درباره توان صادراتی ایران و تامین اعتبار از این حوزه در گفت‌وگو با **سمن** گفت: رویکرد تعامل با همسایگان در توسعه روابط تجاری، رویکردی مثبت ارزیابی می‌شود. در حال حاضر ۱۵ کشور همسایه در ارتباط اقتصادی هستیم. این ارتباط در روند روز دن محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها نیز موثر بوده است. سعیدی در پاسخ به این سوال که برخی کشورها در کنار اختلافات سیاسی، مراودات اقتصادی‌شان با آمریکا در جریان است، چرا ایران این‌گونه سیاستی ندارد، اظهار کرد: این امریکایی بود که زیر میز زد، ما راضی به همان ۳ شرط عزت، حکمت و مصلحت بودیم؛ اما وقتی طرف امریکایی یک‌طرفه به زیر میز مذاکره زد، عمل‌نامی توان بازیگران دیپلماسی کشور را مقصر دانست، بنابراین، باید از امریکا پرسید که چرا خلاف تمام تعهدات بین‌المللی به‌صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد.

**روش حذف ارز ترجیحی درست نبود**  
وی با بیان اینکه مهم‌ترین مشکل اقتصاد کشور تورم است، اظهار کرد: دولت برای کنترل تورم دست به جراحی اقتصادی زد و ارز ۴۲۰۰ تومانی را از اقتصاد حذف کرد که اصل پذیرفته‌ای بود. همگان معتقدیم که ارز ۴۲۰۰ تومانی منبع رانت گسترده و فساد بود، اما روش اجرای این سیاست مبتنی بر آنچه می‌توانست باعث کنترل تورم شود، نبود. بهتر آن است که دولت براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، با حذف ارز ترجیحی به جایگزینی یارانه‌های جبرانی بردارد و کالاهای اساسی از طریق کالاپرگ با ملاک قیمت‌های شهرپور ۱۴۰۰ ارائه شوند. این در حالی است که در عمل دولت با پرداخت یارانه‌هایی با ارزش ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی به مردم موجب افزایش نقدینگی و سپس افزایش نرخ تورم شده است. اگر دولت بنایی بر کنترل تورم دارد، باید تغییراتی در این حوزه ایجاد کند.

### بهره از ظرفیت‌های انرژی در تامین امنیت منطقه

احمد علی‌رضا بیگی، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به موانع داخلی و خارجی توسعه اقتصادی در کشور گفت: ضعف در صادرات و نبود صادرات قدرتمند در اقتصاد ایران، واقعیتی انکارناپذیر است.

بیگی با اشاره به مزیت انرژی در اقتصاد ایران گفت: باید بتوانیم انرژی نفت و گاز را به ثروت تبدیل و درآمد حاصل از فروش نفت را صرف امور زیرساختی کنیم. از سوی دیگر، ایران با توجه به در اختیار داشتن ذخایر گاز، قابلیت اخذ درآمدهای بالاتر در این حوزه را دارد که البته با کم‌کاری‌های دیپلماسی به دست‌آورد‌های قابل‌انتظار نرسیده‌ایم. برای مثال، در موضوع انتقال گاز ما نتوانستیم تامین‌کننده انحصاری ۲ قدرت نوظهور آسیا (چین و هند) باشیم و اقدامات لازم را در این زمینه انجام ندادیم.

وی ادامه داد: در دولت احمدی‌نژاد، خط لوله گاز تا پاکستان راه‌اندازی شد، زیرا رهبر معظم انقلاب انجام این امر را سفارش کرده بودند. همچنین، مقرر شد با اخذ رضایت طرف پاکستانی، خط لوله گاز ایران از پاکستان عبور کند و گازرسانی به هند و چین عملیاتی شود. قابل توجه است که با اجرای این طرح ثبات و امنیت ایران نیز برای کشورهای هدف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد. همانند اتفاقی که برای کشورهای

اروپایی به‌وقوع پیوسته و آنها به‌واسطه اینکه انرژی‌شان از طریق روسیه به‌صورت انحصاری تامین می‌شود، در راستای جنگ این کشور با اوکراین قادر به دخالت نبودند.

علیرضا بیگی با اشاره به اجرایی نشدن این برنامه گفت: سوآپ گازی ترکمنستان و آذربایجان و کارهای ابتکاری جدیدی اجرایی شده است که البته کافی نیست.

وی افزود: وقتی توانستیم کشور را در تولید بنزین به خودکفایی رسانیم، پس با اجرای سیاست‌های صحیح در دیپلماسی اقتصادی، می‌توانیم این سنده را در دریای کارائیب با طلا معاوضه کنیم و با صدور محصولات و مشتقات نفتی به کشورهای منطقه و همسایگان، مشکلات اقتصادی کشور را حل کنیم.

**غفلت از ظرفیت‌های صادراتی کشاورزی**  
نماینده دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی به بعد دیگری از ظرفیت‌های اقتصادی ایران اشاره کرد و گفت: محصولات کشاورزی ما در ارومیه و آذربایجان شرقی، موردنیاز کشورهای مختلف آسیایی است که به‌دلیل ضعف در صادرات این محصولات، نمی‌توان از این ظرفیت بهره لازم را برد.

وی افزود: آیا کیوی شمال و پرتقال مازندران در بازارهای جهانی راه

### تولید صادرات‌محور، به شرط بهبود شرایط اقتصاد

نماینده مردم مرودشت در مجلس شورای اسلامی درباره عملکرد دولت در حوزه اقتصاد داخلی و خارجی اظهار کرد: در حوزه خارجی، قدم‌های مثبتی برداشتیم، اما آنچه مسلم است، این اقدامات اثر خود را در میان مدت و در بلندمدت نشان می‌دهند.

وی افزود: باتوجه به افزایش قیمت‌ها در ماه‌های گذشته گفت: در یکی دو سال اخیر شاهدیم که گرانی‌ها بدون توجه به برنامه‌های کنترلی دولت همچنان استمرار داشته‌اند و دخل‌وخرج شهروندان با هم همخوانی ندارد. برای پایان این روند، باید دولت و وزارتخانه‌های مرتبط با اقدامات عملیاتی وارد میدان شوند و تنها با دستورالعمل و بیانیه و شعار

### باید به عرصه سیاست و اقتصاد واقع‌گرایانه نگرین

محمود عباس‌زاده، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با **سمن** با تأکید بر اعمال نگاه واقع‌گرایانه به عرصه سیاست و اقتصاد گفت: برای تحقق دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی خارجی ما نیاز به تحول ساختاری دارد؛ یعنی دستگاه دیپلماسی فعلی با این ساختار، افراد، سفارتخانه‌ها و این شیوه‌ها نمی‌تواند دیپلماسی اقتصادی داشته باشد. بنابراین برای موفقیت در این عرصه، نیازمند تغییری اساسی در ساختار اقتصاد هستیم. این امری است که آقای امیرعبداللهیان هم قولش را داده بودند، اما نشان‌دهنده‌اش را کمتر می‌بینیم. وی با اشاره به بررسی و شناخت دقیق جایگاه کشاورزی، صنعت و تجارت در اقتصاد ایران گفت: در مجموع می‌توان گفت: نیاز به تغییرات ساختاری در دستگاه دیپلماسی خارجی با تکیه بر توسعه همکاری‌های اقتصادی داریم. عباس‌زاده ادامه داد: متأسفانه نمی‌توانیم از فرصت‌هایی که در منطقه به‌ویژه در افغانستان، عراق و سوریه به‌وجود می‌آید، نهایت استفاده را ببریم و تا امروز از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بهره لازم را نبرده‌ایم. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس



پیدا می‌کند؟ بسته چطور؟ اینها همه نشان می‌دهد ما در زمینه صادرات محصولات با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. این در حالی است که ظرفیت‌های کشاورزی ایران برای صادرات، یک منبع استثنایی برای درآمدزایی است.

وی با اشاره به راهکار حل این مشکلات اظهار کرد: ما نیازمند استفاده از دیپلماسی اقتصادی برای بهبود صادرات هستیم. نبود ریزن اقتصادی در سفارتخانه‌های موثر در توسعه صادرات یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اقتصادی ایران است.

ترکیه کشوری است که به جهات مختلف می‌تواند با ما در یک تراز قرار گیرد. سفارت این کشور در ایران چه تعداد کارشناس اقتصادی دارد؟ روسیه چه تعداد کارشناس اقتصادی دارد؟ آیا ما در این کشورها اصلاً ریزن بازرگانی داریم؟ من تصور می‌کنم حتی در روسیه که بیشترین روابط اقتصادی ما با این کشور انجام می‌شود، تعداد کارشناسان اقتصادی ما از یک تا ۲ نفر فراتر نرفته باشد و سوال این است که در این شرایط، صادرات افزایش پیدا خواهد کرد؟



این مشکل حل نخواهد شد. رشیدی‌کوچی با تأکید بر شرایط نامساعد اقتصادی گفت: دولت هرچه سریع‌تر باید فکری به حال این اقتصاد کند. دستیابی به توسعه تجارت، نیازمند تحقق تولید صادرات‌محور است و تنها در شرایطی با توسعه صادرات مواجه می‌شویم که در داخل، اتفاقات مثبتی در بهبود شرایط اقتصاد بیفتد.



نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی در پایان اظهار کرد: شما سر کوچهای، درست مقابل یک مغازه، دکانی تاسیس کنید؛ به‌طورقطع در مسیرتان سنگ‌اندازی می‌کنند. این امر کاملاً طبیعی است. بنابراین، سنگ‌اندازی در مقابل عملکرد جذاب ارائه‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران کاملاً طبیعی است. در نقطه مقابل، تأثیرپذیری اقتصاد از این حجم از فشارهای خارجی نیز دور از ذهن نیست. با این همه بخش عمده‌ای از مشکلات کشور ما از نوع نگاه‌ها و شیوه‌های مدیریتی خودمان نشأت می‌گیرد. به‌نظر من، سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است و ما می‌توانیم در داخل کشور بسیار مطلوب‌تر عمل کنیم. در مجموع می‌توان گفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به‌دنبال ارائه و اجرای اصلاحات لازم در رویه‌های منطقی و عملیاتی هستند.

## موانع رشد سرمایه‌گذاری در معادن

بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در معادن در حال بهره‌برداری از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰ حکایت نیاز جدی این بخش به تامین حداقل ۱۰ هزار ماشین‌آلات جدید برای تسریع در تولید و واردات دارد.

به گزارش بورس پرس، با توجه به عدم همبستگی در نهادهای مرتبط با بخش معدن در کنار کمبود شدید ماشین‌آلات معدنی، مشکلات حوزه بخش معدن همچنان ادامه دارد و بسیاری از بخش‌های زنجیره معدن و صنایع معدنی را نیز دچار مشکل کرده است.

### تامین انرژی

مشکلات صنایع معدنی در بخش انرژی برق و گاز و آب همچنان ادامه دارد. برای رفع این مشکل در چند سال گذشته یک سیاست ثابت اجرا شده است. سیاست خاموشی در صنایع بزرگ، شاید آسان‌ترین و راحت‌ترین راه برای مدیریت بحران برق و گاز در شرایط اضطرار باشد اما پرهزینه‌ترین راه نیز است. چراکه این اقدام آسیب‌های سنگینی به اقتصاد زده و نرخ محصولات مهمی همچون میلگرد، ورق، آهن، سیمان و... را افزایش می‌دهد و در نتیجه افزایش تورم را به دنبال خواهد داشت.

### رونق جذب سرمایه

شاید بتوان صنعت فولاد را مهم‌ترین صنعتی دانست که با قطعی برق و محدودیت مصرف گاز دچار زیان‌های جدی می‌شود. این صنعت پس از پتروشیمی، دومین صنعتی است که بخش مهمی از ارزش روز بازار سهام را شامل می‌شود اما همچنان دچار مشکل است.

طبق گزارش معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران با وجود روند فزاینده ارزش اسمی سرمایه‌گذاری در معدن در حال بهره‌برداری (بدون احتساب معدن نفت‌خام، گاز طبیعی و خاک رس)، سرمایه‌گذاری واقعی در این بخش طی سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۰، روند نزولی داشته و کمترین سرمایه‌گذاری واقعی مربوط به سال ۱۴۰۰ با رقم ۷۷ هزار میلیارد تومان بود. میانگین رشد سالانه سرمایه‌گذاری واقعی در بخش معدن طی سال‌های مورد بررسی منفی ۱۷.۷ درصد است.

### نسبت سرمایه‌گذاری به ارزش افزوده

سرمایه‌گذاری یکی از محرک‌های توسعه اقتصادی است و یکی از نسبت‌های مهم تعیین‌کننده میزان تزریق سرمایه برای پشتیبانی از فرآیند توسعه در سطح کلان یا بخش، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی یا ارزش‌افزوده آن بخش است. طی سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۰ نسبت مزبور در بخش معادن روند کاهشی داشت و در سال ۱۴۰۰ به ۳.۶ درصد رسید که کمترین رقم طی بازه زمانی مورد بررسی است.

همچنین بالاترین حجم سرمایه‌گذاری در بخش معادن غیرنفتی در حال بهره‌برداری در سال ۱۴۰۰ در زمینه استخراج سنگ‌آهن و با سهم ۳۲.۴ درصدی بود که پس از آن استخراج زغال‌سنگ با سهم ۱۵.۲ درصد، معادن استخراج شن و ماسه با سهم ۱۱ درصد، معادن سنگ‌های تزئینی با سهم ۱۰ درصد و معادن طلا با سهم ۶.۳ درصد قرار گرفتند.

حدود ۷۵ درصد از سرمایه‌گذاری معادن غیرنفتی مربوط به معادن فوق است. در میان معادن عمده، ارزش اسمی سرمایه‌گذاری در معادن سنگ‌آهن و معادن سرب و روی در سال ۱۴۰۰ با افت همراه بود.

### سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت ۹۵

سال ۹۵ میزان سرمایه‌گذاری در معادن ۲۰.۴ هزار میلیارد تومان بود در حالی که میزان سرمایه‌گذاری در این بخش، یک‌سال بعد و در بازه زمانی سال ۹۶ به ۵.۱۷ هزار میلیارد تومان رسید.

سال ۹۷، میزان سرمایه‌گذاری فعالان معدنی در این بخش به ۹.۹ هزار میلیارد تومان کاهش یافت. سال ۹۸ این میزان به ۱۰.۳ هزار میلیارد تومان رسید.

رقم سرمایه‌گذاری معادن داران بخش معدن در سال بعدی نیز ثابت ماند و میزان سرمایه‌گذاری فعالان در بخش معدن همان ۱۰.۳ هزار میلیارد تومان بود. بالاخره در سال ۱۴۰۰، بخش معدن شاهد سرمایه‌گذاری ۷.۷ هزار میلیارد تومانی بود.

بطور خلاصه، میانگین رشد سالانه سرمایه‌گذاری در بخش معادن در سال‌های مورد بررسی منفی ۱۷ درصد بود.

### مشکلات زیرساختی صنایع معدنی

براساس برآوردها قطع برق روزانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه برای صنعت فولاد به همراه دارد و قطعی برق در گشتان سال گذشته بالغ بر ۶ میلیارد دلار برای شرکت‌های فولادسازی خسارت به بار آورد.

میزان تولید فولاد به‌صورت ماهانه ۲.۵ میلیون تن و روزانه ۱۰۰ هزار تن برآورد می‌شود که با قطع برق و گاز این میزان در سال گذشته کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و منجر به کاهش درآمد شرکت‌های تولیدکننده فولاد و افزایش نرخ در بازار شد.

البته تعطیلی تولیدکنندگان صنعت فولاد به تعطیلی بسیاری از صنایع و حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی این صنعت نیز منجر می‌شود.

برای نمونه تعطیلی در صنعت فولاد تعطیلی و کاهش تولید، به تعطیلی و کاهش شدید تولید صدها شرکت تولیدی کوچک که تامین‌کننده مواد اولیه و قطعات موردنیاز صنعت فولاد هستند، می‌انجامد.

همچنین با تعطیلی و کاهش تولید صنعت فولاد به دلیل قطعی برق و گاز، هزاران شغل غیرمستقیم که به‌واسطه فعالیت فولادسازان شکل گرفته نیز به تعطیلی کشیده شده و شرکت‌های پایین‌دست با آسیب جدی و خطر تعطیلی همراه می‌شوند.

## بررسی موانع رشد تولید صنایع معدنی در گفت‌وگو با

# تامین نقدینگی و نرخ ارز سد راه تولید است



نوسان ارزی ترکیبی آشنا در اقتصاد ایران است؛ چالشی که مردم، فعالان صنعتی و اقتصادی، تولیدکنندگان و صاحبان کسب‌وکارها با آن درگیر هستند. البته عده‌ای محدود و اغلب وابسته به رانت، از این نوسانات بهره‌مند می‌شوند.

در طول ماه‌های اخیر روند رو به رشد بهای ارز در بازار آزاد شدت گرفت. سیر صعودی نرخ ارز در ماه‌های اخیر به قدری قابل توجه بوده که با هیچ‌کدام از تجربه‌های قبلی در این زمینه برابری نمی‌کند. رشد چند هزار تومانی و عبور دلار از مرز ۶۰ هزار تومان و در ادامه سقوط چند هزار تومانی تنها در یک روز، موجب شد این نوسانات به دغدغه اصلی بسیاری از فعالان صنعتی و تولیدکنندگان بدل شود؛ به‌ویژه آنکه این نوسانات تنها به بازار ارز محدود نشده و به‌سرعت آثار این قیمت‌ها در سایر بازارهای کالایی نیز نمایان می‌شود. بازار مواد اولیه و سایر تجهیزات تولید صنایع نیز از حمله بازارهای تحت تاثیر نرخ ارز است که توان برنامه‌ریزی تولید را از صنعتگران سلب می‌کند.

در این گزارش با تاکید بر ضرورت تامین نقدینگی به بررسی مشکلات ناشی از نوسان نرخ ارز برای صنایع معدنی پرداخته است.

## چشم‌انداز بازار ارز روشن نیست

تولید و تولیدکننده است. با بروز چنین مشکلاتی بسیاری از اصناف دست از فعالیت می‌کشند و خریدوفروش خود را متوقف می‌کنند، اما توقف تولید در صنعت معنی ندارد. یک واحد تولیدی نمی‌تواند به‌دلیل نوسانات ارزی، خطوط تولید را متوقف کند، چراکه توقف تولید به‌منزله تحمیل خسارت‌های جدی به صنعتگران است؛ در نتیجه این نوسانات تنها ریسک فعالیت را افزایش می‌دهد.

عموما در ماه‌های پایانی سال، هزینه‌های صاحبان کسب‌وکارهای مختلف افزایش می‌یابد. علاوه بر این شروع سال جدید نیز به‌منزله تحمیل فشارهای تورمی به صنعتگران است. اگر در چنین فضایی شاهد نوسانات ارزی هم باشیم نتیجه‌ای جز بروز مشکلات بیشتر برای تولید به همراه نخواهد داشت. در چنین فضایی، سیاست‌گذاری غلط بر بار مشکلات صنایع می‌افزاید و عملاً روند تولید را با دست‌انداختن‌های جدی روبه‌رو می‌کند. به‌عنوان مثال اواخر سال گذشته شرایط فروش ورق فولادی در بورس کالا از اعتباری به نقدی تغییر کرد و این درحالی بود که بسیاری از صنعتگران مشکل جدی برای تامین نقدینگی داشتند.

### حذف قوانین تفسیر پذیر

همیای رشد نرخ دلار در بازار آزاد شاهد افزایش تورم در اقتصاد هستیم؛ بر همین اساس این رشد نرخ دلار حتی نمی‌تواند به افزایش درآمدهای صادراتی شرکت‌ها نیز منتهی شود. در واقع بی‌ثباتی نرخ ارز، تمامی ارکان زنجیره تولید را با چالش روبه‌رو می‌کند. در نتیجه از دولت انتظار می‌رود در نخستین قدم با تدوین بسته سیاستی تمامی قوانین دست‌وپاگیری که مانع از تسریع تجارت می‌شود را اسبب‌شناسی و اصلاح کند، چراکه تجارت گامی برای ارتقای تولید است و تسهیل آن به تسهیل شرایط تولید در

آشوش رحام، فعال صنعت فولاد: نوسانات نرخ ارز، در سال‌های گذشته نیز وجود داشته اما از نیمه دوم سال گذشته با شتاب جدی‌تری روند صعودی را طی کرد. نوسانات ارزی از دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی نشأت می‌گیرند. کند شدن هر روزه روند تجارت میان ایران با سایر کشورهای دنیا نیز شتاب نوسانات ارز را شدت بخشیده است. ورود ارز حاصل از صادرات راه‌کاری برای بهبود شرایط تولید در صنایع مختلف است، اما وقتی شرایط صادرات هر روز از سوی مسئولان دشوار و دشوارتر می‌شود، نباید به ارتقای سطح ورود ارز به کشور امید چندانی داشت. با توجه به روند یاد شده زنجیره تامین ارز در کشور در سال‌های اخیر به‌شدت تضعیف شده است؛ به‌عبارتی فرآیند تخصیص و تامین ارز به‌شدت دشوار شده است. مقاومت بانک مرکزی در برابر واردات با ارز متقاضی، یکی از مهم‌ترین دلایل بروز چالش‌های ارزی در کشور است. در واقع سیاست‌های ارزی اتخاذشده از سوی دولت و بانک مرکزی اصولی نیستند و همین موضوع نیز به بروز لطمات جدی منتهی می‌شود.

### تاثیر نوسانات جدید نرخ ارز بر عملکرد صنایع

نخستین اثرات نوسانات جدید نرخ ارز بر عملکرد صنایع آشکار می‌شود، چراکه همیای نرخ دلار، نرخ مواد اولیه نیز تغییر می‌کند. بدین ترتیب تولیدکنندگان با سردرگمی قابل توجهی در فرآیند خریدوفروش محصولات خود روبه‌رو می‌شوند؛ به‌ویژه آنکه دورنمای ارز در آینده روشن نیست و کسی نمی‌تواند نسبت به تداوم مسیر صعودی نرخ دلار مطمئن باشد. خرید گران مواد اولیه می‌تواند به تحمیل خسارات جدی به صنعتگران منجر شود؛ بنابراین نبود ثبات در شرایط اقتصادی و چنین نوسانات قابل توجهی عملاً به ضرر

## بی‌ثباتی شرایط اقتصادی تهدیدی جدی است

همین حال خرید این محصولات نیز با چالش همراه می‌شود؛ بنابراین روند تولید و فعالیت صنایع بزرگ نیز از این شرایط متاثر خواهد شد.

### مشکلات قوانین متعدد و ناگهانی

نبود ثبات در حوزه‌های دیگر، به‌ویژه در فرآیند مقررته‌گذاری نیز به چشم می‌خورد. هر روز بخشنامه جدیدی صادر می‌شود و روند فعالیت صنایع را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گویا سیاست‌گذاران بر اهمیت وجود ثبات و آینده‌نگری در تدوین سیاست‌های تولیدی واقف نیستند و هر روز مانعی تازه در مسیر فعالیت صنعتگران می‌تراشند. البته این پایان مشکلات صنایع نیست، چراکه محدودیت در تامین انرژی واحدهای تولیدی به‌ویژه در زنجیره فولاد نیز بر بار مشکلات این واحدها افزوده است. در چنین موقعیتی صنایع نمی‌دانند برای چه مدتی با محدودیت انرژی روبه‌رو هستند و عملاً روند فعالیت آنها تحت تاثیر منفی قرار خواهد گرفت. تداوم تولید در صنایع به‌منزله اثرگذاری بر تولید ناخالص داخلی، ارزش‌افزایی، سودآوری، آرزواری، اشتغالزایی، محرومیت‌زدایی و... است. در نتیجه مسئولان نباید با نگاه کوتاه‌مدت

## دامی به نام «تغییر مداوم سیاست‌های ارزی»

نیاز ارزی، ناچار به گذراندن بروکراسی‌های قابل توجه اداری شدند که عملاً روند فعالیت آنها را کند و هزینه‌برتر می‌کند. تحمیل فشار گسترده به صنایع به‌منزله تقویت فرصت برای بروز فساد و رانت است. علاوه بر این لطمات جدی به صنایع و به‌دنبال آن اقتصاد کشور وارد می‌شود؛ یعنی نمی‌توان بر اثرگذاری مثبت این دست مصوبات بر عملکرد صنایع امید داشت. به علاوه اینکه در چنین موقعیت‌هایی صادرات و فروش یک محصول در بازار جهانی نه‌تنها سودآور نیست، بلکه به ضرر صنایع نیز منتهی خواهد شد.

### هزینه مضاعف بر دوش تولید

از سوی دیگر در تمام این سال‌ها، محدودیت‌های متعددی در مسیر صادرات ایجاد شده است. علاوه بر الزام صادرکنندگان به ارزان‌فروشی دلار، حذف معافیتی مالیاتی صادرکنندگان که در قانون به‌طور مستقیم به آن اشاره شده، از سیاست‌هایی است که هزینه مضاعفی را به بخش تولید تحمیل می‌کند. این دست سیاست‌ها

غلامرضا خلیقی، فعال صنعت فولاد: ثبات یکی از فاکتورهای مهم برای تداوم فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی و تولیدی است. ثبات در بخش‌های مختلف از جمله سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و... معنی می‌یابد. با این وجود یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که عملاً روند فعالیت صنایع با کسب‌وکارهای مختلف را در ایران تهدید می‌کند، نبود ثبات در شرایط اقتصادی است. نوسانات دائم در قوانین ارزی و نوسان نرخ ارز یکی از مصادیق اصلی نبود ثبات اقتصادی در کشور است که عملاً اسکان برنامه‌ریزی را از مردم، صنعتگران، فعالان اقتصادی و... سلب می‌کند. البته میزان اثرگذاری این چالش برای صنایع مختلف متفاوت است. شرکت‌های بزرگ ناچارند حتی باوجود نوسانات ارزی، تولید خود را ادامه دهند. نبود دورنمای روشن از بهای مواد اولیه یا نرخ فروش محصول نهایی، نمی‌تواند به توقف تولید در این واحدها منتج شود، چراکه افت یا توقف تولید به‌منزله بیکار ماندن چندصد کارگر است که عملاً نشدنی است، اما همین نوسانات ارزی بهای مواد اولیه یا سایر تجهیزات موردنیاز تولید را افزایش می‌دهد. در

### رشد نرخ ارز به دنبال کمبود در بازار

به گفته بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران بازار، کمبود ارز یکی از دلایل رشد افسارگسیخته نرخ دلار است. با همین استدلال، هر از چندگاهی، سیاست‌گذاران با هدف کنترل بازار ارزی سعی دارند با رشد عرضه ارز، نرخ دلار را مهار کنند. در این شرایط دولت اقدام به اجرای دستورالعمل‌ها و برنامه‌هایی با هدف جمع‌آوری ارز می‌کند. به عنوان نمونه سال گذشته با با تغییر رئیس کل بانک مرکزی نرخ دلار نیمايي روی ۲۸۵۰۰ تومان تثبیت شد و دولت با هدف تامین ارز، صنایع معدنی را موظف به بازگرداندن ۱۰۰ درصد ارز از طریق سامانه نیما شد. دستورالعملی که با مخالفت‌های بسیاری همراه بود.

تولیدکنندگان و فعالان صنعتی نسبت به اجرای این طرح معترض بودند و آن را سیاستی ضدتولید می‌دانستند. به گفته این گروه، هر تولیدکننده‌ای بخشی از نیازهای خود را از طریق واردات تامین می‌کند، اما در بخشنامه موردبحث عملاً نیاز تولیدکنندگان به واردات نادیده انگاشته شد. در نهایت تولیدکنندگان برای تامین

### کسب‌وکارهای مختلف منتهی می‌شود.

علاوه بر این انتظار می‌رود قوانین متغییر، تفسیرپذیر و مقررته‌ای که عملاً شرایط تولید را تحت تاثیر منفی قرار داده‌اند نیز لغو شوند. در چنین شرایطی فضای تولید تسهیل خواهد شد.

### مشکلات ناشی از روابط بین‌المللی

بخش بزرگی از چالش‌های اقتصادی و نوسانات ارزی از مشکلات ایران با جوامع بین‌الملل نشأت می‌گیرد و تا زمانی که گشایشی در تعاملات میان ایران و سایر کشورها حاصل نشود، نمی‌توان به رفع این دست مشکلات امید داشت. ارز ابزاری برای تداوم تجارت و تولید است و در چنین شرایطی انتظار می‌رود فروش ارز به سایر بخش‌ها محدود شود تا تولید ادامه‌دار باشد. در واقع تعیین اولویت برای تخصیص ارز و مصرف آن اهمیت ویژه‌ای دارد. بی‌توجهی سیاست‌گذاران به چنین راهکارهایی عملاً به ضرر صنایع است. علاوه بر تمام موارد یادشده شاهدیم نرخ برخی محصولات که با تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی تولید می‌شوند هم عملاً به نرخ ارز گره زده می‌شود، در حالی که این سیاست اشتباه و غیرکارآمد است؛ بنابراین تجدیدنظر در آن ضروری به‌نظر می‌رسد. در همین حال انتظار می‌رود اگر در فرآیند تولید یک محصول، هزینه‌ها براساس دلار و همچنین قیمت‌های جهانی محاسبه می‌شود، این نرخ ارز در فرآیند فروش محصول نیز مورد توجه قرار گیرد. یک‌دست‌سازی این قوانین و مقررات در نهایت به رفع بسیاری از مشکلات حاکم بر تولید و اصلاح نظام اقتصادی منتهی خواهد شد.

و با هدف گذران روزمرگی، فعالیت صنایع را با چنین چالش‌های عمیقی روبه‌رو کنند.

### آسیب ناشی از کاهش ارزش پول ملی

با کاهش ارزش پول ملی، تامین نقدینگی صنایع برای خرید مواد اولیه یا سایر تجهیزات موردنیاز تولید، هر روز بیش از قبل دشوار می‌شود. در ادامه نبود دورنمای روشن از قیمت‌ها در سال آتی، عملاً امکان برنامه‌ریزی برای تولید یا سودآوری صنایع را غیرممکن می‌کند. هر پیش‌بینی از سودآوری می‌تواند تحت تاثیر نوسانات قیمتی قرار گیرد و لطماتی را به تولید تحمیل کند. نوسانات ارزی به‌منزله نبود دورنمای شفاف از انتظارات تورمی در اقتصاد است. در چنین بستری این نگرانی وجود که روند رو به رشد قیمت‌ها ادامه‌دار باشد؛ بنابراین امکان برنامه‌ریزی برای آینده وجود ندارد و صنایع با تکیه بر روزمرگی فعالیت می‌کنند.

بدون توجه به مشکلات اقتصادی کشور و ناتوانی از مدیریت آنها اخذ لطمات غیرقابل جبران را به تولید و تولیدکننده تحمیل می‌کند.

در نهایت اینکه تغییرات مداوم بهای دلار و روند محاسبه ارز در

بخش‌های مختلف تولید و صادرات به چالشی اساسی برای فعالان صنعتی و تولیدکنندگان بدل شده است. در چنین شرایطی فعالان صنعتی و اقتصادی حتی نمی‌توانند به وعده‌های مثبت مسئولان نیز دل خوش کنند، چراکه مشخص نیست این وعده‌ها تا چه زمانی اعتبار دارد و چه زمانی نوبت تغییر آنها می‌شود. این تغییرات مداوم مانع سودآوری حداکثری صنایع و رقابت‌پذیری آنها می‌شود و عملاً لطمات جدی را به تولید و تولیدکننده تحمیل می‌کند.

## سخن پایانی

چنین نوساناتی است. سیاست‌گذاری غیرعلمی و غیرکارشناسی دیگر چالشی است که عملاً امکان برنامه‌ریزی برای تولید را از صنعتگران سلب می‌کند. هر چند که برخی معتقدند با توجه به مشکلات اقتصادی موجود، نوسانات ارزی کنونی قابل توجیه است، اما نتیجه این نوسانات، روند توسعه عملکرد صنعتی را تحت تاثیر منفی قرار داده و بازنگری در این شرایط ضروری است.

آثار نوسان و روند تخصیص ارز دولتی را در اکوسیستم دانش‌بنیان بررسی کرد

# ارز چندنرخه، آفت اقتصاد دانش‌بنیان



عکس: مهر

اغلب شرکت‌های دانش‌بنیان، به‌ویژه آنهایی که تازه تاسیس هستند، با چالش‌های بسیاری اعم از بیمه و مالیات دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ چالش‌هایی که بخش عمده آنها مربوط به کمبود نقدینگی و نوسان نرخ ارز و روند تخصیص ارز دولتی در مسیر تامین مواد اولیه تا توسعه تولید است. در واقع بی‌ثباتی اقتصادی حاکم بر جامعه یکی از اصلی‌ترین مشکلات است که همه بخش‌های تولیدی به‌ویژه فعالان حوزه دانش‌بنیان با آن دست‌به‌گریبان هستند. کم‌وجهی به تولید و کم‌رنگ شدن و محدود کردن حمایت‌هایی که قرار بود از دانش‌بنیان‌ها شود، باعث شده بسیاری از فعالان این حوزه به‌ویژه آن شرکت‌هایی که به‌تازگی تاسیس شده‌اند، باوجود دانش و فن لازم برای تولید محصول از چرخه اقتصاد خارج شوند. به‌اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نوسان نرخ ارز و چندنرخه بودن آن آفت اکوسیستم دانش‌بنیان است. همچنین تخصیص ارز ترجیحی به برخی تولیدکنندگان که در اصل مونتاژکار هستند، باعث شده جیب دانش‌بنیان‌ها بیش از گذشته خالی و توان‌شان برای تولید کمتر شود.

این گزارش به نظر خواهی از فعالان دانش‌بنیان درباره نقش نوسانات ارز و چالش‌های ناشی از آن بر فضای کسب‌وکار این حوزه پرداخته و در ادامه تخصیص ارز دولتی به تولیدکنندگان را مورد نقد و بررسی قرار داد.

## نوسان ارز معضل اصلی اقتصاد نیست

چرخه اقتصاد قرار می‌گیرند؛ به این دلیل که نرخ تمام‌شده محصول دانش‌بنیان‌هایی که یک محصول را تولید می‌کنند با محصول آن واردکننده‌ای که سوبسید و ارز ترجیحی می‌گیرد، یکی نخواهد بود و این باعث می‌شود محصول دانش‌بنیان از دایره اقتصاد خارج شود. تکنرخی شدن ارز موجب پویایی اکوسیستم دانش‌بنیان می‌شود؛ در غیر این صورت روز به روز شاهد افول شرکت‌های دانش‌بنیان خواهیم بود.

### رقابت بر سر رانت است، نه تولید

این فعالان دانش‌بنیان با تاکید بر اهمیت عادلانه بودن تخصیص ارز به شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان گفت: نوسان ارز تقریباً در همه جای دنیا وجود دارد که میزان آن به تولید ناخالص کشورهای برمی‌گردد. اگر واردکنندگان و تولیدکنندگان تنها با یک نرخ به انجم مساملاتان بپردازند، عرصه رقابت عادلانه‌تر خواهد بود، اما در شرایط فعلی نرخ ترجیحی باعث ایجاد و افزایش رانت شده و شرکت‌ها به‌جای اینکه توان خود را صرف افزایش کیفیت کنند، صرف دست یافتن به رانت می‌کنند، چراکه اگر این کار را نکنند، محکوم به نابودی و خارج شدن از چرخه اقتصاد هستند. وی افزود: دانش‌بنیان‌ها هر قدر هم که توان فنی و دانش کافی برای تولید یک محصول را داشته باشند، نمی‌توانند با رانت‌بازی مقابله کنند، چراکه در بازار نمی‌توان با کالاهایی که از کانال رانت و ارز ترجیحی وارد شده، در بحث قیمت رقابت کرد. در کل به‌روری و ارزش افزوده‌ای که دانش‌بنیان‌ها دارند، حریف چندنرخه بودن ارز نمی‌شود، اما به‌گفته عسکری‌راد، با تخصیص ارز که عاید دانش‌بنیان‌ها هم نمی‌شود، تولید محصولات مونتاژشده نسبت به تولید محصولاتی که دانش‌بنیان‌ها مواد خام آن را تهیه می‌کنند و می‌خواهند از سفر تا صد تولید کنند، به‌صرفه‌تر است؛ زیرا مونتاژکاران محصولات مصرفی خود را با ارز ترجیحی تهیه می‌کنند و زمان و هزینه کمتری آن برای تولید یک محصول صرف می‌کنند، در حالی که دانش‌بنیان‌هایی که مواد اولیه

امیرحسین عسکری‌راد، فعال دانش‌بنیان در زمینه تولید تجهیزات پزشکی در گفت‌وگو با **سنت** با اشاره به تاثیر چندنرخه بودن ارز بر فضای تولید کشور گفت: نرخ ارز از تورم داخلی و جهانی تاثیر می‌پذیرد و به‌طور طبیعی متناسب با این مولفه‌ها تعیین می‌شود؛ در واقع نرخ ارز را بازار تعیین می‌کند. حال دولتی که نرخ بازار را قبول نکند، خودش نرخ را برای ارز تعیین می‌کند که این امر موجب چندنرخه شدن ارز در کشوری می‌شود و آسیب‌های جدی برای اقتصاد به‌دنبال دارد.

### به نام دانش‌بنیان به کام مونتاژ

وی افزود: تکنرخی شدن ارز برای تولید سودبخش‌تر از تخصیص ارز دولتی است، چراکه اصل رقابت در این شرایط چهره عادلانه‌تری به خود می‌گیرد. متأسفانه سال‌هاست درگیر ارز چندنرخه در کشور هستیم و نرخ ترجیحی و سوبسیدی موجب منتفع شدن برخی از واردکنندگان، نه دانش‌بنیان‌ها می‌شود. در واقع هر قدر هم تولیدکنندگان از دانش فنی برای تولید خود بهره بگیرند، برای تامین مواد اولیه باید ارز داشته باشند که طبیعتاً ارز آزاد نرخ آن را تعیین می‌کند و این در نرخ تمام‌شده تولید بسیار اثرگذار است. روی دیگر سکه این است که آن دسته از تولیدکنندگانی که مونتاژکار هستند، از تخصیص ارز دولتی منتفع می‌شوند، چراکه نه هزینه و نه زمان کافی برای تولید یک محصول را بسان دانش‌بنیان‌ها صرف کرده‌اند. هر قدر که یک تولیدکننده برای ساخت قطعات و تامین مواد اولیه به خارج وابسته باشد و ارز ترجیحی دریافت کند، نرخ تمام‌شده پایین‌تری خواهد داشت و در این شرایط صنایع مونتاژکار که پاران می‌گیرند، بیشتر تشویق به واردات می‌شوند تا تولید. عسکری‌راد شرایط فعلی ارزی کشور را عامل اصلی بروز رفت بسیاری از دانش‌بنیان‌ها از چرخه اقتصادی دانست و گفت: روند فعلی در صنعت بهداشت و درمان و کالاهای مصرفی بسیار مشکل‌ساز خواهد بود و اغلب تولیدات داخلی که از اکوسیستم دانش‌بنیان بیرون آمده، خارج از

علیرضا عطاری، از دیگر فعالان اکوسیستم دانش‌بنیان در گفت‌وگو با **سنت** گفت: نوسانات نرخ دلار در بیشتر موارد موجب شکست شرکت‌های دانش‌بنیان در مناقصه‌ها می‌شود و این شرکت‌ها در اغلب پروژه‌های اقتصادی ضرر می‌کنند.

همچنین نوسان نرخ ارز در بحث واردات ضررهای مالی بسیاری را به شرکت‌ها وارد کرده، زیرا در اغلب موارد مابه‌التفاوت نرخ حاصل از افزایش نرخ دلار، از جیب دانش‌بنیان‌ها پرداخت می‌شود. یک شرکت دانش‌بنیان هر قدر برای کسب سود و بهره اقتصادی از کانال تولیدات فناورانه تلاش کند، با این وضعیت نوسانات ارز و تخصیص ارزهای ترجیحی موفق نخواهد شد.

### تخصیصی که رانت به‌دنبال دارد

وی با اشاره به رانت‌خواری برخی از شرکت‌های بزرگ تولیدی که تنها نام دانش‌بنیان را یدک می‌کشند، گفت: متأسفانه بعد از نوسان شدید ارزی در چند سال اخیر هیچ‌گاه شاهد تکنرخی شدن ارز نبوده‌ایم و این امر موجب افزایش رانت در نظام اقتصادی کشور شده است؛ به‌عبارت‌روشن‌تر تخصیص ارز ترجیحی که موجب چندنرخه شدن آن شده، شرایط را برای رانت‌خواری به‌ویژه آن دسته از شرکت‌های

در ادامه، سراسر یکی دیگر از فعالان اکوسیستم دانش‌بنیان در زمینه فناوری اطلاعات رفتم. سید محسن سیدصالحی، رئیس یک شرکت دانش‌بنیان در گفت‌وگو با **سنت** با اشاره به تاثیر نوسانات ارزی بر کاهش سرمایه انسانی شرکت‌های فعال در زمینه فناوری اطلاعات گفت: در حوزه فناوری اطلاعات باتوجه به اینکه امکان مهاجرت فعالان به کشورهای دیگر بالا است، نوسان نرخ ارز باعث شده پیشنهادهای خارجی‌ها برای نیروی انسانی فعال در داخل جذاب‌تر از قبل باشد و آنها هر روز درآمد ریالی خود را که روزبه‌روز کم‌ارزش‌تر هم می‌شود، با آن درآمدی که می‌توانند در کشورهای مقصد داشته باشند، مقایسه کنند.

وی افزود: از آنجایی که درصد هزینه تمام‌شده برای نیروی انسانی در حوزه فناوری اطلاعات بالا است، نوسانات ارزی بیش از هر موردی روی این مولفه اثر می‌گذارد؛ بنابراین بی‌ثباتی اقتصادی باعث می‌شود شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در زمینه فناوری اطلاعات، بیشتر نیروهای خود را به‌دلیل مهاجرت از دست بدهند، این در حالی است که نیروی انسانی پیشران اصلی تولید در این شرکت‌ها است و نوسان نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصادی به قیمت از دست دادن این نیروها تمام می‌شود.

می‌خرند، هم زمان و هم هزینه بیشتری را برای تولید یک محصول صرف می‌کنند، اما در نهایت محصولات مونتاژی در بازار فروش بیشتری خواهد داشت.

### دولت طرفدار واردات است

وی شرایط فعلی تخصیص ارز به تولیدکنندگان را دلیل اصلی رشد رانت در کشور دانست و در این باره گفت: یک تولیدکننده ۸۰ درصد اقلام موردنیاز خود را از خارج تهیه می‌کند و برای آن ارز ترجیحی هم می‌گیرد، اما دانش‌بنیانی که بیشتر اقلام موردنیازش را خودش تهیه می‌کند و شاید ۳۰ درصد را وارد کند، سود کمتری نسبت به آن تولیدکننده می‌کند؛ بنابراین چندنرخه بودن ارز و تخصیص ارز ترجیحی، موجب تشویق شرکت‌ها به وابسته بودن می‌شود. در واقع دولت با این اقدام بیشتر موافق واردات است تا تولید.

### ارز ترجیحی حذف شود

عسکری‌راد با اشاره به ضرورت حذف ارز ترجیحی گفت: حذف ارز ترجیحی شاید در ظاهر یک اتفاق منفی تلقی شود و حتی برخی از دانش‌بنیان‌ها از این شرایط ناراضی شوند، اما در واقع ضرری برای شرکت‌های دانش‌بنیان ندارد، زیرا دانش‌بنیانی که تنها ۳۰ درصد اقلام موردنیاز خود را با ارز ترجیحی از خارج وارد می‌کند، فقط درصدی می‌توانند آن تمام‌شده محصول خود را پایین بیاورند، اما آن تولیدکننده‌ای که ۸۰ درصد اقلام خود را از خارج تهیه می‌کند با دریافت ارز ترجیحی عملاً گوی رقابت را از دانش‌بنیان‌ها می‌رباید و اجازه فعالیت به دانش‌بنیان‌ها در بازار داده نمی‌شود. به‌گفته وی، با ادامه این نوسانات و چندنرخه بودن ارز در نهایت این دانش‌بنیان‌ها هستند که بیش از هر فعال اقتصادی ضرر می‌کنند و رو به نابودی و متلاشی شدن می‌روند.

## نوسان ارز و شکست در مناقصه‌ها

دانش‌بنیانی که فقط نام دانش‌بنیان را یدک می‌کشند، به‌گفته این فعال دانش‌بنیان، برخی شرکت‌ها که از عنوان «دانش‌بنیان» بهره می‌برند، هیچ نشانه‌ای از دانش‌بنیان بودن ندارند و تنها مونتاژکاران حرفه‌ای هستند که در این اکوسیستم و به نام دانش‌بنیان فعالیت می‌کنند.

عطاری گفت: در کل با شرایط فعلی نوسان ارز و روند تخصیص آن به شرکت‌هایی که اغلب مونتاژکار و در ظاهر تولیدی هستند، نمی‌توان اتفاق خوشایندی را برای حوزه اقتصاد متصور بود، چراکه اختصاص یک مزیت به گروهی خاص، نظیر تخصیص ارز ترجیحی تنها آورده‌ای که دارد، ایجاد رانت است و شرکت‌های دانش‌بنیان واقعی نمی‌توانند به فعالیت تولیدی به‌معنای واقعی بپردازند؛ زیرا فضای رانتی منجر به خروج تولیدکنندگان واقعی از چرخه اقتصاد می‌شود.

وی با تشریح اهمیت اقتصاد آزاد در رشد و توسعه اکوسیستم نوآوری گفت: راهی جز ایجاد اقتصاد آزاد برای رهایی از مشکلات فعلی نیست. اقتصاد آزاد اقتصادی است که در آن مالیات به‌درستی پرداخت شود و نرخ انرژی و گاز واقعی باشد و درآمد‌ها هم

## نوسان نرخ ارز تب مهاجرت را بیشتر می‌کند

### اخلال در تامین تجهیزات شبکه

وی گفت: نوسان نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصادی بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات یا تولیدات دارویی را نیز در تهیه و تامین نهاده، با مشکلات جدی مواجه می‌کند؛ کما اینکه همین حالا نیز دانش‌بنیان‌های فعال در این حوزه‌ها با مشکل روبرو هستند. مشابه چنین روندی در شرکت‌های فناوری اطلاعات نیز وجود دارد. وی افزود: در شرکت‌های فناوری اطلاعات، تامین تجهیزات جزو ملزومات کار است. این در حالی است که نوسان نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصادی بسیاری از این تجهیزات را در بازار ناموجود کرده و در نتیجه این شرکت‌ها برای انجام تعهدات، با مشکلات

## سخن پایانی

به‌گفته بسیاری از کارشناسان در ماه‌های اخیر متأسفانه نوسانات ارزی باعث شده ما به یکباره با افزایش چندبرابری نرخ تجهیزات و مواد اولیه مواجه شویم. این موضوع برای شرکت‌های دانش‌بنیانی که در ابتدای راه هستند و نوپا محسوب می‌شوند تقریباً چندین برابر مشکل‌سازتر از

براساس این نرخ‌ها، تعیین شود و با آن همخوانی داشته باشد. نرخ شاخص‌های اقتصادی ما باید همسو با نرخ‌های جهانی پیش برود؛ چه درآمد مردم و چه هزینه‌های آنها؛ نه آنکه یک‌سویه باشد، یعنی فقط هزینه‌ها مطابق نرخ جهانی افزایش یابد، اما درآمد به همان روال سابق عاید مردم شود.

به‌گفته عطاری واردات آزاد یکی از نشانه‌های اقتصاد آزاد است، این در حالی است که در ایران محصولات خریداری‌شده حتی چندین سال پشت درهای گمرک می‌ماند. وی افزود: باتوجه به شرایط یادشده فعالیت دانش‌بنیانی در کشور تقریباً جزو محالات است، زیرا اکوسیستم نوآوری و دانش‌بنیان تنها در اقتصاد آزاد می‌تواند شکوفا شود.

عطاری تاکید کرد: علاوه بر موارد یادشده، تاووم نوسانات فعلی و تخصیص‌های بی‌حساب و کتاب دولت، ممکن است فعالیت اقتصادی پویا در کشور با مشکلاتی مواجه شده و حتی ناممکن شود.



جدی مواجه می‌شوند. به‌گفته سیدصالحی، برای ارائه برخی خدمات نرم‌افزاری، نیازمند خرید ملزوماتی هستیم که باید پرداخت ارز داشته باشیم. از طرفی هم، اگر بخواهیم با واسطه‌ای کار را انجام دهیم، تاثیر غیرمستقیمی در نرخ تمام‌شده کالا و خدمات خواهد داشت. در کل، یک شرکت دانش‌بنیان فعال در فناوری اطلاعات ملزم به ارائه تعهدات بسیاری است که در هر مرحله آن نوسانات ارزی و بالا و پایین شدن قیمت‌ها خود را نشان می‌دهد.

شرکت‌های دانش‌بنیان بزرگ است. نوسانات ارزی اخیر موجب شده دستگاه‌ها و تجهیزاتی که تا پیش از این نرخ ثابتی داشتند اکنون افزایش نرخ بیش از ۳ برابری پیدا کنند و این مسئله بار مالی زیادی را به شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا تحمیل کرده است.

## تولید، توجیه اقتصادی ندارد



امین شجاع بیگلرود  
فعال دانش‌بنیان در زمینه ماشین‌آلات و تجهیزات پست‌رشته

در دنیای درهم‌تنیده امروز، یک واحد تولیدی نمی‌تواند صفر تا صد تولید یک محصول را به‌عهده بگیرد، حال می‌خواهد در اکوسیستم دانش‌بنیان فعالیت کند یا خارج از این اکوسیستم به فعالیت بپردازد. بنابراین، واضح است که بی‌ثباتی اقتصادی و نوسانات نرخ ارز، تاثیر جدی بر فعالیت دانش‌بنیان‌ها به‌ویژه در حوزه ماشین‌آلات می‌گذارد. از آنجایی که با افزایش نرخ دلار، هزینه‌ها در بخش‌های گوناگون تولید افزایش پیدا می‌کند، به‌طور قطع دانش‌بنیان‌ها نیز برای تولید کالاهای خود باید هزینه‌های بیشتری صرف کنند که در بسیاری از موارد این تولیدات توجیه اقتصادی هم ندارد. در شرایطی که نرخ کالایی متناسب با نرخ روزانه دلار تعیین می‌شود، تثبیت قیمت‌ها به چند ماه زمان نیاز دارد. در این فرآیند، بی‌ثباتی اقتصادی در عمل خریده‌ها و سفارش‌های قبلی را با ضرر همراه می‌کند و به نوبه خود از توجیه اقتصادی فعالیت در اکوسیستم دانش‌بنیانی می‌کاهد. در شرایط فعلی که تاریخ اعتبار خریده‌ها یک‌روزه است، اگر تولیدکننده موفق به خرید مواد اولیه شود، در بسیاری از موارد، نرخ این مواد به‌دو برابر هم می‌رسد. در کل دانش‌بنیان‌هایی که در زمینه ماشین‌آلات فعالیت می‌کنند برای خرید نیاده‌ها و مواد اولیه تولید با معضل جدی کمبود مواجه هستند. از آنجایی که دانش‌بنیان‌ها در زنجیره تولید قرار دارند، اخلال در هر بخشی از این زنجیره، قطعاً به فعالیت و تولیدات نهایی آنها، آسیب جدی وارد می‌کند. از سویی هم با بالا رفتن نرخ ارز، دیگر تولید برای دانش‌بنیان‌ها توجیه اقتصادی ندارد و بیشتر آنها به ناچار در سکون به‌سر می‌برند. حال اگر با یک نگرش تک‌بعدی به وضعیت کنونی دانش‌بنیان‌ها بنگریم، نظر برخی مسئولان درباره تاثیر نرخ ارز بر فعالیت دانش‌بنیان‌ها درست است؛ اینکه با افزایش نرخ ارز، نرخ مواد اولیه وارداتی و در نهایت قیمت تمام‌شده کالاها افزایش می‌یابد، امری واضح است. این روند، شرایط را برای دانش‌بنیان‌هایی که محصولات را تولید می‌کنند، هموار خواهد کرد و دست‌شان را در رقابت با تر خواهد گذاشت، اما واقعیت حول سناریو دیگری می‌چرخد. بنابراین تحلیل یک‌جانبه درباره تاثیر نرخ ارز بر دانش‌بنیان‌ها صحت ندارد، چراکه باید فعالیت دانش‌بنیان‌ها را اکوسیستمی دید و عملکرد آنها را در یک زنجیره در نظر گرفت.

نرخ ارز همواره یک نقطه ایتیمم دارد. فرض کنید نرخ دلار هزار تومان است، در این شرایط تولید توجیه اقتصادی مطلوبی ندارد، چراکه تولیدکننده داخلی افزون بر هزینه‌های تولید، باید هزینه‌های تحقیق و توسعه و حقوق و مزایا را نیز بپردازد. در این شرایط برای تولیدکننده داخلی امکان رقابت با کالاهای وارداتی وجود ندارد؛ بنابراین این رویکرد منجر به ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت دانش‌بنیان نمی‌شود. در واقع این نوع ایتیممی در تولید به‌دلیل نبود قابلیت کافی نیست، بلکه نشات گرفته از نرخ دلار است؛ یعنی نرخ دلار به‌قدری پایین است که اصلاً توجیه اقتصادی برای تولید باقی نمی‌ماند، چراکه کالا با همان کیفیت، بلکه بالاتر و با قیمتی مناسب‌تر وارد می‌شود. نظیر چنین روندی را در برخی کشورهای حوزه خلیج‌فارس که ارزش پول‌شان از دلار بیشتر است، می‌توان دید. در این شرایط، دلار باید به نقطه ایتیمم برسد، یعنی روند واردات و صادرات به‌گونه‌ای باشد که با کسب منافع ملی بینجامد. به‌عبارت‌نرخ دلار باید به سطحی برسد که تولید داخل به‌صرفه‌تر باشد تا هم چرخ صنعت بگردد و هم اقتصاد پویاتر شود. به‌اعتقاد من، افزایش نرخ دلار تاثیر زیادی بر فعالیت دانش‌بنیان‌ها دارد. در شرایط فعلی بسیاری از دانش‌بنیان‌ها در یخ‌زدگی اقتصاد به‌سر می‌برند و توان قیمت‌گذاری و ادامه فعالیت ندارند. به نظر بسیاری از فعالان حوزه دانش‌بنیان به‌ویژه واحدهایی که مواد اولیه خود را وارد می‌کنند، تخصیص ارز دولتی هم به کار دانش‌بنیان‌ها نیامد. دانش‌بنیان‌ها برای تولید محصولات خود ناچار به واردات مواد اولیه هستند و طبیعی است که خریدهای خارجی باید با ارز انجام شود و از آنجایی که ارز دولتی به بسیاری از تولیدکنندگان محصولات دانش‌بنیان اختصاص پیدا نمی‌کند؛ بنابراین به ناچار باید مواد و تجهیزات موردنیاز خود را با ارز غیردولتی وارد کنند. این مسئله علاوه بر اینکه هزینه‌های هنگفتی دارد، نرخ تمام‌شده محصول را نیز افزایش خواهد داد؛ در نتیجه دانش‌بنیان‌ها با باید نرخ را بالا ببرند که اجازه افزایش نرخ را ندارند یا باید ضرر زیادی را متحمل شوند. با تخصیص نیافتن ارز مناسب، شرکت‌های دانش‌بنیان ضرر می‌کنند و ورشکسته خواهند شد.

تداوم نوسانات فعلی و تخصیص‌های بی‌حساب و کتاب دولت فعالیت اقتصادی پویا را در کشور ناممکن می‌سازد

## تسهیل تامین مالی دانش‌بنیان‌ها

رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری با بیان اینکه این صندوق به عنوان نهاد تخصصی تامین مالی فناوری آمادگی کامل دارد تا در کنار همه نهادهای علاقه‌مند به حوزه فناوری قرار گیرد، گفت: تمام تلاش ما در این دوره تسهیل دسترسی شرکت‌های دانش‌بنیان به منابع مالی است. به گزارش ایرنا، رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری با بیان اینکه امروز این صندوق پارکگاه افراد و سازمان‌هایی است که علیرغم دغدغه‌های بخشی، دغدغه ملی توسعه فناوری را نیز دارند، گفت: از آغاز دهه ۸۰، موضوع اقتصاد دانایی‌محور در برنامه چهارم توسعه مطرح شد. محمداصداق خیابانیا افزود: در آن دوره کمتر کسی باور داشت که کشور در این زمینه ظرفیت‌هایی دارد. سابقه کشور تا آن زمان، جهت‌گیری به سمت اقتصاد منبع‌محور را ممکن کرده بود. در واقع در کشور روحیه وابستگی به نفت وجود داشت و کمتر شاهد بودیم که نگاه خلاقانه، توسعه فناوری و استفاده از سرمایه انسانی در صنایع کشور مورد استفاده قرار گیرد.

وی همچنین با بیان اینکه پس از انقلاب و دوران دفاع مقدس نیز نخستین جهت‌گیری در فضای آموزش این بود که کشور، توسعه آموزش تکمیلی را با اتکای بر توان خود به ثمر رساند، خاطر نشان کرد: تربیت نیروی انسانی نخستین اتفاق بود که افتاد و نیازهای پژوهشی و تامین زیرساخت‌ها را ممکن کرد.

با ادامه نوسانات و ارز چندنرخه در نهایت این دانش‌بنیان‌ها هستند که بیش از هر فعال اقتصادی ضرر می‌کنند

تداوم نوسانات فعلی و تخصیص‌های بی‌حساب و کتاب دولت فعالیت اقتصادی پویا را در کشور ناممکن می‌سازد

نوسان نرخ ارز باعث شده پیشنهادهای خارجی‌ها برای نیروی انسانی جذاب‌تر از قبل باشد

کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با صداقت تاکید کرد

# ثبات ارزی، نیازمند اجرای سیاست منسجم پولی و مالی



**استفاده از ابزار صادرات برای کنترل نرخ ارز**

مهندس نافر دبیر کل کنفدراسیون صادرات غیرنفتی ایران

با وجود فشارهای بین‌المللی ناشی از تحریم، درآمدهای صادراتی باید نیازهای ارزی کشور را برطرف کنند و با تکیه بر این درآمدها، فعالیت‌های تجاری کشور مدیریت شوند. بنابراین، توسعه صادرات به‌ویژه صادرات غیرنفتی، شریان حیاتی اقتصاد کشور است و باید در شرایط تحریمی، بهترین تصمیم‌گیری را در رابطه با صادرات و واردات داشته باشیم، اما اگر به قوانینی که طی چند سال اخیر در حوزه تجارت کشور، چه واردات و چه صادرات وضع شده، نگاهی بیندازیم، خواهیم دید رویکرد دولت‌ها به این مسئله، تخصصی نبوده است. برای اثبات این ادعا به نمونه‌هایی از تصمیمات نادرست تجاری اشاره می‌شود. دولت قبلی با هدف کاهش ارزش برای واردات، محدودیت واردات کالاها را بیشتر کرد و دولت فعلی نیز این چارچوب‌ها را نگه داشت و در برخی موارد اعمال محدودیت‌های صادراتی تشدید هم شد. در حالی که تمام کالای دارای ممنوعیت وارداتی، به‌وفور در بازار یافت می‌شوند و قیمت‌های بسیاری بالایی دارند. به همین دلیل نیز طی چند سال اخیر میزان قاچاق در کشور، بین ۱۰ تا ۲۲ میلیارد دلار برآورد شده است.

این ارقام نشان‌دهنده مخرب بودن وضع ممنوعیت‌های وارداتی است. به ظاهر ممنوعیت‌های وارداتی به‌منظور کاهش نرخ ارز در بازار آزاد و حفاظت از معیشت مردم وضع می‌شوند اما عملاً این روش نه تنها تساهل در اقتصاد ایران جویگو نبوده بلکه براساس شواهد معیشت را به شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. با این حال، همچنان دولت به افزایش محدودیت‌های وارداتی به بهانه کاهش ارزش تجارت خارجی ایران تاکید دارد. یکی دیگر از طرح‌های نامناسب دولت که اواخر سال گذشته راه‌اندازی شد، ایجاد سامانه ناخدا و مرکز مبادله ارز و طلا است. سامانه جدید ناخدا از ابتدای آغاز به کار، چالش‌های زیادی را به فعالان اقتصادی و مردم تحمیل کرد. نخستین معامله در این سامانه، با نرخ دلار ۴۱ هزار تومان ثبت شد و در ادامه، این رقم رشد صعودی داشت. نه تنها نرخ معاملات در سامانه ناخدا، بلکه نرخ ارز بازار آزاد نیز به‌طورسراسر آوری افزایش یافت و شرایط از کنترل خارج شد. مسئله بازگشت ارزهای صادراتی برخی گروه‌های کالایی در سامانه ناخدا از دیگر مشکلات این سامانه است. بسیاری از تجار معتقدند، اصرار و اجبار دولت برای بازگشت ارزهای صادراتی به سامانه نمارا می‌توان سنگین‌تر از سایر چالش‌های زنجیره صادرات باشد. همچنین در حال حاضر، کالاهای با ارزش افزوده بالا در کشور تولید شده که در صورت صادرات آنها، به دستاوردهای مهمی دست می‌یابیم، اما تولیدکنندگان و صادرکنندگان، قادر به تهیه مواد اولیه این کالاها نیستند، چرا که سرعت افزایش نرخ موله اولیه در تولید، بسیار بیشتر از رشد نرخ دلار است و در نهایت، صادرکنندگان نمی‌توانند کالاها را برای صادرات تولید کنند. با وجود مشکلات تامین اعتبار تولید، دولت اصرار دارد ارزهای حاصل از صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، در سامانه نمارا و با قیمتی پایین‌تر از نرخ ارز بازار آزاد فروخته شوند. این مسئله باعث تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی و بنگاه‌های تجاری و صادراتی شده و خواهد شد. هر چند که این مشکلات مالی، برای تمام واحدهای تولیدی و صادراتی وجود ندارد و تنها واحدهای خود و متوسط با این چالش‌ها درگیر هستند. تفاوت ارزآوری کالاهای صادراتی نیز از دیگر مواردی است که باید مدنظر باشد. براساس آمار ۷۵ درصد درآمد ارزی کشور، از صادرات مواد معدنی، فولاد، محصولات پتروشیمی و میعانات گازی به‌دست می‌آید. این بخش‌ها به‌هیچ‌وجه نیاز به دریافت مشوق‌های صادراتی ندارند، چرا که همواره مواد اولیه تولیدات خود را با نرخ ارز نیمایی تهیه می‌کنند و از حمایت‌های مختلف دولت در روندهای مختلف تولیدات خود، به‌عرضه بهره‌مند هستند. در حالی که تولیدات این گروه‌های کالایی باید ارزهای صادراتی خود را در مرکز تبادل ارز و طلا عرضه کنند که در اصل حمایتی ناهم‌جا از فعالان این عرضه است. در شرایطی که تولیدکنندگان و صنعتگران حوزه پتروشیمی و صنایع معدنی، مواد اولیه تولیدات خود را از نیمایی تهیه می‌کنند و در روند تولید از سویسدهای دولتی بهره‌مند هستند، دلیلی ندارد وارد بازار کنند. حوزه پتروشیمی و صنایع معدنی، جزو صنایع مادر محسوب می‌شوند و تولیدات آنها می‌توانند به‌عنوان ماده اولیه سایر صنایع نیز تلقی شوند. زمانی که ارز صادراتی این حوزه‌ها با نرخ بالاتر از نیماء وارد بازار شود، نرخ آنها در بازار داخلی و در نهایت، بهای مستقیم تمام تولیدات افزایش خواهد یافت. این مسئله اتفاق مهم در اقتصاد آسیب‌دیده فعلی است که دولت به آن بی‌توجه است. با توجه به اهمیت صادرات برای بروز تعادل اقتصادی، باید راهکارهایی برای افزایش ارزآوری از این محل اجرا شوند. به عنوان نمونه معافیت صادرکنندگان خود از پیمان‌سازی یکی از این راه‌کارهاست. همان‌گونه که صادرکنندگان کالایی مواد معدنی و صنایع پتروشیمی باید ارزهای صادراتی خود را با نرخ نیماء برگرداند، کالاهای حوزه صادرات غیرنفتی که بیشتر تولیدات صنایع کوچک و متوسط را شامل می‌شوند و همین‌طور، کالاهایی مانند محصولات کشاورزی و صنایع دستی که بیشتر توسط تولیدکنندگان خود صادر می‌شوند، باید از پیمان‌سازی ارزی معاف شوند تا بتوانند صادرات خود را توسعه دهند. با این کار تراز تجاری و اقتصاد مثبت می‌شود و در نهایت، نرخ ارز مدیریت خواهد شد.

امیرعباس آذرموند  
editor@smtnews.ir

استاندار پیشین گیلان در رابطه با چرایی افزایش نرخ ارز با وجود افزایش فروش نفت در ۲ سال گذشته می‌گوید: «شهریور ۱۴۰۰ با روی کار آمدن دولت فعلی، مجموع نقدینگی ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بود و روند رو به رشد نقدینگی در ۲ سال ادامه داشت، به‌نحوی که مجموع نقدینگی کشور در کمتر از ۲ سال سکنداری دولت سیزدهم به ۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است که از رشد ۶۰ درصدی نقدینگی، تنها در ۲ سال خبر می‌دهد.»

هادی حق‌شناس، عضو هیات علمی دانشگاه و نماینده پیشین مجلس در رابطه با روند دائمی تضعیف ارزش ریال تاکید می‌کند: «مهم‌ترین عاملی که سبب شده اقتصاد ایران در سال‌های گذشته همواره با تضعیف ارزش پول ملی خود مواجه شود، بالاتر بودن نرخ تورم در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و به‌ویژه شرکای تجاری کشورمان است. در حالی که گفته می‌شود میانگین نرخ تورم در جهان، امروز کمتر از ۵ درصد است، میانگین تورم بلندمدت در ایران سالانه ۲۰ درصد بوده؛ بگذریم از اینکه در چند سال اخیر همواره نرخ تورم کشور بیش از ۴۰ درصد بوده است.»

آنچه در ادامه می‌آید مشروح گفت‌وگوی صداقت با این کارشناس اقتصاد است.

## همواره در میان کارشناسان در زمینه رابطه میان نرخ ارز و تورم بحث بوده است. رابطه میان این ۲ متغیر کلان را چطور تبیین می‌کنید؟

واقعیت این است که میان نرخ ارز و تورم رابطه‌ای معنادار و جدی وجود دارد و در این‌باره نباید به‌هیچ‌عنوان تردیدی وجود داشته باشد. نرخ ارز اگر گران شود، به‌معنای تضعیف قدرت پول ملی است که خود به خود بر میزان نقدینگی موجود در کشور اثر خواهد داشت. به‌طورمثال، وقتی دلار گران می‌شود، از قدرت خرید، معادل دلار کل نقدینگی کشور کاسته می‌شود که این امر هم می‌تواند بر شدت افزایش نقدینگی تأثیر مستقیمی داشته باشد.

رابطه میان نرخ ارز و نرخ رشد نقدینگی با میزان نرخ تورم نشان داده می‌شود. یعنی نرخ تورم به در اصل بیانگر تغییر قیمتی یک رشته کالا یا خدمات در مقایسه با مدتی مشابه در گذشته است، آن‌گاه اثر نرخ بازار ارز بر تمام بازارها قابل‌کتمان نیست. باید توجه داشته باشیم که تعیین نرخ ارز با نرخ تورم محاسبه‌شده کشورها رابطه تنگاتنگی دارد. به‌طورمثال، گفته می‌شود در یک شرایط نرمال و در شرایطی که تنش‌های نظامی یا سیاسی بر اداره امور سایه نینداخته است، نرخ ارز از مابه‌التفاوت نرخ تورم یک کشور با شرکای اصلی تجاری و اقتصادی به دست می‌آید. به این ترتیب هرچه میزان نرخ تورم بیشتر شود، وضعیت نرخ ارز هم تغییر می‌کند.

## آیا می‌توانیم دلیل تضعیف چشمگیر ارزش ریال در سال‌های پس از جمهوری اسلامی را به بالا بودن میانگین تورم ایران مرتبط بدانیم؟

دقیقاً همین است. مهم‌ترین عاملی که سبب شده کشور ما در سال‌های گذشته همواره با تضعیف ارزش پول ملی مواجه شود، بالاتر بودن نرخ تورم در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و به‌ویژه شرکای تجاری کشورمان است. در حالی که گفته می‌شود، میانگین نرخ تورم در جهان امروز کمتر از ۵ درصد است، میانگین تورم بلندمدت در ایران سالانه ۲۰ درصد بوده؛ بگذریم از اینکه در چند سال اخیر همواره نرخ تورم کشور بیش از ۴۰ درصد بوده است. اینکه دائم در ایران نرخ کالاها و خدمات افزایش پیدا می‌کند، بهترین توضیح برای این است که چگونه نرخ هر دلار آمریکا که روزی کمتر از ۱۰ تومان بود، امروز به بیش از ۵۰ هزار تومان رسیده است و اگر مدیریت اصولی وجود نداشته باشد، ممکن است این روند ادامه یابد.

همان‌طوری که در سوال پیش توضیح دادم، میان ۳ متغیر کلان نرخ ارز، تورم و نقدینگی یک رابطه منطقی و علت و معلولی حاکم است که همواره این ۳ بر هم اثراتی مشخص و غیرقابل‌کتمان دارند. در این میان، البته اگر از سرعت گردش پول در کشوری کم شود یا نسبت تسهیلاتی که به مردم پرداخت می‌شود، نسبت به سپرده‌های بانکی روند کاهش در پیش بگیرد یا دولت سیاست‌های انقباضی را در پیش بگیرد که به تنظیم بودجه‌ای انقباضی و در نهایت افزایش رکود در فضای اقتصادی منجر می‌شود، باز هم نرخ ارز می‌تواند از این شرایط متأثر و آثار آن هم در بازار مشاهده شود.

## پس از چشش‌هایی که در سال گذشته، بازار ارز با آن مواجه بوده، مدتی است شرایط آرام‌تر شده است. آیا می‌توان ادعا کرد امروز وضعیت بازار ارز آرام و باثبات است؟

گاهی دیده می‌شود که برخی دولتمردان چنین نظراتی دارند که به‌گمان من، جای تعجب دارد. نمی‌توانم کتمان کنم که نسبت به وضعیت سال گذشته، امروز بازار ارز ایران، روزهای کم‌تلاطم‌تری را سپری می‌کند، اما با توجه به اینکه در حال حاضر نرخ هر دلار آمریکا در تهران به حدود ۵۰ هزار تومان می‌رسد؛ چنین رقمی بیانگر هر چه چیزی می‌تواند باشد، جز اینکه بازار ارز روزهای باثبات و پایدار را می‌گذراند.

نیاید فراموش کنیم که اگر همین امروز وضعیت اقتصاد کشور نرمال شود، یعنی موانعی چون تحریم‌ها حذف شوند و ایران بتواند به توافقی با کشورهای غربی برسد که روند تجاری کشور را مانند امروز دچار اختلال نکنند، بازار ارز ایران ظرفیت این را دارد که به‌سرعت دلار را ارزان کند. این امر نشان می‌دهد که امروز نرخ دلار در بازار آزاد با واقعیات همخوانی ندارد و نرخ حقیقی ارز کمتر از نرخ واقعی آن است.

## وضعیت بازار ارز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به‌نظر من، بازار به‌هیچ‌وجه وضعیت مناسبی ندارد و در حال حاضر همه‌چیز مستکوت مانده است. نرخ فعلی دلار می‌تواند

تغییرات زیادی داشته باشد. همان‌طوری که در سوال قبلی هم گفتیم، تنها کافی است وضعیت کشور به روزهای نرمال و عادی خود بازگردد تا به‌سرعت دلار و یورو در بازارها ارزان شوند. با این حال، هنوز به این وضعیت نرسیده‌ایم. اکنون بازار در یک وضعیت بیم و امید و حتی شک و تردید قرار دارد. اخبار ضدونقیض فراوانی منتشر شده که گاه به حفظ وضعیت بازار و گاه به کاهش نرخ ارزها اشاره شده است. گاهی در این روزها از احتمال توافق صحبت شده و گاه گفته‌اند تفاهمی غیرمکتوب آماده شده که به توافق دوطرف هم رسیده است. گاه از مذاکراتی در کشورهای همسایه صحبت می‌کنند و گاهی از استمرار مذاکرات در وین. جدای از اخبار مذاکرات، آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده ایران هم جزوی از اخبار غیررسمی است که به‌طور روزمره در کشور شنیده می‌شود.

این دست از اخبار شاید برای یکی دو روز اثری باثبات‌کننده بر بازار داشته باشد، اما هرگز نباید این‌گونه تصور کنیم که این رویه در میان مدت می‌تواند اثراتی مشابه داشته باشد. هر چیزی که منکسر می‌شود، پس از مدتی تکذیب می‌شود یا معلوم می‌شود که مسئله آن‌طوری که بیان شده نبوده است. این موارد تنها بر نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور اضافه می‌کند و مشکلات را دامن می‌زند. به هر روی، بازار ارز کشور، امروز منظر سیگنال‌های جدیدی است. اگر مشخص شود که مذاکرات به‌نتیجه می‌رسند و به‌زودی شرایط اقتصادی ایران هم مانند گذشته نرمال می‌شود، قیمت‌ها در بازار تعدیل خواهند شد و به‌اصطلاح نرخ ارزها مختلف ریزشی می‌شوند. چنانچه مشخص شود که مذاکرات میان طرفین نتیجه مهمی در پی نخواهد داشت و به‌اصطلاح وضعیت تحریم کشور در ادامه هم پابرجاست، حتماً بازار با شوک گرانی مواجه شده و نرخ دلار رکوردشکنی‌های دوباره‌ای خواهد داشت.

## این روزها از گشایش‌هایی در فروش نفت کشور و بهبود وضعیت اقتصادی صحبت می‌شود، با این حال برخی صاحبان سرمایه می‌گویند همچنان در تأمین مالی بنگاه‌ها یا دریافت تسهیلات ارزی دچار مشکل هستند. چطور این دو همزمان می‌شوند؟

واقعیت این است که با وجود تمام گشایش‌هایی که از آن یاد می‌شود، حتی در صورت وقوع نیز باز هم مشکل اقتصاد ایران حل نخواهد شد. در شرایط فعلی، مشکل این است که دقیقاً نمی‌توانیم بگوییم کدام گشایش‌ها واقعا رخ داده است، اما اگر تصور کنیم ایران روزانه ۱۶ میلیون بشکه نفت می‌فروشد، باز هم این رقم برای اقتصادی با ابعاد اقتصاد کشور ما عدد قابل توجه و گروه‌گشایی نیست. اقتصاد ایران به‌فروش روزانه ۲.۵ میلیون بشکه نفت عادت کرده و در بهترین حالت اگر خبر فروش روزانه ۱۶ میلیون بشکه واقعی باشد، باز هم این رقم به‌مراتب کمتر از چیزی است که اقتصاد ایران به آن خو کرده است.

این در حالی است که می‌دانیم حتی اگر به همین میزانی که اعلام شده نیز نفت فروخته شود، باز نرخ آن با قیمت‌های جهانی یکسان نیست و در زمان بازگرداندن منابع حاصل از فروش نفت و گاز باید هزینه‌هایی پرداخت شود که موجب کاهش درآمدهای واقعی می‌شود.

از سوی دیگر در زمینه آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده کشور هم، صحبت‌های فراوانی شده است که به‌تازگی می‌گویند عراق قرار نیست بدهی‌های خویش را تسویه کند و خبرها حکایت از توافق بر سر تهاژت پول نفت با ایران است. این خبرها در صورت صحت نشان می‌دهد بنا نیست از این محل ارزی به ایران پرداخت شود. در هر حال، منظور من این است که ایران دارای اقتصادی با ابعاد بزرگ است که این ارقام نمی‌تواند بر حال و روزش تأثیر چندانی داشته باشد.

کافی است به روزهای پیش از تحریم در ابتدای دهه ۹۰ برگردیم تا یکبار دیگر ابعاد اقتصاد کشورمان در روزهای بدون تحریم را به یاد بیاوریم. در سال ۱۳۹۰، ایران ۱۲۰ میلیارد دلار نفت فروخت که در کنار صادرات ۳۰ میلیارد دلاری غیرنفتی، معادل ۱۵۰ میلیارد دلار آورده ارزی کشور بوده است. در همان سال، ایران حدود ۳۰۰ میلیارد دلار واردات انجام داده است. به بیان دیگر، ابعاد اقتصاد ایران پیش از تحریم‌های ظالمانه مرآمده



میان ۳ متغیر کلان نرخ ارز، تورم و نقدینگی یک رابطه منطقی و علت و معلولی حاکم است که همواره این ۳ بر هم اثراتی مشخص و غیرقابل‌کتمان دارند

سالانه ۵۰۰ میلیارد دلاری را تجربه می‌کرد. اتفاقی که گرچه پس از تحریم‌ها دیگر تجربه نشد، اما نافی این نیست که اقتصاد ایران، اقتصادی بزرگ با هاضمه‌ای مشخص است که ۳ میلیارد دلار و ۱۰ میلیارد دلار در آن اثر بزرگی نخواهد داشت. همین که هنوز اقتصاد ایران با شرایط و موانع تحریمی کنار نیامده و ما با وجود چندین سال از تجربه تحریم‌ها هنوز به ثبات نرسیده‌ایم، بیانگر همین مسئله است.

## با این وجود، کاهش ارزش پول ملی در این مدت ادامه داشته است. چه عاملی منجر به ادامه‌دار شدن نرخ ارز در ایران می‌شود؟

افزایش نقدینگی، به این مسئله دقت کنید که در شهریور ۱۴۰۰ که دولت فعلی روی کار آمد، مجموعه نقدینگی موجود ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان و در این ۲ سال همواره رو به رشد بوده است، به‌نحوی که گفته می‌شود، مجموع نقدینگی کشور در کمتر از ۲ سال سکنداری دولت فعلی به ۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است که از رشد ۶۰ درصدی نقدینگی تنها در ۲ سال خبر می‌دهد.

از سوی دیگر، باید به این مسئله توجه کرد که این افزایش نقدینگی در شرایطی به‌دست‌آمد که رشد اقتصادی به‌مراتب کمتر و نیازت‌تر از این ارقام بود. بررسی رشد اقتصادی در ۲ سال گذشته نشان می‌دهد که میانگین رشد آن چیزی در حدود ۴ درصد بوده، در حالی که نقدینگی چنین بی‌محایا و سرسام‌آور رشد کرده است. نبودن تناسب میان تولید در یک اقتصاد و رشد نقدینگی، به‌سرعت در بروز نرخ تورم فزاینده نمایان خواهد شد. در ادامه این روند به تضعیف قدرت پول ملی می‌انجامد. به‌همین دلیل امروز نسبت به نخستین روزهای شروع به کار دولت سیزدهم قیمت تمام کالاها و خدمات، از نرخ دلار گرفته تا مرغ و تخم‌مرغ روندی افزایشی داشته و هنوز هم دارد. مردم نیز باتوجه به افزایش چشمگیر هزینه معیشتی فکر می‌کنند توری که در کشور وجود دارد، به‌مراتب بیش از ارقام رسمی است که اعلام می‌شود. در هر حال، رشد نقدینگی که در این دولت شدتی بیش از گذشته پیدا کرده، موجب شده، با وجود گشایش‌های نسبی که به‌طور غیررسمی اعلام شده است، وضعیت بازار ارز متلاطم باشد و همچنان ریال ضعیف شود.

## با وجود تمام موارد یاد شده، چشم‌انداز بازار ارز را در کشور چگونه می‌بینید؟

باید مدنظر همه باشد که عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز بیش از متغیرهای درونی، متغیرهای بیرونی هستند و این به دلیل ساختار تعیین نرخ ارز در اقتصاد است. برای اینکه دست دولت در سیاست‌های ارزی باز باشد، باید اقداماتی انجام گیرد که به افزایش درآمدهای ارزی منجر شود. تنها راهی که می‌تواند به ارزآوری بینجامد، فروش کالا یا خدماتی در خارج از مرزهای ایران است که به معنای افزایش صادرات و رونق درآمدهای صادراتی است. با این همه، خریدوفروش کالا و خدمت و رونق صادرات نیازمند وجود شرایط عادی و با ثبات در اقتصاد است که ما در حال حاضر از داشتن آن بی‌بهره هستیم. درکل تجارت و بازرگانی از این منظر به برای کشورها مهم و سود اقتصاد است و باید موردتوجه جدی قرار بگیرند. بنابراین برای تحقق این اهداف باید ابتدا شرایط نرمال را تجربه کنیم و سپس با شناخت از واقعیات موجود بتوانیم به یک سیاست‌گذاری اصولی دست بزنیم.

در شرایط فعلی اختلال اصلی در مقابل اقتصاد ایران، محدودیت‌های ناشی تحریم‌ها است که مشکلات فعلی را ایجاد کرده و بر مشکلات پیشین دامن زده است. مادامی که اقتصاد ایران از این وضعیت خارج نشود، این عدم‌تعادل‌ها اجتناب‌ناپذیر هستند، مگر اینکه در داخل کشور یک سیاست منسجم و هدفمند پولی، مالی و بودجه‌ای تنظیم شود که در نتیجه آن اقتصاد بتواند در مقابل برخی اقدامات غیرقابل‌پیش‌بینی، انسجام خود را حفظ کند.

مشابه اقداماتی که بانک مرکزی روسیه انجام داد که با وجود جنگ اوکراین و تحریم‌های گوناگونی که غرب علیه این کشور تدوین کرد، بانک مرکزی روسیه توانست از سقوط بیش از اندازه ارزش روبل و روند فزاینده تورم جلوگیری کند.

## اشتغال در طرح‌های صنعتی فارس



مدیرکل صنعت معدن و تجارت فارس گفت: ۱۳ طرح صنعتی و معدنی در فارس با اعتباری بیش از ۲۴ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان و اشتغالزایی بیش از ۶۹۲ نفر و اشتغالزایی هزار و ۶۹۲ نفر آماده بهره‌برداری است

به گزارش خبرنگار فارس از استان فارس حمیدرضا ایزدی در نشست مدیران پاسخگو با بیان اینکه استان فارس مستعد ایجاد صنایع بزرگ و مادر است، گفت: در سال گذشته یک هزار و ۸۲۰ جواز تأسیس واحدهای صنعتی صادر شد و باتوجه به اینکه پیش‌بینی ما ۱۲۰۰ جواز بود، اما این میزان بیش از پیش‌بینی مد نظر محقق شد.

وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: حدود ۱۳ طرح صنعتی و معدنی در فارس با اعتباری بیش از ۲۴ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان و اشتغالزایی هزار و ۶۹۲ نفر آماده بهره‌برداری است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۵۳ برنامه ملاقات مردمی در حوزه‌های مختلف برگزار شد و ۲۱ سفر شهرستانی برای حل مشکلات واحدهای تولیدی در این شهرستان‌ها صورت گرفت.

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان فارس ادامه داد: در حال حاضر ۱۳ طرح در حوزه صنایع معدنی با اعتبار ۲۴ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان و اشتغالزایی هزار و ۶۹۲ نفر آماده بهره‌برداری است که مراسم افتتاح این طرح‌ها در سفر مقامات ارشد کشوری برگزار خواهد شد.

ایزدی در خصوص برگزاری جلسات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید واحدهای تولیدی و صنعتی، گفت: سال ۱۴۰۱ از نظر عملکردی در کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید، تغییر و تحولات خوبی در فرآیند برگزاری ایجاد شد. می‌توان گفت یکی از راه‌های مهم در خصوص رفع مشکلات بنگاههای اقتصادی در همه حوزه‌ها برگزاری این جلسه است که مصوبات آن لازم الحرا است.

ایزدی برگزاری نمایشگاه تولید ایرانی و دانش‌بنیان در سال گذشته را یکی از اتفاقات خوب در سال ۱۴۰۱ دانست و گفت: هدف از برگزاری این نمایشگاه ایجاد ارتباط بین شرکت‌های دانش‌بنیان و صنایع و آشنایی این دو حوزه با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یکدیگر بود. این نمایشگاه از ۳۰ خرداد ماه تا آذرماه ۱۴۰۱ با ۱۰ هزار مترمربع با حضور ۱۶۲ شرکت دانش‌بنیان در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار شد. حدود ۱۹۰ تفاهمنامه بین شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های تولیدی منعقد شد.

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان فارس به تعداد پروانه بهره‌برداری صنعتی در استان فارس اشاره کرد و افزود: مجموع پروانه بهره‌برداری صنعتی در استان فارس ۴ هزار و ۲۹۴ پروانه است و فارس در این حوزه در کشور در رتبه پنجم قرار دارد. تعداد ۱۰۳ هزار و ۹۰۸ نفر در این واحدهای صنعتی مشغول به کار هستند و استان فارس در این حوزه در رتبه نهم کشوری قرار دارد.

وی در رابطه با تعداد جواز تأسیس صادر شده، گفت: در این حوزه فارس از رتبه یک کشوری بهره می‌برد. این نشان دهنده تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در استان فارس است.

ایزدی به تخلفات مشاورین املاک اشاره کرد و گفت: در بحث مشاورین املاک هم اتحادیه املاک پای کار است و برخورد با صوفی که پروانه کسب ندارند به صورت مستمر انجام می‌شود. سال گذشته حدود ۷۵۶ پرونده تخلف برای مشاورین املاک تشکیل شد و ۱۰۵ پرونده هم در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۲ با بازرسی‌های انجام شده در سال ۱۴۰۱ وی در رابطه با بازرسی‌های انجام شده در سال ۱۴۰۱ گفت: سال گذشته نزدیک به ۱۴۲ هزار و ۱۱۹ بازرسی در استان فارس انجام و ۱۳ هزار و ۵۵۷ پرونده تخلف به مبلغ سه هزار و ۳۸۵ میلیارد و ۳۲۶ میلیون ریال به اداره کل تعزیرات ارسال شد.

## ۱۲ چاه غیرمجاز در حوزه آبریز سد تهم پر شد



مدیر امورمنابع آب شهرستان زنجان گفت: ۱۲ حلقه چاه غیرمجاز دستی در حوزه آبریز سد تهم پر و مسلوب‌المنفعه شد.

به گزارش خبرنگار فارس از زنجان، کریم خدایی افزود: در راستای اجرای طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی ۱۲ حلقه چاه غیرمجاز دستی در حوزه آبریز سد تهم از اراضی روستاهای تهم و خشکرو شهرستان زنجان با دستور مقام قضایی و همکاری نیروی انتظامی شهرستان زنجان پر و مسلوب‌المنفعه شد.

وی خاطرنشان کرد: با انسداد چاه‌های غیرمجاز مذکور سالانه ۶۵ هزار مترمکعب در مصرف منابع آب زیرزمینی منطقه صرفه جویی خواهد شد.

مدیر امورمنابع آب زنجان ادامه داد: انسداد چاه‌های غیرمجاز امروز به خاطر قرارگیری در حوزه آبریز سد تهم دارای اهمیت بالایی است، چرا که تأثیر مستقیم بر دبی ورودی این سد دارند.

خدایی یادآور شد: سد تهم از منابع اصلی تأمین‌کننده آب شرب شهر زنجان است و انسداد تمام چاه‌های غیرمجاز محدوده این سد در برنامه امورمنابع آب زنجان است.

## تالاب پته خور اردبیل در معرض نابودی و فرونشست

## نفس یک تالاب دیگر هم به شماره افتاد



## پذیرایی با پساب شرکت صنعتی

به زیستگاه و پناهگاه بسیار مساعد برای انواع جانوران، تبدیل کرده است. تالاب پته خور علاوه بر سایت استراحتگاهی دریای سیبری سالانه پذیرای ده‌ها گونه‌ی دیگر از پرندگان مهاجر و چندین گونه از پرندگان نادر و حمایت شده بوده و زیستگاه مناسبی به شمار می‌آید. طبق گزارشات رسمی محیط‌زیست منطقه، جمعیت غربی دریای سیبری در سال‌های گذشته این تالاب را به عنوان یکی از مکان‌های استراحت انتخاب می‌کرده است و حضور دریای امید نیز در سال ۸۵ در این منطقه ثبت شده است. مشاهدات نشان می‌دهد که این تالاب از وضعیت مساعدی برخوردار نیست، مجاورت این تالاب با دشت اردبیل و دشت آبی بیگلو و حجم برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب

تالاب‌ها حلقه اتصال خشکی و آب هستند. این زیست بوم طبیعی در سلامت و حفظ تعادل کره زمین نقش حیاتی داشته و می‌توان گفت: نیمی از تنوع زیستی جهان در گرو وجود تالاب‌ها است. تالاب «پته‌خور» از مهم‌ترین تالاب‌های استان اردبیل و زیستگاه پرندگان مهاجر آبی و کنار آبی به شمار می‌رود که هم اکنون حیات آن مورد تهدید جدی فاضلاب‌های صنعتی قرار دارد. این تالاب در قسمت شرق دشت اردبیل، غرب کوه‌های «باغرو» و ۳ کیلومتری روستای «پته‌خور» در شهرستان نمین واقع شده است. این تالاب زهکش رودخانه قره‌سو بوده و آب آن از ارتفاعات کوه‌های «باغرو» در جنوب شرقی و ادامه همین ارتفاعات یعنی اراضی جنگلی «فندقلو» در شرق نمین سرچشمه می‌گیرد. از شاخه‌ها و رودخانه‌های تأمین‌کننده تالاب پته‌خور می‌توان به «دورجین‌چای»، «اولاغ‌چای»، «موسی‌چای»، «مشه‌چای»، «ننه‌کران‌چای» و «پته‌خور چای» اشاره کرد. با توجه به شواهد به جا مانده در سال‌های گذشته این تالاب از نظر بُعد مساحت چندین برابر مساحت کنونی بوده، اما در اثر خشکسالی و برداشت غیر مجاز آب در سال‌های اخیر وسعت آن کاهش یافته است.

چندی پیش هم در گزارشی دیگر درباره شرایط ناپه‌نجان زیستگاهی این تالاب که نقش جدی در نابودی گونه‌های جانوری که محل زیست دیگری ندارند منتشر شد.

به گزارش رکنا، تالاب پته خور در سال ۹۸ به عنوان یکی از ۷ سایت طبیعی گردشگری استان اردبیل معرفی شده است اما اکنون علاوه بر اینکه در معرض فرونشست قرار دارد بلکه به یکی از مراکز بیابانزایی در استان اردبیل تبدیل شده است و می‌تواند به یک کانون بالقوه ریزگرد نیز تبدیل شود. وجود چمن زارهای نسبتاً وسیع و مترکم، تنوع موجودات زنده گیاهی و جانوری و تولیدات زنجیره غذایی و شبکه‌های غذایی در آن، این تالاب را

## آلودگی صنایع در کمین تالاب «پته‌خور»

وجود چمنزارهای وسیع و مترکم، تنوع موجودات زنده گیاهی و جانوری، تولیدات زنجیره غذایی در آن، زیستگاه و پناهگاه مساعدی برای انواع جانوران، در این تالاب به‌وجودآورده است. یک فعال محیط‌زیست در گفت‌وگو با مهر، با تأکید بر اینکه تالاب‌ها نقش بسزایی در کنترل سیلاب دارند، اظهار کرد: هنگامی که رودخانه‌های خروشان حجم بالایی از رسوبات را با خود می‌آورند وجود تالاب‌ها باعث کنترل سیلاب می‌شود. محسن نعمت‌زاده با اشاره به نقش تالاب‌ها در تغذیه سفره‌های زیر زمینی گفت: معمولاً تالاب‌ها در پایین دست رودخانه قرار دارند و مانند یک مخزن سیلاب و آب‌های فصلی عمل می‌کنند. در واقع تالاب‌ها نبض پندیده محیط‌زیست به شمار می‌روند که در طول فصول خشک، با آزاد کردن آب ذخیره شده در خود شروع خشکسالی را به تأخیر می‌اندازند.

نعمت‌زاده با بیان اینکه بقا و ادامه حیات بسیاری از گونه‌های کمیاب و در معرض خطر انقراض پرندگان آبی به تالاب وابسته است، ادامه داد: تالاب‌ها نگهدارنده مواد مغذی گیاهی بوده و از این حیث ذخیره‌کننده مواد غذایی محسوب می‌شود. حامد تبریزیان دیگر فعالان محیط‌زیست با تأکید بر اینکه تالاب «پته‌خور» به عنوان منطقه گردشگری دارای ارزش‌های اکوتوریستی در استان است، افزود: تالاب «پته‌خور» محل فرود پرندگان مهاجر از جمله «درنای سیبری» است و مانند سایر تالاب‌ها، دارای ارزش استراحتگاهی بالایی است. وی افزود: تالاب «پته‌خور» در چند سال اخیر مورد بی‌توجهی صنایع قرار گرفته و فاضلاب غیر استاندارد صنایع به تالاب ریخته می‌شود، بنابراین دور از انتظار نیست که با خشک شدن تالاب «پته‌خور» این تالاب به کانون گردوغبار تبدیل شود.

## نقش چاه‌های غیرمجاز در خشک شدن تالاب

مددوی از واحدهای صنعتی است که اصول فنی دفع فاضلاب را رعایت نمی‌کنند، افزود: در وضعیت فعلی به دلیل مشکلات فنی و اقتصادی تصفیه خانه مرکزی به مشکل بر می‌خورد. وی با تأکید بر اینکه یک سری واحدها مشکل کمی دارند، افزود: میزان فاضلابی که این واحدها به تصفیه خانه مرکزی وارد می‌کنند بیشتر از حجم توافق شده است. رزمی با بیان اینکه پارامتر آلاینده یکی از این واحدها که بیشترین حجم فاضلاب را تولید می‌کند در حد صفر است، اظهار کرد: در حال پیگیری هستیم این واحد بعد از پیش‌تصفیه در واحد خود فاضلاب را به رودخانه وارد کند یا به چرخه

مدیرکل محیط‌زیست استان اردبیل نیز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، با اشاره به اینکه تالاب «پته‌خور» تالاب فصلی و رودخانه‌ای است، اظهار کرد: این تالاب به خاطر شرایط فصلی بودن از لیست تالاب‌های مشمول آیین‌نامه حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور خارج شده است. حسن قاسم‌پور با بیان اینکه اداره محیط‌زیست به لحاظ شکار ممنوع بودن بر تالاب نظارت می‌کند، افزود: حفر چاه‌های غیر مجاز در حیطه کاری محیط‌زیست نیست اما در حوزه رودخانه حقایبه تالاب مشکلی ندارد. وی با اشاره به رهاسازی فاضلاب غیراستاندارد به نهرهای سنتی اطراف تالاب تصریح کرد: طی پیگیری‌هایی که در گذشته

تولید برگرداند. وی با بیان اینکه مدول دوم تصفیه خانه شهرک صنعتی نمین با پیشرفت ۹۹ درصدی و اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان تا ۲ ماه آینده به بهره‌برداری خواهد رسید افزود: با راه‌اندازی این واحد شاهد رفع مشکل فاضلاب «تالاب پته خور» خواهیم بود. مدیر واحد ایمنی و بهداشت شرکت شهرک‌های صنعتی استان اردبیل با بیان اینکه ما نسبت به مسائل محیط‌زیست حساسیت داریم، خاطر نشان کرد: هدف ما این است که با آگاهی دادن واحدهای صنعتی را به شیوه درست هدایت کنیم.

## سخن پایانی

پتروشیمی نمین به عنوان یکی از صنایع آب‌بر در فاصله ۲ کیلومتری بالا دست این رودخانه احداث شده است و همچنین یک کارخانه فولاد اسفنجی نیز در مجاورت این منطقه مجوزهای لازم برای احداث را دریافت کرده است که نشان می‌دهد مسوولان این استان نه تنها برای حفظ و نگهداری از میراث طبیعی در این منطقه وقعی نمی‌نهند بلکه برنامه‌های دیگری برای زیست بوم این منطقه دارند. در بررسی‌های انجام شده مشخص شد علاوه بر رهاسازی فاضلاب غیراستاندارد در محدوده تالاب، برای توسعه

## ۱۸ اداره در زنجان اخطار برق گرفتند

در بخش کشاورزی و صنعت شاید چندان متاثر از افزایش دما نباشند، تصریح کرد: افزایش دما بیشتر در بخش خانگی منجر به افزایش مصرف سرمایشی می‌شود و تقریباً طبق برآوردی که صورت می‌گیرد هر یک درجه دما بین یک هزار و ۷۰۰ تا ۳ هزار مگاوات در کشور می‌تواند پیک مصرف را بالا ببرد.



وی با بیان اینکه در حال حاضر در بخش کشاورزی همان برنامه ۵ ساعته مدیریت مصرف انرژی در بازه زمانی ابلاغ شده در سطح شهرستان‌ها اجرا می‌شود، که در این راستا شاهد همکاری خوبی در بخش کشاورزان هستیم، گفت: برخی از مشترکان بخش کشاورزی که به دلیل کشت محصولات خاص و استخرهای آبی‌پروری، قطعی دو و سه ساعته به آنها ابلاغ شده است.

جوادی در ادامه مصرف انرژی در حوزه صنعت را ۵۴ درصد و در حوزه کشاورزی را ۱۸ درصد عنوان کرد و افزود: مصرف انرژی در صنعت و کشاورزی در حدود ۳ درصد کل مشترکین استان است.

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان زنجان با بیان اینکه شرکت توزیع برق

گروه استان‌ها  
editor@smtnews.ir



تالاب پته‌خور  
در سال ۹۸

به‌عنوان یکی از  
۷ سایت طبیعی

گردشگری  
استان اردبیل

معرفی شده، اما  
اکنون علاوه بر

اینکه در معرض  
فرونشست

قرار دارد، به  
یکی از مراکز

بیابانزایی در  
استان تبدیل

شده و می‌تواند  
به یک کانون

بالقوه ریزگرد  
نیز تبدیل شود

نرخ دلار در طول سال ۱۴۰۱ نوسان صعودی کم‌سابقه‌ای را تجربه کرد و از ۲۶ هزار و ۳۰۰ تومان در آغاز فروردین تا ۶۲ هزار تومان در ۷ اسفند بالا رفت و سپس تا ۴۲ هزار و ۶۰۰ تومان عقب‌نشینی کرد ولی در نهایت در آخرین روز کاری سال به ۴۹ هزار تومان رسید. این آمار در حالی مطرح می‌شود که دلار با رکوردشکنی تاریخی و عبور از مرز ۶۰ هزار تومان و جهش ۱۲۵ درصدی سال ۱۴۰۱ را به پایان رساند و در ۴ ماه گذشته نیز این روند کمابیش حفظ شده و نرخ دلار را در کانال ۴۵ تا ۵۰ هزار تومان نگه داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید نگاهی به روند نرخ ارز در سال ۱۴۰۱ و دلایل رکوردشکنی دلار است.

هفتم اسفند ۱۴۰۱ فعلا روزی تاریخی برای ریال ایران و نرخ برابری آن با هر دلار آمریکا به شمار می‌رود. روزی که نرخ فروش دلار آمریکا در بازار آزاد تهران برای نخستین بار از مرز ۶۰ هزار تومان (۶۰۰ هزار ریال) فراتر رفت و در دادوستدهایی که حجم حتی ۶۲ هزار تومان نیز خریداری شد. در مجموع، سال خورشیدی ۱۴۰۱ با متوسط نرخ ۲۵ هزار تومانی برای دلار آمریکا به پایان رسید. نرخ که ۳۲ درصد بالاتر از متوسط ۲۶ هزار و ۵۰۰ تومانی سال ۱۴۰۰ بود.

البته در ۵ سال گذشته، بزرگ‌ترین شوک قیمتی در سال ۱۳۹۷ ثبت شد که طی آن متوسط سالانه نرخ آزاد فروش دلار با جهش ۱۵۹ درصدی از ۴ هزار و ۴۰۰ تومان در سال ۱۳۹۶ به ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. این نرخ در سال ۱۳۹۹ نیز نزدیک به ۷۷ درصد بوده ولی شوک ارزی سال ۱۴۰۱ از دو سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ که متوسط سالانه نرخ دلار به ترتیب ۲۴ و ۱۴ درصد افزایش یافته، شدیدتر بود.

**حجم نقدینگی**  
 در حالی که حجم نقدینگی در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا دی ۱۴۰۱ نزدیک به ۲.۳ برابر شده و از مرز ۶۰ میلیون میلیارد تومان فراتر رفته، متوسط سالانه نرخ آزاد دلار هم ۲.۳ برابر شده و از ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان به ۳۴ هزار و ۸۰۰ تومان رسیده است.

بر پایه نرخ رشد سالانه نیز افزایش این دو نزدیک به هم است، به طوری که در سال ۱۴۰۱، حجم نقدینگی ۳۴ درصد بالا رفته و متوسط سالانه نرخ آزاد دلار نیز ۳۲ درصد افزایش یافته است.

**ارزش دلاری حجم نقدینگی**  
 همسانی روند افزایش حجم نقدینگی و نرخ ارز در ۵ سال گذشته موجب شده تا حجم نقدینگی بر پایه متوسط سالانه نرخ آزاد دلار نسبت به سایر متغیرهای پولی و کلان اقتصاد ایران دارای نوسان محدودتری باشد. چنان که این نرخ در ۱۷۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷، بر پایه برآوردها به حدود ۱۸۶ میلیارد دلار در پایان سال ۱۴۰۱ می‌رسد که یعنی کمتر از ۴ درصد تغییر کرده است.

در واقع، طی ۵ سال گذشته، طی ۴ سال معادل دلاری حجم نقدینگی اقتصاد ایران در مرز ۱۸۰ میلیارد دلار نوسان محدودی داشته و سال ۱۳۹۹ به دلیل این که جهش نرخ ارز ۳۶ واحد درصد بالاتر از صعود ۴۰ درصدی حجم نقدینگی بوده، این رقم تا ۱۵۰ میلیارد دلار پایین آمده است.

**تجربه سنگین‌ترین باز تورمی**  
 مطابق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه به ۴۹ درصد رسید



بدون شرح طرح: حسین عزیزاده



عکس: علی‌اکبر...

مطابق اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی، خالص حساب سرمایه ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ به منفی ۱۲۸ میلیارد دلار رسید و نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۹ بیش از دو برابر شد. این رقم در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۸ نیز کمتر از منفی ۴ میلیارد دلار گزارش شده بود.

پیشروی کسری حساب سرمایه به سمت ۱۳ میلیارد دلار تا پیش از پاییز ۱۴۰۱ در شرایطی بود که متوسط سالانه تراز حساب سرمایه ایران در دو دهه اخیر نزدیک به منفی ۷ میلیارد دلار بوده است.

کسری خالص حساب سرمایه یا منفی بودن آن می‌تواند نشان‌دهنده افزایش خالص مطالبات کشور از دنیای خارج و یا خروج سرمایه از آن کشور باشد که به منزله کاهش عرضه ارز از یک سو و افزایش تقاضای خرید ارز از سوی دیگر باشد؛ عواملی که تاثیر مستقیم در افزایش نرخ ارز دارند.

**سخن پایانی**  
 با توجه به روند افزایشی نرخ ارز، سال ۱۴۰۲ در شرایطی آغاز شد که گروهی از کارشناسان اقتصاد چندان امیدي به توقف افزایش نرخ ارز نداشتند. همچنین براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول در مورد اقتصاد ایران، نرخ تورم در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۰ درصد، نرخ رشد اقتصادی ۱ درصد کمتر از سال پیش و نزدیک به ۲ درصد و نرخ بیکاری نیز با ۰.۲ واحد درصد افزایش به ۹.۶ درصد می‌رسد. بانک جهانی نیز با برآورد رشد اقتصادی حدود ۲ درصد برای ایران، پیش‌بینی کرده که نرخ جهانی نفت ۱۲ دلار کاهش خواهد یافت و این نرخ در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۲۰ دلار پایین‌تر خواهد بود.

**کسری بودجه**  
 در سال‌های اخیر درآمدهای عمومی دولت برای تامین هزینه‌های جاری دولت اعم از رشد افزایش حقوق و دستمزد و پرداخت یارانه و غیره دچار کسری شده، به طوری که کسری تراز عملیاتی بودجه سالانه از ۷۷۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ به ۴۶۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ رسیده و نزدیک به ۶ برابر شده است. هر چند بر خلاف برآورد کسری تراز عملیاتی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی برای بودجه ۱۴۰۱ مطرح شد و مطابق لایحه بودجه ۱۴۰۲ نیز تراز عملیاتی این بودجه ۴۷۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. این رقم در مقایسه با سال ۱۴۰۱ شاهد افزایش ۵۸ درصدی خواهد بود و به بالاترین سطح در ۵ سال گذشته خواهد رسید.

به باور گروهی از کارشناسان اقتصادی، کسری بودجه فزاینده یکی از دلایل عمده بالا بردن حجم نقدینگی از طریق چاپ اسکناس و فروش دلارهای نفتی به قیمت‌های بالاتر در بازار آزاد ارز است.

خالص منفی حساب سرمایه

## سخن پایانی

با توجه به روند افزایشی نرخ ارز، سال ۱۴۰۲ در شرایطی آغاز شد که گروهی از کارشناسان اقتصاد چندان امیدي به توقف افزایش نرخ ارز نداشتند. همچنین براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول در مورد اقتصاد ایران، نرخ تورم در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۰ درصد، نرخ رشد اقتصادی ۱ درصد کمتر از سال پیش و نزدیک به ۲ درصد و نرخ بیکاری نیز با ۰.۲ واحد درصد افزایش به ۹.۶ درصد می‌رسد. بانک جهانی نیز با برآورد رشد اقتصادی حدود ۲ درصدی برای ایران، پیش‌بینی کرده که نرخ جهانی نفت ۱۲ دلار کاهش خواهد یافت و این نرخ در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۲۰ دلار پایین‌تر خواهد بود.

## از سقوط ریال تا تولد دلار چند نرخی

روایت از سال ۱۳۰۱ آغاز می‌شود. کمی بیش از یکسال پس از کودتای رضاخان میربخت و روزهایی که احمدشاه قاجار هنوز پادشاه ایران بود، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی حاصل از جنگ جهانی اول و سقوط پیاپی دولت‌ها در حال فروکش کردن بود. نفت تازه کشف شده بود و درآمد ایران از محل اعطای حق امتیاز نفت به داری، سالانه به ۲ میلیون دلار رسیده بود. مطابق اسناد موجود از مشروح مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی در سوم تیرماه سال ۱۳۰۱ خورشیدی که به بحث در خصوص تعیین تعرفه پست اختصاص داشته، نرخ هر دلار آمریکا ۱۴ قران بود. آن زمان، هر ۱۰ قران معادل یک تومان بود. ریال ایران هم به یک قران و پنج شاهی گفته می‌شد. بنابراین، نرخ هر دلار در تیر ۱۳۰۱ معادل ۱.۴ تومان یا ۱۱.۲ ریال بود.

در سال ۱۳۰۵ تبعات رکود جهانی اقتصاد، گریبان تجارت خارجی ایران را نیز گرفت. به طوری که ۴ سال پس از آغاز سلطنت رضاشاه، کسری تجاری ایران به ۶۱۲ میلیون ریال رسید. در ادامه نرخ برابری قران حدود ۵۰ درصد در برابر ارزهای عمده افت کرد و از مرز ۲۱ قران در مقابل یک دلار آمریکا گذشت. در همان سال‌ها آرتور میلیسیو، کارشناس مالی آمریکایی که در سال ۱۳۰۱ با ماموریت ۵ ساله ساماندهی وضعیت مالیاتی ایران به تهران آمده بود، با در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز، موفق شد به مدت ۵ سال دامنه نوسان نرخ برابری قران را به ۱۴ درصد محدود کند.

یعنی نرخ دلار تا سال ۱۳۰۶ بین ۱۴ تا ۱۶ قران نوسان کرد. با افت ارزش قران، از سال ۱۳۰۸ کنترل‌های ارزی آغاز شد و قانون انحصار دولت بر تجارت خارجی با وجود مخالفت‌های داخلی و خارجی در اسفند ۱۳۰۹ تصویب شد. با امضای امتیاز جدید نفتی بین شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۳۱۲ درآمد نفتی دولت همزمان با افزایش تولید صعودی شد. با این حال، سیاست تثبیت نرخ ارز تلاطم نیافت و نرخ دلار در سال ۱۳۱۳ به نزدیکی ۱۶ ریال رسید. همزمان با ورود ارتش متفقین به ایران، نرخ تورم از ۱۳.۸ درصد به ۴۹.۵ درصد در سال ۱۳۲۰ رسید.

یک‌سال پس از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و در سال ۱۳۲۱ نرخ تورم به بیش از ۹۶ درصد رسید. نرخ برابری ریال در مقابل هر دلار آمریکا نیز ۱۰۰ حدود درصد سقوط کرد و به بیش از ۳۲ رسید و حتی دلار در مقابل ۳۵ ریال هم معامله شد. در ادامه کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ موجب ثبت نرخ‌های تورم منفی ۱۴.۴ و ۱۱.۵ درصدی در دو سال متوالی شد و در نهایت به دنبال بازگشت ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی به کشور نرخ ۳۲ ریالی دلار همچنان حفظ شد.

ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ با اعمال تحریم فروش نفت و کاهش درآمدهای ارزی همراه شد به همین دلیل در سال ۱۳۳۰ نرخ دلار آمریکا به بیش از ۶۰ ریال رسید. مضیق‌های ارزی و کودتای سال ۱۳۳۲ نرخ دلار آمریکا را به بالاترین حد در فاصله سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۸ رساند و هر دلار حدود ۱۲۰ ریال مبادله شد اما، تحت تاثیر لایحه تثبیت نرخ ارز، این نرخ به محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ ریال بازگشت.

از سال ۱۳۳۴ و همزمان با برقراری روند عادی صادرات نفت و بازگشت رونق اقتصادی، نرخ تورم که در سال ۱۳۳۳ به ۱۵.۹ درصد رسیده بود به کمتر از ۲ درصد کاهش یافت. از آن پس دوره ۱۳ ساله تورم تک رقمی آغاز شد و نرخ دلار در سال ۱۳۴۰ به حدود ۸۰ ریال رسید. به گواه آمار در دوره ۱۰ ساله ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ اقتصاد ایران با ثبت متوسط رشد اقتصادی ۱۱.۵ درصدی و متوسط نرخ تورم سالانه ۲.۶ درصدی دوره‌ای طلایی را طی کرد. نرخ تورم از سال ۱۳۵۲ بار دیگر دورمی شد و در سال ۱۳۵۶ از ۲۵ درصد نیز فراتر رفت. در عین حال با وقوع جنگ اعراب و اسرائیل و شوک اول نفتی، بهای هر بشکه نفت در فاصله سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ حدود ۴ برابر شد و درآمد‌های نفتی ایران در سال ۱۳۵۳ به بیش از ۲۱ میلیارد دلار بالغ شد.

تزیق ارز فراتر از ظرفیت جذب اقتصاد ایران موجب بروز علائم بیماری هلندی شد و در نهایت در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ نرخ رشد اقتصادی روندی کاهشی به خود گرفت. با این وجود نرخ دلار آمریکا حدود ۱۰ سال در نرخ ۷۰ ریال و با لحاظ دامنه نوسان اندکی تثبیت شد.

نرخ این ارز مرجع در سال‌های نخست انقلاب به ۱۰۰ ریال رسید تا اینکه سال ۱۳۵۹ سالی دشوار برای اقتصاد ایران رقم خورد. از یک سو، آمریکا هرگونه تبادل اقتصادی با ایران را قطع کرد و به همین دلیل فروش بخشی از نفت ایران با مشکل مواجه شد. از سوی دیگر در شهرهای همین سال ارتش عراق به ایران حمله کرد و جنگ تحمیلی آغاز شد. به همین دلیل، نرخ هر دلار آمریکا در سال ۱۳۵۹ به ۲۰۰ ریال رسید.

از سال ۱۳۶۵ نرخ تورم به بیش از ۲۰ درصد رسید و رشد اقتصادی کشور نیز منفی شد. نرخ هر بشکه نفت صادراتی نصف و به ۱۳ دلار رسید. این شرایط به مدت ۳ سال ادامه داشت. در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ متوسط نرخ رشد اقتصاد ایران حدود ۱.۸ درصد بود و نرخ تورم به ۱۹ درصد رسید که به‌منزله کاهش ۴ برابری ارزش پول ملی بود.

بر همین اساس نرخ دلار نیز سال ۱۳۶۶ به نزدیکی ۱۰۰۰ ریال رسید. یکسال بعد با وجود پایان جنگ ۸ ساله میان ایران و عراق، متوسط نرخ دلار به ۱۲۰۰ ریال افزایش یافت و در اردیبهشت ۱۳۶۸ در محدوده ۱۳۵۰ ریال معامله شد.

سال ۱۳۶۹ ارتش عراق به دستور صدام حسین، رئیس‌جمهوری وقت عراق، به کویت حمله کرد و متعاقب این اقدام ائتلافی به رهبری ارتش آمریکا نیز با هدف آزادی کویت دست به اقدام نظامی علیه عراق زد. این جنگ متوسط نرخ هر بشکه نفت صادراتی ایران را از ۱۶ در سال ۱۳۶۸ به ۲۱ دلار رساند.

تحت تاثیر رشد درآمدهای ارزی دولت و آغاز رونق حاصل از پایان جنگ در قالب اجرای برنامه تعدیل ساختاری، نرخ رشد اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ دو رقمی شد. البته تزیق شتابان نقدینگی و اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی موجب جهش نرخ تورم از ۹ درصد به حدود ۲۱ درصد در سال ۱۳۷۰ شد.

بانک مرکزی نرخ دلار را در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ در محدوده ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ ریال کنترل کرد و با این‌همه اوایل دهه ۷۰ خورشیدی در کنار نرخ دلار در بازار آزاد، نرخ رسمی ۷۰ ریالی، نرخ رقابتی ۱۹۰ ریالی و نرخ ارز شناور ۳۲۰ ریالی باب شد. به این ترتیب اوایل دهه ۷۰ اقتصاد ایران فارغ از دلار آزاد، ارز رقابتی مختص بخش تولید، نرخ رسمی با نرخ کنترل شده دولتی برای تامین کالاهای اساسی و نرخ شناور مختص بخش تجارت و خدمات را رسمیت شناخت.

و این چنین بود که پای دلار چند نرخی به اقتصاد ایران باز شد و این داستان همچنان ادامه دارد.

## دریچه